

نسبت

مردمان ساسانیان و غیر

برگرفته از کتاب: ساسانیان و غیر

لنین

به روستاییان فقیر

توضیح خواست های سوسیال دمکراتها
برای روستاییان^۱

برگردان : گروه مترجمین " ما "

چاپ اول ، خرداد ۱۳۵۸

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

حق چاپ محفوظ و مخصوص گروه مترجمین " ما "

این کتاب از روی متن انگلیسی چاپ پنجم (سال ۱۹۷۸) بفارسی برگردانده
شده است .

ترجمہٴ این اثر را بہ فدائی شہید
"مارتیک غازیان" تقدیم می‌کنیم .

لنین

به روستاییان فقیر

توضیح خواست های سوسیال دمکراتها
برای روستاییان^۱

برگردان : گروه مترجمین " ما "

چاپ اول ، خرداد ۱۳۵۸

تیراژ : ۵۰۰۰ جلد

حق چاپ محفوظ و مخصوص گروه مترجمین " ما "

این کتاب از روی متن انگلیسی چاپ پنجم (سال ۱۹۷۸) بفارسی برگردانده
شده است .

فهرست

- ۱ - مبارزه کارگران شهری ۵
- ۲ - سوسیال دمکرات ها چه می خواهند؟ ۱۰
- ۳ - ثروت و فقر، مالکان و کارگران در روستا ۲۳
- ۴ - دهقانان میانه حال چه راهی را باید برگزینند؟ ۴۱
- آیا از مالکان و ثروتمندان جانبداری کنند یا با طبقه فقیر و کارگران متحد شوند؟
- ۵ - اصلاحاتی که سوسیال دمکراتها برای همه مردم و طبقه کارگر ۵۱
- خواهانند کدام است؟
- ۶ - سوسیال دمکراتها چه اقداماتی در جهت بهبود وضع ۶۲
- روستاییان انجام می دهند؟
- ۷ - مبارزه طبقاتی در روستا ۸۲
- برنامه حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه، پیشنهاد شده
- بوسیله روزنامه ایسگرا در رابطه با مجله زاریا ۹۰
- توضیحات: ۹۳

(۱- مبارزه کارگران شهری

بسیاری از دهقانان از قیام‌های کارگری در شهرها آگاهی دارند ، بعضی از کشاورزان خود در پایتخت‌ها^۲ و در کارخانه‌ها بوده‌اند و به قول پلیس شورشها را به چشم دیده‌اند ، کارگرانی هستند که در قیام‌ها شرکت داشته و توسط مقامات دولتی به دهکده‌های خود تبعید شده‌اند ، دیگران نیز بایستی جزوه‌ها و کتابچه‌هایی را که کارگران در مورد مبارزاتشان انتشار داده‌اند دیده باشند ، معهذا بعضی دیگر تنها از کسانی که دارای تجربیات دست اول هستند داستانهای در مورد اتفاقات شهر شنیده‌اند .

قبلا " شورشها توسط دانشجویان ایجاد میشد ، ولی حالا هزاران کارگر در تمام شهرهای بزرگ بپا خاسته‌اند ، کارگران در اکثر موارد علیه کارفرمایان ، کارخانه‌داران و سرمایه‌داران می جنگند ، اعلام اعتصاب میکنند و همزمان دست از کار میکشند و خواهان حقوق بیشتر هشت ساعت کار روزانه به جای ده یا یازده ساعت هستند ، کارگران در جهت آسان تر کردن وضع زندگیشان خواسته‌های دیگری نیز دارند ، آنها میخواهند کارگاه‌ها شرایط بهتری داشته باشد ، ماشین‌ها از وسائل حفاظتی ویژه‌ای برخوردار شود تا از صدمه دیدن کارگران جلوگیری گردد ، آنها میخواهند کودکانشان بتوانند به مدرسه بروند و از بیمارانشان در بیمارستانهای مناسب نگهداری شود ، آنها میخواهند که خانه‌های کارگران مانند خانه‌های انسانی باشد و نه خوکدانی ،

پلیس در مبارزه کارگران دخالت میکند ، کارگران را دستگیر کرده به زندان می‌اندازد و بدون محاکمه به دهکده‌های خود یا حتی به

سیبری تبعید میکند ، دولت قوانینی تصویب کرده که مطابق آن اعتصابات و جلسات کارگری ممنوع اعلام شده‌اند ، ولی کارگران علیه پلیس و دولت نیز دست به مبارزه می‌زنند . کارگران می‌گویند : ما میلیون‌ها کارگر به اندازه کافی تحت فشار بوده‌ایم ! به اندازه کافی به آنها اجازه داده‌ایم که ما را غارت کنند ! ما می‌خواهیم در اتحادیه‌های مختلف با هم متحد شویم و یک اتحادیه عظیم کارگری از تمام کارگران (یک حزب کارگری) تشکیل دهیم و بطور مشترک برای یک زندگی بهتر مبارزه کنیم . ما خواهان یک نظام اجتماعی جدید و بهتر هستیم . در این جامعه‌ی جدید و بهتر نباید ثروتمند و فقیر وجود داشته باشد ، همه باید کار کنند . تمامی کارگران و نه فقط یک مشت ثروتمند ، باید از ثمرات کار مشترکشان برخوردار گردند . ماشین آلات و دیگر وسائل بایستی در خدمت راحت‌تر کردن کار همه باشد و نه در جهت ثروتمند کردن معدودی و به قیمت نابودی میلیون‌ها میلیون انسان . این جامعه سوسیالیسم نام دارد . اتحادیه‌های کارگری که بخاطر این نظام اجتماعی جدید مبارزه می‌کنند احزاب سوسیال دمکرات خوانده می‌شود . اینگونه احزاب تقریباً " در تمام کشورهای جهان (بجز روسیه و ترکیه) آزادانه فعالیت می‌کنند و کارگران روسیه نیز همراه با سوسیالیست‌های روشنفکر و تحصیل کرده یک چنین حزبی را حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه تشکیل داده‌اند .

دولت در تعقیب این حزب است ولی حزب علی‌رغم تمام ممنوعیتها مخفیانه به فعالیت خود ادامه می‌دهد . حزب روزنامه و جزوه چاپ میکند و اتحادیه‌های مخفی تشکیل می‌دهد . کارگران نه تنها در جلسات پنهانی گرد هم می‌آیند ، بلکه به خیابانها می‌ریزند و درفش‌های خود را که بر روی آنها نوشته شده است : " زنده باد هشت ساعت کار ! زنده باد آزادی ! زنده باد سوسیالیسم ! " به اهتزاز در می‌آورند . دولت بطور وحشیانه‌ای این کارگران را مورد تعقیب و آزار قرار می‌دهد . دولت حتی سربازان را برای سرکوبی کارگران اعزام می‌دارد . سربازان دولتی در یارسلاول (Yaroslavl)

سنت پترزبورگ (ST. Petersburg) ، ریگا (Riga) ، روستوو - ان - دن (Rosto-on-Don) و زلاتوست (Zlatoust) کارگران را قتل عام کرده‌اند *

ولی کارگران تسلیم نمیشوند . آنها به مبارزه ادامه میدهند . آنها میگویند . تعقیب ، زندان ، تبعید ، حبس با اعمال شاقه و حتی مرگ نمیتواند مارا بترساند . خواسته‌های ما بحق است . ما برای آزادی و خوشبختی تمام آنهایی که کار میکنند مبارزه میکنیم . ما برای آزادی دهها و صدها میلیون نفر از قید اختناق ، ظلم و فقر مبارزه میکنیم . کارگران هر چه بیشتر از منافع طبقاتی خود آگاه میشوند . تعداد سوسیال دمکراتها در تمام کشورها به سرعت رو به افزایش است . علی‌رغم تمام تعقیب و آزارها پیروز خواهیم شد . روستائیان فقیر باید به وضوح درک کنند سوسیال دمکراتها چه کسانی هستند ، چه میخواهند و در جهت کمک به سوسیال دمکراتها بخاطر خوشبختی همه مردم در روستاها چه باید کرد .

* در چاپ سال ۱۹۰۵ مطلبی که با " حزب روزنامه و جزوه شروع وبه ... کارگران را قتل و عام کرده‌اند " . ختم می شود به صورت زیر اصلاح شده است .

" دولت اکنون قول داده است که آزادی بیان ، آزادی اجتماعات و امنیت فردی را تاءمین کند ، ولی این قول دروغی بیش نبوده است . پلیس مجدداً " اجتماعات را به هم می زند ، روزنامه‌های کارگری مجدداً " غیر قانونی اعلام شده‌اند و سوسیال دمکراتها باز هم دستگیر و زندانی می‌شوند ، رزمندگان آزادی در گرنندشتاخت (Krontstadt) ، سیاستوپول (Sebastopol) و مسکو ، در قفقاز ، در جنوب و در تمام روسیه به قتل رسیده‌اند . "

هیئت تحریریه

۲- سوسیال دمکراتها چه میخواهند

سوسیال دمکراتهای روسیه در وهله اول برای کسب آزادی سیاسی کوشش میکنند. آنها برای متحد کردن تمام کارگران روسیه بطور وسیع و آزادانه در مبارزه برای یک نظام جدید و بهتر سوسیالیستی به آزادی سیاسی احتیاج دارند.

آزادی سیاسی چیست؟

برای درک این مطلب کشاورز باید وضعیت فعلی آزادی خود را با نظام رعیتی مقایسه کند. در نظام رعیتی، رعیت نمیتوانست بدون اجازه ارباب ازدواج کند. امروز کشاورز میتواند بدون اجازه از کسی ازدواج کند. در نظام رعیتی، رعیت مجبور بود بطور دائم و خستگی ناپذیر در روزهایی که مباشر تعیین میکرد برای ارباب کار کند. امروز کشاورز آزاد است تصمیم بگیرد برای چه کسی، در چه روزهایی و با چه مزدی کار کند. در نظام رعیتی، رعیت نمیتوانست بدون اجازه ارباب دهکده خود را ترک گوید. امروز کشاورز آزاد است به هر کجا که دلش میخواهد برود، و این در صورتی است که میر به او اجازه بدهد، بدهی مالیاتی نداشته باشد، و دارای جواز عبور باشد. فرماندار یا رئیس پلیس به او اجازه تغییر مکان بدهد. بدین ترتیب حتی امروز هم کشاورز کاملاً "آزاد" نیست به هر کجا که دلش میخواهد برود، و از آزادی کامل تغییر مکان برخوردار نیست، دهقان هنوز هم یک نیمه رعیت است. در بخشهای بعدی بطور دقیق تر تشریح خواهیم کرد که چرا کشاورزان روسیه هنوز نیمه رعیت هستند و برای رهایی از این وضعیت چه باید بکنند.

در نظام رعیتی ، رعیت بدون اجازه ارباب حق مالکیت چیزی را نداشت و نمیتوانست زمین بخرد . امروز کشاورز آزاد است مالک هر چیزی که میخواهد باشد (ولی حتی امروز هم او کاملاً "آزاد نیست که میر را ترک گوید ، او کاملاً "آزاد نیست زمین خود را به هر شکل که مایل است بفروشد) . در نظام رعیتی ، رعیت را به دستور ارباب شلاق میزدند ، امروز کشاورز را نمیتوان بدستور ارباب شلاق زد ، هر چند که هنوز هم میتوان تنبیه بدنی را در مورد او اعمال کرد .

در مسائل خصوصی و در مسائل مربوط به مالکیت ، کارگران و دهقانان آزادند . (هر چند نا قص) زندگی خانوادگی و مسائل خصوصی خود را خودشان حل و فصل کنند ، زمین و مایملک خودشان را بفروشند (کارفرمایشان را انتخاب کنند) .

ولی کارگران و مردم روسیه بطور اعم هنوز برای انجام امور عمومی خود آزاد نیستند . مردم بطور کلی برده مقامات دولتی هستند ، همانطور که رعایا برده ارباب بودند . مردم روسیه به هیچ وجه حق انتخاب مقامات دولتی را ندارند ، هیچگونه حقی در مورد انتخاب نمایندگان برای وضع قوانین کشور ندارند . مردم روسیه حتی مجاز به تشکیل اجتماعات برای بحث مسائل ملکیتی نیستند . ما حتی جرات چاپ روزنامه و کتاب و جرات صحبت با همه و برای همه در مورد مسائل مربوط به تمام کشور را نداریم و برای این کار باید از مقاماتی اجازه بگیریم که بدون رضایت ما انتصاب شده اند ، درست همانطور که ارباب بدون رضایت رعیت مباشر خود را تعیین میکرد .

همانطور که رعیت برده ارباب بود ، مردم روسیه نیز هنوز برده مقامات دولتی هستند . همانطور که در نظام رعیتی ، رعیت فاقد آزادی مدنی بود ، مردم روسیه نیز فاقد آزادی سیاسی هستند . آزادی سیاسی به معنی آزادی تمام مردم در مورد تعیین مسائل عمومی و کشوری خود میباشد . آزادی سیاسی

یعنی حق انتخاب نمایندگان از طرف مردم برای دوماى دولتی* (پارلمان) ۳ تمام قوانین باید به بحث گذاشته شود و سپس تصویب گردد . تمام مالیاتها باید تنها توسط این چنین دوماى دولتی (پارلمان) که بوسیله خود مردم انتخاب شده ، وضع شود . آزادی سیاسى یعنی حق انتخاب تمامى مقامات دولتی بوسیله مردم ، برپایی انواع جلسات برای بحث مسائل مملکتی و چاپ هرگونه روزنامه و کتاب بدون کسب اجازه .

تمام مردم اروپا از مدتها قبل آزادی سیاسى بدست آورده اند . تنها در ترکیه و روسیه مردم هنوز از لحاظ سیاسى برده ی حکومت سلطان و حکومت خودکامه تزاری هستند . حکومت خودکامه تزاری به معنی قدرت نامحدود تزار میباشد . مردم هیچ حقی در مورد تعیین بافت حکومت و اداره ی آن ندارند . تزار بوسیله قدرت شخصی ، نامحدود و استبدادی خود تمام قوانین را شخصا وضع میکند و تمام مقامات را نیز خودش تعیین میکند . ولی البته تزار حتی نمیتواند تمام قوانین و مقامات روسیه را بشناسد . تزار حتی نمیتواند از تمام وقایعی که در کشور رخ میدهد آگاه باشد . تزار تنها کاری که میکند صحه گذاشتن بر خواسته های یک مشت مقامات ثروتمند و اشراف زاده است . ولی یک فرد هر قدر هم که بخواهد کاری انجام دهد نمیتواند بر کشور پهناوری مانند روسیه حکومت کند . این تزار نیست که بر روسیه حکومت میکند . حکومت خودکامه یک نفره اصطلاحی بیش نیست ! روسیه تحت حکومت یک مشت مقامات ثروتمند و اشراف زاده میباشد . تزار تنها آن چیزهائی را میداند که آنها مایل اند به او بگویند و تزار به هیچ وجه نمیتواند خلاف میل این گروه قدمی

در چاپ سال ۱۹۵۵ به جای عبارت " دوماى دولتی " که در صفحات بعد نیز تکرار شده عبارت " مجمع نمایندگان خلق " آمده است .

هیئت تحریریه

بردارد. تزار خود یک زمیندار و یک عضو اشرافیت است. از زمان کودکی او در میان این اشراف زندگی کرده است. آنها بودند که او را بزرگ کرده و تعلیم دادند. آگاهی تزار در مورد روسیه به همان میزان است که اشراف، ثروتمندان صاحب زمین و تعدادی تاجر که به دربار او رفت و آمد میکنند از آنها اطلاع دارند.

در سازمان اداری هرولست^۴ تنها یک عکس بر دیوارها آویزان است. در این عکس تزار (آلکساندر سوم^۵ پدر تزار فعلی) با روءسای ولست که به مراسم تاجگذاری او آمده‌اند صحبت میکند. تزار به آنها دستور میدهد. "از نمایندگان اشراف اطاعت کنید"^۶. تزار فعلی نیکلای دوم^۷ نیز همان کلمات را تکرار کرده است. بنابراین تزارها خودشان نیز قبول دارند که تنها به کمک اشراف و از طریق آنها میتوانند سلطنت کنند. ما باید کاملاً "حرفهائی را که تزار به دهقانان در مورد اطاعت از اشراف گفته است بخاطر بسپاریم. ما باید به وضوح درک کنیم آنهائی که میگویند حکومت تزاری بهترین نوع حکومت است فربیکارانی بیش نیستند. در کشورهای دیگر - آنها این چنین میگویند - دولت انتخابی است. ولی ثروتمندها انتخاب میشوند، غیر عادلانه حکومت میکنند و به فقرا ظلم میکنند. در روسیه حکومت انتخابی نیست. یک تزار مستبد بر تمام کشور حکومت میکند. تزار برتر از تمام ثروتمندان و فقرا میباشد. آنها به ما میگویند که تزار نسبت به همه اعم از فقیر و غنی یکسان رفتار میکند.

این حرف ریاکاری محض است. هر فرد روسی با عدالتی که دولت ما مجری آن است آشنائی دارد. همه میدانند که در کشور ما یک کارگر ساده یا یک کارگر کشاورزی نمیتواند به عضویت شورای دولت درآید. ولی در تمام کشورهای دیگر اروپائی کارگران کارخانه و کارگران مزرعه برای عضویت در دوما^۸ دولتی (پارلمان) انتخاب شده‌اند. آنها توانسته‌اند آزادانه با تمام مردم درباره‌ی شرایط رفعت با کارگران صحبت کنند و از آنها دعوت به اتحاد

و مبارزه برای یک زندگی بهتر کنند و هیچکس نتوانسته است از سخنان نمایندگان ملت جلوگیری کند. هیچ پلیسی جرات دست زدن به آنها را نداشته است.

در روسیه حکومت انتخابی وجود ندارد و کشور نه تنها بوسیله ثروتمندان و اشراف بلکه توسط بدترین آنها اداره میشود. کشور بوسیله ماهرترین توطئه گران دربار تزار، هنرمندترین شیادان، آنهائی که به تزار دروغ میگویند و چاپلوسی میکنند اداره میشود. آنها درخفا حکومت میکنند. مردم نمی دانند و نمیتوانند بفهمند چه قوانین جدیدی به تصویب میرسد، چه جنگ هائی برپا میشود چه مالیات های جدیدی وضع میشود، از کدام مقام ستایش میشود و کدام مقامات طرد میشوند و برای چه* در هیچ کشوری مانند روسیه

*در چاپ سال ۱۹۰۵ بعد از کلمات "... و برای چه" مطلب زیر درج

شده است.

"چه کسی به ژاپن اعلام جنگ داد؟ دولت. آیا از مردم سؤال شد که مایل به جنگیدن برای سرزمین منچوری هستند؟ خیر. زیرا رئیس دولت از طریق ماءموران خود بر مردم حکومت میکند. اکنون به خاطر اشتباه دولت مردم بخاطر یک جنگ تحمیلی خانه خراب شده اند. صدها و هزاران سرباز جوان جان خود را از دست دادند. خانواده ها مجبور به گدائی شدند. نیروی دریائی روسیه بکلی نابود شد و نیروهای روسی از منچوری بیرون رانده شدند. بیش از دو هزار میلیون روبل صرف این جنگ شد (دو هزار میلیون روبل یعنی ۱۰۰ روبل از هر کدام از بیست میلیون خانواده روسی)، مردم به سرزمین منچوری احتیاجی ندارند. مردم جنگ را نمی خواستند ولی یک دولت متشکل از مقامات دولتی تنها به میل خود بر مردم حکومت میکرد و مردم را مجبور به شروع این جنگ شرم آور، مصیبت زا و خانمان برانداز نمود." هیئت تحریریه

این چنین گروه کثیری از مقامات دولتی وجود ندارد. این مقامات همیشه مانند جنگل تاریکی در بالای سر مردم خاموشی قرار دارند. یک کارگر ساده هرگز نمیتواند راه خود را در این جنگل پیدا کند، هرگز نمیتواند به عدالت دست یابد. هیچکدام از شکایات مردم در باره ی ارتشاء، چپاول و شیادی های مقامات منعکس نمیشود، شکایات در قرطاس بازی اداری گم میشود. صدای فرد هرگز به گوش تمام مردم نمی رسد بلکه در این جنگل تاریک و در اطاق های شکنجه پلیس خفه میشود. یک ارتش از مقامات دولتی که هرگز توسط مردم انتخاب نشده اند و خود را نیز به هیچ وجه نسبت به مردم مسئول حس نمیکند، تار ضخیمی تنیده است و مردان و زنان در این تار مانند مگس دست و پا می زنند.*

استبداد تزاری عبارت است از استبداد مقامات. استبداد تزاری به معنی وابستگی برده وار مردم به مقامات و به ویژه پلیس میباشد. استبداد تزاری، استبداد پلیس است.

به همین دلیل است که کارگران در حالیکه روی پرچم هایشان نوشته شده است: " مرگ بر خودکامگی! زنده باد آزادی سیاسی! " به خیابانها می ریزند. به همین دلیل است که دهها میلیون روستائی فقیر باید از کارگران شهری حمایت کنند و شعارهای آنان را تکرار کنند. کارگران کشاورزی و روستائیان فقیر نیز باید مانند کارگران شهری بدون ترس از تعقیب، تهدید، و خشونت دشمن و بدون واهمه از شکست های اولیه برای مبارزه قطعی بخاطر

* در چاپ سال ۱۹۵۵ بعد از کلمات "... دست و پا می زنند" مطلب زیر اضافه شده است.

این چنین قدرت نامحدود مقامات، دولت بوروکراتیک نامیده میشود و مقامات نیز بطور کلی بوروکراسی خوانده میشوند.

هیئت تحریریه

آزادی تمام مردم روسیه وارد عمل شوند و اولین خواسته آنان نیز باید تشکیل مجمع نمایندگان خلق باشد. مردم سراسر روسیه باید خودشان نمایندگان را انتخاب کنند. نمایندگان منتخب مردم یک شورای عالی تشکیل خواهند داد، دولت انتخابی معرفی خواهد شد، مردم از وابستگی برده وار به مقامات و پلیس آزاد خواهند شد و از حق آزادی اجتماعات، آزادی بیان و آزادی مطبوعات برخوردار خواهند گشت!

این چیزی است که سوسیال دمکراتها در وهله اول خواستار آن هستند. این است معنی اولین خواسته آنان: درخواست آزادی سیاسی.*

* در چاپ سال ۱۹۰۵ مطلب زیر بعد از عبارت "آزادی سیاسی" آمده است:

"دولت قول داده است نمایندگان مردم را برای تشکیل یک دوما^۱ دولتی دعوت کند ولی دولت مجدداً "مردم را با این وعده فریب داده است و تحت لوای دوما دولتی سعی کرده که نه نمایندگان واقعی مردم بلکه مقامات، اشراف، زمینداران و بازرگانان دست چین را دعوت کند. نمایندگان مردم باید آزادانه انتخاب شوند ولی دولت اجازه انتخابات آزاد را نمیدهد، روزنامه‌ها، جلسات و گردهمایی‌های کارگری را ممنوع اعلام میکند، اتحادیه دهقانی را تحت تعقیب قرار میدهد و نمایندگان دهقانان را دستگیر و زندانی میکند. آیا در شرایطی که پلیس و ناظرین روستاها^۲ به تهدید و آزار کارگران ادامه میدهند، انتخابات آزاد میتواند وجود داشته باشد؟

نمایندگان مردم باید توسط تمام مردم و در شرایط مساوی انتخاب شوند، بدین ترتیب که اشراف، زمینداران و بازرگانان به هیچ وجه مزیتی بر کارگران و دهقانان نداشته باشند. اشراف و بازرگانان چند هزار نفرند، ولی تعداد دهقانان به میلیونها نفر می‌رسد اما دولت تحت لوای دوما دولتی مجمعی تشکیل می‌دهد که هیچگونه انتخابات برابر وجود ندارد. دولت انتخابات

ما میدانیم که آزادی سیاسی، انتخابات آزاد برای دومای دولتی (پارلمان)، آزادی اجتماعات و آزادی مطبوعات فوراً "کارگران را از چنگال فقر و ظلم و تعدی نجات نخواهد داد. هیچ وسیله‌ای وجود ندارد که بتوان توسط آن فقرای شهری و روستائی را بطور سریع از کارکردن برای ثروتمندان نجات داد. زحمتکشان به کسی جز خودشان نمیتوانند امیدوارو متکی باشند. هیچ کس بجز خود زحمتکشان نمیتواند آنها را از چنگال فقر و بدبختی برهاند. کارگران سراسر روسیه برای آزادی خود باید در یک اتحادیه، در یک حزب متحد شوند. ولی در شرایطی که دولت پلیسی استبدادی تمام جلسات و روزنامه‌های کارگری و انتخابات نمایندگان کارگران را غیر قانونی اعلام می‌کند، میلیونها کارگر نمیتوانند متحد شوند. برای متحد شدن آنها باید حق تشکیل همه‌نوع اتحادیه را داشته باشند، باید برای متحد شدن آزاد باشند، آنها باید آزادی سیاسی داشته باشند.

را آنچنان ماهرانه برگزار کرده‌است که اشراف و بازرگانان تقریباً "تمام کرسی‌ها را بدست خواهند آورد، درحالیکه کارگران و دهقانان حتی یک دهم کرسی‌ها را هم بدست نخواهند آورد. این یک دومای تقلبی است. این یک دومای پلیسی است. این یک دومای مقامات و برای یک مجمع واقعی متشکل از نمایندگان مردم احتیاج به آزادی مطلق انتخابات و انتخابات برابری برای همه مردم میباشد. به همین دلیل است که کارگران سوسیال دمکرات اعلام میکنند. "مرگ بر دوما! مرگ بر مجمع تقلبی! چیزی که ما احتیاج داریم یک مجمع واقعی و آزاد نمایندگان تمام مردم است و نه نمایندگان اشراف و بازرگانان! ما به یک مجمع مؤسسان احتیاج داریم که بیانگر خواست تمام مردم باشد، ما میخواهیم که مردم بر مقامات اعمال قدرت کامل کنند، نه اینکه مقامات بر مردم مسلط باشند."

آزادی سیاسی طبقه کارگر را فوراً " از چنگال فقر نجات نخواهد داد .
ولی به کارگران اسلحه‌ای می‌دهد که با آن می‌توانند علیه فقر مبارزه کنند .
بجز اتحاد خود کارگران هیچ وسیله دیگری برای مبارزه علیه فقر وجود ندارد .
ولی میلیون‌ها انسان نمی‌توانند متحد شوند ، مگر اینکه به آزادی سیاسی دست
یابند .

در تمام کشورهای اروپائی که مردم به آزادی سیاسی دست یافته‌اند ،
کارگران از مدت‌ها قبل متحد شده بودند . در اروپا کارگرانی که دارای زمین
و کارگاهی نیستند و در طول حیات خود به‌ازاء دریافت دستمزد برای دیگران
کار میکنند ، پرولتاریا نامیده میشوند . بیش از پنجاه سال پیش از تمام کارگران
خواسته شد متحد شوند . " کارگران جهان متحد شوید . " ^{۱۰} طی پنجاه سال
اخیر این کلمات در سراسر جهان پیچیده است ، در صدها و هزاران جلسه‌ی
کارگری تکرار شده است و آنها را میتوان در میلیون‌ها جزوه و کتاب سوسیال
دموکراتها به تمام زبانها خواند .

البته متحد کردن میلیون‌ها کارگر در یک اتحادیه و در یک حزب وظیفه‌ای
فوق‌العاده مشکل میباشد . این عمل احتیاج به زمان ، پایداری ، پشتکار ، و
شجاعت دارد . کارگران زیر بار فقر و احتیاج خرد میشوند و در اثر استثمار
دائمی سرمایه‌داران و زمینداران تدریجاً " نابود میشوند . اغلب آنها حتی
وقت فکر کردن در مورد اینکه چرا آنها دائماً " فقیر هستند یا چگونه میتوانند
از این وضع نجات پیدا کنند ندارند . برای جلوگیری از اتحاد کارگران همه
نوع عملی انجام میگیرد : از طریق اعمال خشونت و اعمال وحشیانه در کشور
هائی چون کشور روسیه که در آن هیچگونه آزادی سیاسی وجود ندارد یا
خودداری از استخدام کارگرانی که اصول سوسیالیسم را اشاعه میدهند و یا
عاقبت توسط فریب و ارتشاء ، ولی خشونت و آزار نمیتواند پرولتاریا را از مبارزه
برای آزادی زحمتکشان از فقر و ظلم باز دارد . تعداد کارگران سوسیال دموکرات رو
به افزایش است . برای نمونه کشور همسایه ما آلمان را در نظر بگیرید . در

آلمان سوسیال دمکراتها دارای دولت انتخابی هستند . قبلا " در آلمان نیز یک دولت پادشاهی استبدادی با قدرت نا محدود وجود داشت . ولی مدتها قبل ، بیش از پنجاه سال قبل ، مردم آلمان استبداد را نابود کردند و اخیرا " با آزادی سیاسی دست یافته اند . در آلمان برخلاف روسیه مجمع نمایندگان خلق توسط یک پارلمان که بزبان آلمانی رایش تاگ (Reichstag) نامیده میشود وضع میشود . تمام افراد بالغ در انتخاب نمایندگان این مجمع شرکت میکنند . بدین ترتیب تعداد آرای سوسیال دمکراتها مشخص میشود . در سال ۱۸۹۸ (سالی که آخرین انتخابات Reichstag انجام شد) تعداد آرای سوسیال دمکراتها تقریبا " سه برابر شده بود . در این سال بیش از یک چهارم تمام آراء به سوسیال دمکراتها تعلق یافت . بیش از دو میلیون نفر از رای دهندگان مرد به گاندهای سوسیال دمکرات پارلمان رای دادند . *

سوسیالیسم در میان کارگران کشاورزی آلمان هنوز زیاد وسعت نیافته ولی گسترش آن روز افزون است . هنگامی که توده های کارگران کشاورزی ، کارگران روز مزد و دهقانان فقیر با برادران خود در شهرها متحد شوند ، کارگران آلمان پیروز خواهند شد و نظامی ایجاد خواهند کرد که دیگر در آن هیچ کارگری از فقر و ظلم و تعدی در رنج نخواهد بود .

کارگران سوسیال دمکرات چگونه میخواهند مردم را از بند فقر و گرسنگی رهایی بخشند ؟

برای درک این مطلب شخص باید کاملا " علت فقر توده های وسیع مردم را در نظام اجتماعی فعلی بشناسد . شهرهای ثروتمند در حال گسترش هستند ،

* در چاپ سال ۱۹۰۵ مطلب زیر پس از " . . . رای دادند " آمده است :

" در سال ۱۹۳۰ سه میلیون نفر از رای دهندگان مرد سوسیال دمکراتها را انتخاب کردند " .

فروشگاهها و خانههای فوقالعاده زیبا و خطوط آهن ساخته میشود ، انواع دستگاهها و وسائل جدید در صنعت و کشاورزی بکار گرفته میشود . ولی میلیونها انسان هنوز در فقر به سر میبرند و تمام عمر خود را صرف کار برای تاءمین مایحتاج اولیه زندگی خانوادههای خود میکنند . این تمام مطلب نیست . هر روز بر تعداد بیکاران افزوده میشود . در شهر و در روستا تعداد افرادی که نمیتوانند کاری پیدا کنند بیشتر میشود . و در شهرها نیز به صف ولگرد ها و حاشیه نشین ها میپوندند . مانند حیوانات به گودالها و حومه شهرها یا محلههای فقیر نشین و زاغههای وحشتناک که امثال آن در بازار خنیروف (Khitrov) مسکواست پناه میبرند .

چرا چنین است ؟ ثروت و مکنت رو به افزایش است ولی میلیونها انسان که خودشان به وجود آورنده تمام این ثروتها هستند در فقر و تنگدستی زندگی میکنند ! دهقانان از گرسنگی جان میسپارند ، کارگران بیکار هستند ولی بازرگانان میلیونها پوت (هر پوت معادل ۱۱۳ / ۳۶ رطل - مترجم) گندم از روسیه به کشورهای دیگر صادر میکنند ، کارخانهها به دلیل اینکه بازاری برای فروش کالاهای آنان نیست تعطیل شده است !

دلیل همه اینها در وهلهی اول عبارت از این است که اکثر زمینها ، کارخانهها ، کارگاهها ، دستگاهها ، ساختمانها ، کشتیها ، و غیره متعلق به تعداد قلیلی افراد ثروتمند میباشد . دهها میلیون انسان روی این زمینها ، در این کارخانهها و کارگاهها کار میکنند . ولی همه آنها در اختیار چند هزار یا دهها هزار افراد ثروتمند ، زمینداران ، بازرگانان و کارخانهداران میباشد . مردم در ازای دستمزد و بخاطر لقمهای نان برای این ثروتمندان کار میکنند تمام چیزهایی که تولید میشود بغیر از مقداری که برای ادامه زندگی کارگران لازم است به جیب ثروتمندان میرود ، این سود ، " درآمد " آنهاست و تمام منافع حاصل از ماشینها و دستگاهها در روش های تولیدی به جیب زمینداران و سرمایه داران میرود ، آنها ثروتهای بی حسابی کسب میکنند ، درحالیکه

کارگر تنها مبلغ ناچیزی بدست می‌آورد. کارگران برای کار کردن دور هم جمع میشوند، در اسلاک وسیع و کارخانه‌های بزرگ صدها و حتی گاهی هزاران کارگر استخدام و مشغول بکار میشوند. هنگامیکه نیروی کار بدین صورت متحد میشود و هنگامیکه ماشینهای گوناگون بکار گرفته میشود، نیروی تولیدی کارافزایش مییابد. اکنون یک کارگر از زمانی که کارگران بطور مجزا و بدون کمک ماشین کار میکردند بیشتر تولید میکند. ولی ثمره تولید بیشتر نصیب کارگران نمیشود بلکه به تعداد ناچیزی زمیندار بزرگ، تاجر و کارخانه‌دار تعلق می‌گیرد.

اغلب گفته میشود که زمینداران و بازرگانان برای مردم "کار فراهم میکنند" و به فقرا "نفع" می‌رسانند. برای مثال گفته میشود که یک کارخانه دار یا یک زمیندار مجاور روستا از دهقانان محلی "نگاهداری" میکند ولی در واقع این کارگران هستند که با نیروی کارشان از خود و سرمایه داران نگاهداری میکنند ولی برای کسب اجازه کار در زمین یک زمیندار در یک کارخانه، یا روی خط آهن کارگر تمام محصول تولید خود را بطور رایگان در اختیار صاحب کار قرار میدهد، در حالیکه کارگر خودش تنها مقدار ناچیزی برای زنده ماندن به دست می‌آورد. بدین ترتیب در واقع این زمیندار و بازرگان نیست که به کارگر کار میدهد، بلکه کارگر است که با نیروی کار خود همه را نگاه میدارد و قسمت اعظم نیروی کار خود را مجانا "تسلیم میکند".

بعلاوه، فقر مردم در کشورهای امروزه بخاطر این امر است که کارگران تمام وسائل را برای فروش، در بازار تولید میکنند. کارخانه‌دار و صنعتگر، زمیندار و دهقان ثروتمند کالاهای مختلف تولید میکنند، دام پرورش می‌دهند، گندم میکارند و درو میکنند تا بفروشند، پول به دست بیاورند. در همه جا پول قدرت حاکمه شده است. تمام کالاهائی که توسط نیروی انسانی تولید شده است با پول معاوضه میشود. با پول میتوان همه چیز خرید با پول میتوان یک انسان را خرید یعنی میتوان فردی را که هیچ چیز ندارد مجبور

کرد برای کسی که پول دارد کار کند. سابقاً "تحت نظام رعیتی زمین نقش قدرت حاکمه را بازی میکرد. هرکس زمین داشت قدرت نیز داشت. ولی امروزه پول و سرمایه قدرت حاکمه میباشد. با پول میتوان هر مقدار زمین را خرید. در صورتیکه زمین باشد ولی پول نباشد نمیتوان کاری کرد. برای خریدن خیش و دیگر وسائل، دام، لباس و وسائل ساخته شده در شهر پول لازم است. برای پرداخت مالیات باید پول داشت. بخاطر پول تقریباً تمام زمینداران زمینهای خود را در بانک گرو گذاشتهاند. برای به دست آوردن پول دولت از ثروتمندان و بانکداران تمام جهان وام میگیرد و سالانه میلیونها روبل سود وام پرداخت میکند.

بخاطر پول همه جنگ بیرحمانهای علیه دیگران شروع کردهاند. همه سعی میکنند ارزان بخرند و گران بفروشند، هرکس سعی میکند از دیگران جلوتر بزند، تا جائیکه امکان دارد کالای خود را بفروشد، قیمتها را بشکند و بازار پر منفعت و قرار داد سودمند را سری نگهدارد. در این آشفته بازار زحمتکشان، صنعتگران خرد یا دهقانان خرده پائیشتر از همه ضرر می بینند. آنها همیشه از تاجرها و دهقانان ثروتمند عقب میمانند. زحمتکشان هرگز ذخیره و پس اندازی ندارند. آنها دست بدهان زندگی میکنند. هر مشکل و یا حادثهای آنها را وادار میسازد که دار و ندار خود را گرو بگذارند یا دام خود را به قیمت ناچیزی بفروشند. به محض اینکه در چنگال یک کولاک^{۱۱} یا یک ربا خوار اسیر شوند دیگر بسیار به ندرت بتوانند از دام آنها بگریزند و در اکثر موارد همه چیز خود را از دست میدهند. هر سال دهها و صدها هزار دهقان خرده پا و صنعتگر خرد مجبور میشوند کلبههای خود را ترک کنند، اموال^{۱۲} خود را به طور رایگان در اختیار کمون بگذارند و به صورت کارگران کشاورزی، کارگران ساده پرولتاریا مشغول به کار شوند. ولی در این میان ثروتمندان ثروتمندتر و ثروتمندتر میشوند. آنها میلیونها و صدها میلیون روبل در بانکها انباشته میکنند و نه تنها از پول خود بلکه از پول

دیگران نیز که در بانک نگاهداری میشود منفعت میبرند. زحمتکشان که مقداری ناچیز یا چند صد روبل خود را به بانک سپرده‌اند، در ازاء هر روبل سه یا چهار کوپک سود دریافت میکنند ولی یک شخص ثروتمند از این راه میلیونها کوپک به جیب میزند و پول به دست آمده را برای کسب سود بیشتر به کار می‌اندازد و در ازاء هر روبل ده تا بیست کوپک به دست می‌آورد.

بهمین دلیل است که کارگران سوسیال دمکرات میگویند تنها راه از بین بردن فقر مردم تغییر بنیادی نظام حاضر در سراسر کشور و ایجاد یک نظام سوسیالیستی میباشد، یعنی نظامی که املاک را از زمینداران بزرگ، کارخانه را از کارخانه‌داران و سرمایه پولی را از بانکداران بگیرد، مالکیت خصوصی را از بین ببرد و همه‌ی آنها را به مالکیت تمام کارگران در سراسر کشور در آورد. پس از انجام این عمل دیگر نیروی کار کارگران در خدمت ثروتمندان که از نیروی کار دیگران زندگی میکنند قرار نخواهد گرفت بلکه در اختیار خود کارگران و کسانی که کارگران آنها را انتخاب میکنند خواهد بود. سود حاصل از نیروی کار عمومی و مزایای اصلاحات و ماشین آلات متعلق به تمام زحمتکشان، تمام کارگران خواهد بود. رشد میزان ثروت سریعتر خواهد بود زیرا کارگران حالا که برای خودشان کار میکنند و نه برای سرمایه‌داران، بهتر کار خواهند کرد، ساعات کار کاهش خواهد یافت، سطح زندگی کارگران بالا خواهد رفت و تمام شرایط زندگی کارگران کاملاً تغییر خواهد کرد.

ولی تغییر نظام اجتماعی موجود مساله‌های نیست. این امر احتیاج به کوشش زیاد و یک مبارزه پیگیر و بلند مدت دارد. تمام ثروتمندان، تمام مالکان و تمام بورژوازی* با تمام قدرت از ثروت‌های خود دفاع خواهند کرد.

* بورژوا یعنی مالک. بورژوازی یعنی تمام مالکان با هم. بورژوازی بزرگ یعنی کسی که دارائی زیادی دارد. خرده بورژوا یعنی کسی که دارائی

مقامات دولتی و ارتش برای دفاع از طبقه ثروتمند به پا خواهند خواست ، زیرا دولت تحت نفوذ طبقه ثروتمند است . کارگران باید با هم متحد شوند و به صورت یک تن واحد علیه تمام کسانی که با نیروی کار دیگران زندگی میکنند مبارزه کنند . کارگران باید متحد شوند و به فقرا نیز کمک کنند که با آنها در یک طبقه کارگر ، در یک طبقه پرولتاریا متحد شوند . مبارزه طبقه کارگران نخواهد بود ، ولی بطور ختم به پیروزی کارگران خواهد انجامید . زیرا بورژوازی یا آلهائی که با نیروی کار دیگران زندگی میکنند اقلیت نا چیزی از جمعیت را تشکیل میدهند ، درحالیکه طبقه کارگر در اکثریت است . کارگران علیه صاحبان ثروت یعنی میلیونها علیه هزاران .

اکنون کارگران روسیه برای این مبارزه بزرگ در یک حزب سوسیال دمکرات کارگری متحد میشوند . هر چند که اتحاد به صورت مخفی و دور از چشم پلیس دشوار است ، مع هذا سازمان گسترش می یابد و قوی تر می شود . هنگامی که ملت روس آزادی سیاسی به دست آورد ، اتحاد طبقه کارگر و نهضت سوسیالیسم ، سریعتر پیشرفت خواهد کرد حتی سریعتر از نهضت کارگران آلمانی .

کمی دارد . لغات بورژوازی و پرولتاریا همان سرمایه داران و کارگران ، ثروتمندان و فقرا و کسانی که از نیروی کار دیگران زندگی میکنند و آلهائی که بخاطر دریافت مزد برای دیگران کار میکنند ، می باشد .

۳- ثروت و فقر

مالکان و کارگران در روستا

ما اکنون میدانیم سوسیال دمکراتها چه میخواهند ، آنها میخواهند برای رها ساختن مردم از فقر و بدبختی علیه تمام طبقه ثروتمند بجنگند . فقر در روستا از فقر در شهر کمتر نیست و حتی بیشتر نیز هست . ما در اینجا در مورد میزان فقر در روستا صحبت نخواهیم کرد . هر کارگری که در روستا بوده است و همه دهقانان به خوبی با فقر و احتیاج ، گرسنگی و آوارگی آشنا هستند .

ولی دهقانان علت مصیبت ، گرسنگی و بدبختی و چگونگی رهایی از آن را نمیدانند . برای درک این مطلب شخص باید ابتدا علت احتیاج و فقر در شهر و روستا را بداند . ما قبلاً " بطور مختصر این موضوع را مورد بررسی قرار دادیم و دیدیم که دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی باید با کارگران شهری متحد شوند . ولی این کافی نیست . ما باید همچنین بفهمیم در روستا چه کسانی از ثروتمندان و مالکان و چه کسانی از کارگران و سوسیال دمکراتها پشتیبانی خواهند کرد . ما باید بدانیم دهقانانی نیز هستند که دست کمی از ارباب نداشته و از طریق کار دیگران به ثروت دست می یابند . ما اگر نتوانیم این موضوع را کاملاً " مورد بررسی قرار دهیم تمام صحبت ها در مورد فقر بیهوده خواهد بود و روستائیان فقیر نخواهند فهمید چه کسانی از آنها باید با هم و با کارگران شهری متحد شوند یا برای ایجاد یک اتحادیه قابل اطمینان چه باید بکنند و یا برای اینکه از شر دهقانان ثروتمند و زمینداران

در امان باشند چه تصمیماتی باید اتخاذ نمایند .

اجازه بدهید از زمینداران شروع کنیم . ما میتوانیم قدرت آنها را در وهله اول با مقدار زمینی که به عنوان یک ملک خصوصی در اختیار دارند تخمین بزنیم ، مقدار کل زمین در روسیه اروپائی که شامل زمین دهقانان و افراد دیگر نیز میباشد در حدود ۲۴۰۰۰۰۰۰۰۰ دسیاتین* میباشد (بجز زمینهای دولتی که در مورد آن جداگانه صحبت خواهیم کرد) . از ۲۴۰۰۰۰۰۰۰۰ دسیاتین ، ۱۳۱۰۰۰۰۰۰۰ دسیاتین در دست دهقانان است یعنی در دست بیش از ده میلیون خانوار . در صورتیکه ۱۰۹۰۰۰۰۰۰۰ دسیاتین در اختیار مالکان خصوصی میباشد یعنی در اختیار کمتر از نیم میلیون خانواده . بدین ترتیب اگر میانگین را در نظر بگیریم هر خانواده دهقانی ۱۳ دسیاتین و هر خانواده مالک خصوصی ۲۱۸ دسیاتین در اختیار دارد ! ولی توزیع زمین از این هم غیر عادلانه تر است و ما این مطلب را در زیر خواهیم دید .

از ۱۰۹ میلیون دسیاتین که در اختیار مالکان خصوصی است ، هفت میلیون دسیاتین زمین های سلطنتی یا به عبارت دیگر ملک خصوصی اعضاء خاندان سلطنتی میباشد . تزار به همراه خانواده اش اولین زمیندار و بزرگترین مالک روسیه میباشد . یک خانواده از بیش از نیم میلیون خانواده دهقانی زمین بیشتری در اختیار دارند . بعلاوه کلیساها و دیرها نیز شش میلیون دسیاتین زمین در تملک خود دارند . کشیش ها به دهقانان صرفه جوئی و

* این رقم و تمام ارقام مربوط به مقدار زمین که بعد می آید بسیار قدیمی و مربوط به سالهای ۱۸۷۷-۱۸۷۸ میباشد . ولی ما ارقام جدیدتری در دست نداریم . دولت روسیه تنها با مخفی ساختن واقعیات دولت می تواند باقی بماند و به همین دلیل اطلاعات کامل و قابل اطمینان در مورد زندگی مردم کشور ما بسیار اندک است . (هر دسیاتین معادل ۲/۷ جریب است) .

ریاضت می آموزند ولی خودشان با تزویر و تقلب قسمت عظیمی از زمین را در اختیار گرفته اند .

بعلاوه ، در حدود دو میلیون دسیاتین زمین در اختیار شهرها و مقدار متشابه ای نیز در اختیار شرکتها و سازمانهای تجارتي و صنعتی میباشد . نود و دو میلیون دسیاتین (رقم واقعی ۹۱۶۰۵۸۴۵ میباشد ولی برای آسان تر شدن به صورت عدد صحیح ذکر میکنیم) متعلق به کمتر از نیم میلیون (۴۸۱۳۸۵) خانواده و مالکان خصوصی میباشد . نیمی از این خانواده ها مالکان کوچکی هستند که هر کدام کمتر از ده دسیاتین زمین دارند و همه آنها روی هم کمتر از یک میلیون دسیاتین زمین در تملک خود دارند از طرف دیگر شانزده هزار خانواده هر کدام در حدود بیش از یک هزار دسیاتین زمین در اختیار دارند و کل زمین تحت مالکیت آنان به ۶۵ میلیون دسیاتین می رسد . هم چنین از این واقعیت که حدود کمتر از یک هزار خانواده (۹۲۴ خانواده) هر کدام بیش از ده هزار دسیاتین زمین دارند و همه روی هم بیست و هفت میلیون دسیاتین زمین در اختیار دارند میتوان فهمید که چه زمینهای وسیعی در دست زمینداران بزرگ متمرکز شده است ! یک هزار خانواده به اندازه دو میلیون خانواده روستائی زمین در اختیار دارند .

کاملاً واضح است تا زمانی که این چنین زمین های وسیعی در تملک چند هزار ثروتمند باشد میلیونها انسان مجبور هستند که در فقر و گرسنگی زندگی کنند . کاملاً واضح است که مقامات دولتی ، دولت و حتی خود تزار همیشه به ساز زمینداران بزرگ خواهند رقصید . کاملاً واضح است ، روستائیان فقیر تا زمانی که به صورت یک طبقه متحد نشوند و سرسختانه علیه طبقه زمیندار مبارزه نکنند از هیچکس و هیچ مقامی نمیتوانند انتظار کمک داشته باشند .

در اینجا باید ملاحظه کرد که بسیاری از افراد این کشور (حتی بسیاری از تحصیل کرده ها) در مورد قدرت زمینداران کاملاً در اشتباه هستند . آنها

میگویند دولت زمین بیشتری در اختیار دارد. این مشاوران نا صالح دهقانان میگویند: "بخش بزرگی از کشور (یعنی زمین) روسیه متعلق به دولت است." (این کلمات از روزنامه *Revolutsionnaya Rossiya* شماره هشت صفحه ۸ گرفته شده است). اشتباه این افراد از موضوع زیر سرچشمه میگیرد. آنها شنیده اند که دولت ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ دسیاتین زمین در روسیه اروپایی در تملک خود دارد. این یک حقیقت است. ولی آنها فراموش میکنند که این ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ دسیاتین شامل تقریباً "تمام زمینهای غیر قابل کشت و جنگل های شمال در گوبرنیا های آرکانگل (Archangel) و لوگدا (Vologda)، الونست (Olonest)، ویاتکا (Vyatka) و پرم (Perm) میشود بنابراین دولت تنها زمین های غیر قابل کشت را حفظ کرده است. زمین های قابل کشت تحت تملک دولت کمتر از چهار میلیون دسیاتین میباشد. این زمینهای قابل کشت دولتی (برای نمونه در گوبرنیا ی سامارا (Samara) که زمین ها بسیار وسیع هستند) با قیمت بسیار ناچیزی، تقریباً "هیچ"، به ثروتمندان اجاره داده شده است. ثروتمندان هزاران و دهها هزار دسیاتین از این زمین ها را اجاره میکنند و سپس آنها را با نرخ های کمر شکن به دهقانان اجاره میدهند.

آنها میگویند دولت مقدار زیادی زمین در اختیار دارد مشاوران نا صالح دهقانان هستند. مساله واقعی این است که زمینداران بزرگ (شامل خود تزار) دارای مقدار زیادی زمین مرغوب هستند و دولت نیز در دست این زمینداران بزرگ است. مادامیکه دهقانان فقیر متحد نشوند و با اتحاد خود یک طبقه نیرومند به وجود نیاورند، دولت همیشه خدمتگذار حلقه به گوش این زمینداران بزرگ خواهد بود. یک موضوع دیگر را نیز نباید فراموش کرد: در گذشته تقریباً "تمام زمینداران اشرافزاده بودند. اشرافزادگان هنوز نیز مقدار زیادی زمین در اختیار خود دارند (در سالهای ۱۸۷۸-۱۸۷۷-۱۵۰۰۰ اشرافزاده ۷۳۰۰۰۰۰۰ دسیاتین زمین داشتند) ولی امروز دیگر

خود نگاه کند. آیا میر یا کمون دهکده هیچ شباهتی به اتحاد فقرا برای مبارزه علیه همه ثروتمندان و همه آنهایی که زندگیشان وابسته به کار دیگران است دارد؟ نه این چنین نیست و نمیتواند باشد. در هر دهکده، در هر کمون تعداد زیادی کارگر کشاورزی و دهقان گرسنه وجود دارد و در عین حال تعدادی دهقان ثروتمند نیز هستند که کارگران کشاورزی را به کار میگیرند و بطور دائم به کار خرید زمین مشغول اند. این دهقانان ثروتمند نیز عضو کمون هستند و همانها هستند که بخاطر داشتن قدرت در کمونها حکومت میکنند. حال این سؤال پیش میآید که اصلاً "ما به اتحادیه‌ای با عضویت و رهبری ثروتمندان احتیاج داریم؟ البته نه. ما احتیاج به اتحادیه‌ای برای مبارزه علیه ثروتمندان داریم. بنابراین اتحاد میر به هیچوجه به کار ما نمی‌آید. " ما به یک اتحادیه داوطلبانه احتیاج داریم. اتحادیه‌ای که اعضای آن تشخیص داده‌اند باید با کارگران شهری متحد شوند. کمون دهکده یک اتحادیه داوطلبانه نیست، بلکه توسط دولت تحمیل شده است. کمون دهکده از افرادی که برای ثروتمندان کار میکنند و میخواهند برای مبارزه علیه ثروتمندان متحد شوند متشکل نشده است. در کمون دهکده همه نوع افرادی عضویت دارند، نه بدین خاطر که تمایل بودن در آن را دارند، بلکه بدین خاطر که والدین آنها در روی همان زمین زندگی و برای همان زمیندار کار میکردند، بدین خاطر که مقامات دولتی اسم آنها را به عنوان عضو کمون نوشته‌اند. دهقانان فقیر نمیتوانند کمون را ترک کنند، شخصی که نامش توسط پلیس در یک ولست ثبت شده نمیتواند به اختیار خود به ولست دیگری که به او احتیاج دارد بپیوندد. نه، ما به اتحادیه کاملاً " متفاوتی نیاز داریم، یک اتحادیه داوطلبانه که تنها از کارگران و دهقانان فقیر که برای مبارزه علیه آنهایی که با نیروی کار دیگران زندگی میکنند تشکیل شده باشد. زمان قدرت و استیلای میر مدتهاست که سپری شده است و هرگز باز نخواهد گشت. میر زمانی قدرت داشت که تعداد بسیار کمی از دهقانان، کارگران

کشاورزی بودند و سراسر روسیه را در جستجوی کار در می نوریدند یا زمانی که تعداد دهقانان ثروتمند بسیار کم بود و همه دهقانان توسط زمینداران به یک نحو استثمار میشدند ولی اکنون دیگر پول نیروی اصلی شده است. اعضای یک کمون برای پول مانند حیوانات وحشی با یکدیگر می جنگند. بعضی مواقع دهقانان ثروتمند حتی بیشتر از زمینداران، دهقانان فقیر را استثمار میکنند، ما امروز به اتحاد میر احتیاج نداریم، بلکه به اتحاد علیه نیروی پول، علیه حکومت سرمایه، اتحادیه‌ای از تمام کارگران روستائی و تمام دهقانان فقیر کمون‌های مختلف، اتحادیه‌ای متشکل از تمام روستائیان فقیر و کارگران شهری برای مبارزه علیه زمینداران و دهقانان ثروتمند، نیاز داریم. قدرت زمینداران را بررسی کردیم و اکنون تعداد دهقانان ثروتمند و قدرت آنها را ارزیابی میکنیم.

قدرت زمینداران را در مقایسه با وسعت زمین و املاکشان می سنجیم. زمینداران کاملاً "آزاد هستند که زمین بخرند و بفروشند. به همین دلیل این امکان وجود دارد که قدرتشان را دقیقاً "بوسیله مقدار زمینی که تحت تملک دارند ارزیابی کرد. ولی دهقانان هنوز حق ندارند که آزادانه زمین خود را بفروشند. آنها هنوز نیمه رعیت و وابسته به کمون دهکده هستند. بدین ترتیب نمیتوان قدرت دهقانان ثروتمند را بوسیله مقدار زمینی که در اختیار دارند ارزیابی کرد. ثروت دهقانان ثروتمند در نتیجه داشتن زمین نیست. آنها مقدار قابل ملاحظه‌ای زمین را هم به صورت "دائم" (یعنی به صورت ملک خصوصی خود) و هم "برای چند سال" (یعنی به صورت اجاره) در اختیار دارند. آنها زمین‌ها را هم از زمینداران و هم از دهقانان یعنی دهقانانی که زمین خود را ترک میکنند، یا در اثر فقر و احتیاج مجبور به اجاره دادن آن هستند می‌خرند. بنابراین بهتر خواهد بود دهقانان را به نسبت تعداد اسب‌هایشان به ثروتمند، میانه‌حال و فقیر تقسیم کرد. دهقانی که تعداد زیادی اسب دارد تقریباً "برای همیشه ثروتمند خواهد ماند. داشتن حیوانات

بارکش زیاد نمایانگر این مطلب است که دهقان میتواند مقدار زیادی زمین را زیرکشت ببرد. چون علاوه بر سهم کمون خود، زمین دیگری نیز در اختیار دارد بدین ترتیب میتواند ثروت بیاندوزد. علاوه ما در موقعیتی هستیم که میتوانیم تعداد دهقانانی را که در سراسر روسیه (روسیه اروپا بجز سیبری و قفقاز) دارای چندین اسب هستند حساب کنیم. البته نباید فراموش کرد که ما از تمام روسیه میتوانیم فقط بطور تقریبی حرف بزنیم. اویزدها و گوبر نیاها با هم تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارند. برای نمونه در نزدیکی شهرهای بزرگ کشاورزان ثروتمندی هستند که تعداد بسیار کمی اسب دارند. بعضی از آنها به سبزیکاری که شغل پر درآمدی است اشتغال دارند. بعضی دیگر اسب ندارند ولی در عوض گاو دارند و شیر میفروشند. همچنین در قسمت‌های دیگر روسیه دهقانانی وجود دارند که از زمین پول در نمی‌آورند بلکه به تجارت مشغول هستند. آنها دارای کارگاههای تولید لبنیات و آسیاب هستند یا به تجارت‌های دیگر مشغول‌اند. هر کس که در روستا زندگی میکند به خوبی دهقانان ثروتمند روستا یا ناحیه خود را میشناسد. ولی ما میخواهیم بدانیم تعداد آنها در سراسر روسیه چقدر است و دارای چه قدرتی هستند و بدین ترتیب دیگر دهقان مانند گذشته مجبور به حدس زدن و کور کورانه عمل کردن نخواهد بود و دقیقاً "دوستان و دشمنان را خواهند شناخت".

خوب پس بگذارید ببینیم چه تعداد دهقان وجود دارد که ثروت و فقرشان با تعداد اسب‌هایشان مشخص میشود. ما قبلاً گفتیم که تعداد کل دهقانان در روسیه در حدود ده میلیون خانوار میباشد. این تعداد احتمالاً "پانزده میلیون راس اسب در اختیار دارند (در حدود چهارده سال پیش، این رقم هفده میلیون بود ولی اکنون کمتر شده است). بدین ترتیب بطور متوسط هر ده خانوار پانزده راس اسب دارد. ولی مساله اینجا است که بعضی از آنها - تعداد بسیار کمی - دارای چندین راس اسب هستند و دیگران - تعداد بسیار زیادی - یا اصلاً اسب ندارند یا خیلی کم دارند. حد اقل

سه میلیون دهقان وجود دارد که اصلاً "اسب ندارند و در حدود سه و نیم میلیون دیگر هر کدام تنها یک اسب دارند. تمام این دهقانان کاملاً "خانه خراب و فقیر هستند. ما اینها را روستائیان فقیر مینامیم. تعداد آنها شش و نیم میلیون از کل ده میلیون یعنی تقریباً "دو سوم کل دهقانان میباشد. در مرحله بعدی دهقانان میانه حال هستند که هر خانوار یک جفت حیوان بارکش دارد. تعداد آنها حدود دو میلیون خانوار است که چهار میلیون راس اسب در اختیار دارند، سپس دهقانان ثروتمند قرار دارند که هر خانوار بیش از یک جفت حیوان بارکش دارد. این تعداد $1/5$ میلیون خانوار را تشکیل میدهد که $2/5$ میلیون راس اسب در اختیار دارند*. بدین ترتیب در حدود یک ششم کل خانوارهای دهقانی نیمی از تعداد کل اسبها را در اختیار دارند.

ما اکنون در موقعیتی هستیم که میتوانیم نسبتاً "دقیق قدرت دهقانان

*تکرار میکنیم که ارقام ذکر شده نسبی و تقریبی است. تعداد دهقانان ثروتمند ممکن است دقیقاً " $1/5$ میلیون خانوار نباشد بلکه احتمال دارد یک میلیون و دویست و پنجاه هزار، یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار یا حتی دو میلیون خانوار باشد. چندان تفاوتی ندارد. مساله مهم در اینجا این نیست که تعداد آنها را بطور دقیق بدانیم بلکه مهم این است که به وضوح قدرت و موقعیت دهقانان ثروتمند را بشناسیم و بتوانیم دشمنان و دوستان خود را تشخیص دهیم و دیگر اجازه ندهیم که ما را با افسانه و حرف های تو خالی فریب دهند و دقیقاً "موقعیت فقرا و بخصوص موقعیت ثروتمندان را دریابیم. هر کارگر روستائی باید با دقت ولست خود و ولست های همجوار را مورد مطالعه قرار دهد. او خواهد دید که ما درست حساب کرده ایم و بطور متوسط این نتیجه گیری ما دقیق است. از هر صد خانوار، ده یا حداکثر بیست خانوار ثروتمند، بیست خانوار میانه حال و بقیه فقیر هستند.

ثروتمند را ارزیابی کنیم . تعداد آنها اندک است . در کمون ها و ولست های مختلف آنها ده تا بیست درصد کل خانوارها را تشکیل می دهند . ولی این چند خانوار از همه ثروتمندتر اند . با در نظر گرفتن کل روسیه آنها باندازه تمامی دهقانان اسب دارند . این بدین معنی است که زمین های تحت کشت آنها نیز تقریباً " نصف کل زمین هائی است که بوسیله دهقانان کشت میشود . این دسته از دهقانان بیش از مقدار مورد احتیاج خانواده شان محصول بر میدارند . آنها مقدار زیادی غله می فروشند . آنها غلات را تنها برای رفع احتیاجات خود تولید نمیکنند ، بلکه بدین منظور است که آنها در بازار بفروش برسانند و پول در بیاورند . این دسته از دهقانان میتوانند پول پس انداز کنند . آنها پولشان را در بانکها به حساب خود میگذارند و زمین میخرند . ما قبلاً " گفتیم که دهقانان سراسر روسیه سالانه چه مقدار زمین میخرند . تقریباً " تمام این زمین ها در اختیار این چند دهقان ثروتمند است . روستائیان فقیر اصلاً " در فکر این نیستند که زمین بخرند بلکه در این فکرند که چگونه غذای کافی بدست بیاورند . آنها اغلب برای خرید گندم نیز پول کافی ندارند تا چه رسد به خرید زمین . بنابراین بانکها بطور اعم و بانک روستائی بطور اخص به تمام دهقانان در خریدن زمین کمک نمیکنند . (چنانکه گاهی اوقات توسط افرادی که میخواهند موژیک ها را فریب دهند یا توسط افراد خیلی ساده لوح اظهار میشود) بلکه تنها به تعداد کمی از دهقانان یعنی به دهقانان ثروتمند کمک میکند . بنابراین مشاوران ناصالح دهقانان که قبلاً " در مورد آنان صحبت کردیم هنگامی که ادعا میکنند زمین ها توسط دهقانان خریداری شده و سرمایه تبدیل به کار میشود سعی دارند مردم را فریب بدهند . برای دهقانان فقیر تبدیل زمین به کار غیر ممکن است زیرا برای خرید زمین پول لازم است ولی فقرا هرگز نمیتوانند پول پس انداز کنند . زمین تنها توسط ثروتمندان ، دهقانان ثروتمند ، سرمایه داران و کسانی که روستائیان فقیر باید با اتحاد با کارگران شهری علیه آنان مبارزه کنند خریداری میشود .

دهقانان ثروتمند نه تنها می‌توانند زمین را بطور دائم بخرند بلکه اغلب زمین را برای مدت چند سال اجاره می‌کنند. آنها با اجاره کردن قطعات بزرگ زمین نمی‌گذارند که روستائیان فقیر صاحب زمین بشوند. برای مثال محاسبه شده است که دهقانان ثروتمند چه مقدار زمین تنها در یک اوینرد (کنستانتی نوگراد Konstantinograd) در گوبرنیای پولتاوا (Poltava) اجاره کرده‌اند. از این بررسی به چه چیزی می‌بریم؟ تعداد خانوارهایی که سی دسیاتین زمین یا بیشتر اجاره کرده‌اند بسیار کم است، احتمالاً "حدود دو خانواد در هر پانزده خانوار. ولی این دهقانان ثروتمند نیمی از کل زمین های اجاره‌ای را در اختیار دارند و هر کدام از آنها بطور متوسط هفتاد و پنج دسیاتین زمین اجاره کرده‌اند! یا گوبرینای توریدا (Tourida) را در نظر بگیرد. در آنجا مقدار زمینی که بوسیله روستائیان از طریق میریا کمون دهکده از دولت اجاره شده و توسط دهقانان ثروتمند غصب گردیده محاسبه شده است. طبق این محاسبه ثروتمندان که تنها یک پنجم جمعیت را تشکیل می‌دهند، سه چهارم زمین های اجاره‌ای را در اختیار دارند. در همه جا زمین از آن‌هایی است که صاحب پول هستند، در حالیکه تعداد این افراد بسیار ناچیز است.

بعلاوه مقدار زیادی زمین توسط خود دهقانان اجاره داده می‌شود. دهقانان بخاطر نداشتن چهارپایان، بذر و چیزی که بتوانند توسط آن مزرعه را اداره کنند مایملک خود را ترک می‌گویند حتی امروزه بدون داشتن پول زمین بی مصرف خواهد بود. برای نمونه در اوینرد نوووزنسک (Novouzensk) در گوبرنیای سامارا Samara یک یا حتی دو سوم خانوارهای دهقانی ثروتمند در کمون‌های خود یا در کمونهای دیگران سهم زمین دیگران را اجاره می‌کنند. این زمین‌ها بوسیله اشخاصی که اصلاً "اسب ندارند یا تنها یک راس اسب دارند اجاره داده می‌شود. در گوبرنیای توریدا یک سوم کل کشاورزان سهم زمین خود را اجاره می‌دهند. یک چهارم زمین‌های دهقانی یعنی ربع

میلیون دسیاتین اجاره داده شده است. از این مقدار، یکصد و پنجاه هزار دسیاتین (سه چهارم) تحت اجاره دهقانان ثروتمند است. این امر نیز نشان میدهد که اتحاد میر و کمون به نفع فقرا نیست. در کمون دهکده کسی که پول دارد قدرت نیز دارد. چیزی که ما احتیاج داریم اتحاد فقرای تمام کمون‌ها است.

درست همانند خرید زمین، دهقانان را در مورد خرید خیش، خرمن کوب ارزان و تمام انواع ابزار پیشرفته فریب میدهند فروشگاهها و آرتل‌های زمستو^{۱۳} ظاهراً "برای ارائه وسائل پیشرفته به خاطر بهبود وضع زندگی دهقانان به وجود می‌آید. ولی این فریبی بیش نیست. تمام این وسائل پیشرفته در اختیار ثروتمندان قرار میگیرد. فقرا تقریباً "هیچ چیز ندارند. آنها نمیتوانند حتی به فکر خرید خیش و خرمن کوب باشند. آنها فقط بقدر بخور و نمیر دارند. تمام این‌گونه "کمک به دهقانان" یعنی کمک به ثروتمندان اگر وسائل کار بهتر ارزانتر باشد هیچ نفعی به حال توده فقیر که نه زمین و چهار پا دارد و نه پس انداز خواهد داشت. به یک نمونه توجه کنیم. در یک اویزد در گوبرنیای سامارا تمام وسائل پیشرفته متعلق به دهقانان فقیر و ثروتمند مورد ارزیابی قرار گرفت. معلوم شد که یک پنجم تمامی خانوارها یعنی ثروتمندترین آنها تقریباً "سه چهارم تمام وسائل پیشرفته را در اختیار دارد. در حالیکه فقرا تنها صاحب یک سی/ام وسائل رفاهی بودند. از کل ۲۸۰۰۰ خانوار، ۱۰۰۰۰ خانوار فاقد اسب یا حداکثر یک راس اسب داشتند این ۱۰۰۰۰ خانوار از کل ۵۷۲۴ وسیله پیشرفته که در مالکیت تمام دهقانان اویزد است تنها هفت وسیله در اختیار داشتند. هفت از ۵۷۲۴ - این است سهم روستائیان فقیر از تمام این پیشرفتهای کشاورزی، از افزایش تعداد خیش‌ها و خرمن کوب‌ها که باید "به تمام دهقانان" کمک کند! این است چیزی که روستائیان فقیر بایستی از آنها که از "بهبود کشاورزی دهقانی" دم می‌زنند انتظار داشته باشد!

یکی از اساسی ترین خصوصیات عمده دهقانان ثروتمند اجیر کردن کارگران کشاورزی و کارگران روزمزد میباشد. دهقانان ثروتمند نیز مانند زمینداران با نیروی کار دیگران زندگی میکنند. آنها نیز مانند زمینداران به قیمت فزو خانه خرابی دهقان ثروتمند میشوند. آنها نیز مانند زمینداران سعی میکنند تا جائیکه امکان دارد از کارگران کشاورزی کار بکشند و حقوق کمتری به آنها بدهند. اگر میلیونها دهقان به کلی خانه خراب نشده بودند و مجبور نمی شدند که برای دیگران کار کنند، به صورت کارگران اجیر شده در بیایند و نیروی کارشان را بفروشند، دهقانان ثروتمند نمیتوانستند وجود داشته باشند و مزارع خود را نگاهدارند دیگر هیچ سهم زمینی برای غصب کردن و هیچ کارگری برای اجیر شدن باقی نمی ماند. یک میلیون ونیم دهقان ثروتمند در سراسر روسیه مطمئناً در حدود یک میلیون کارگر کشاورزی و کارگر روزمزد را اجیر کرده اند. کاملاً آشکار است که در مبارزه عظیم میان طبقه ثروتمند و طبقه فقیر، بین اربابان و کارگران، بین بورژوازی و پرولتاریا، دهقانان ثروتمند علیه طبقه کارگر به طرفداری مالکان برخوانند خواست.

ما اکنون از موقعیت و قدرت دهقانان ثروتمند آگاه هستیم. بگذارید شرایط زندگی دهقانان فقیر را بررسی کنیم.

قبلاً "گفتیم که روستائیان فقیر اکثریت جمعیت و تقریباً "دوسوم خانوار موجود در سراسر روسیه را تشکیل میدهد. برای مثال تعداد خانوارهایی که اسب ندارند کمتر از سه میلیون نیست و امروزه شاید حدود سهونیم میلیون باشد. هر سال قحطی و هر خرابی محصول دهها هزار مزرعه را نابود می کند. جمعیت روبه افزایش است. افراد بیشتری در مزارع زندگی میکنند ولی تمامی زمینهای مرغوب در چنگال مالکان و دهقانان ثروتمند است. بنابراین هر سال افراد بیشتری متضرر شده به شهرها و کارخانجات هجوم می آورند و به عنوان کارگر کشاورزی یا کارگر غیر ماهر شروع به کار می کنند. کشاورزی که اسب ندارد کاملاً "فقیر است. او یک پرولتر است. او زندگی خود را (اگر

بتوان آنرا زندگی نامید . بهتر و واقعی تر است که بگوئیم او سعی به زنده ماندن دارد) نه از زمین و نه از مزرعه بلکه با کار مزدوری تاءمین میکند . او برادر کارگر شهری است . حتی زمین بدون داشتن اسب برای کشاورز قابل استفاده نیست . نیمی از خانواده ها که دارای اسب نیستند سهم خود را اجاره می دهند . در حالیکه بعضی از آنها سهم خود را در ازای هیچ تسلیم کمون می کنند ، (و گاهی اوقات حتی تفاوت مالیاتها و درآمد مورد نظر از زمین را میپردازند !) زیرا آنها در موقعیتی نیستند که خود زمین را بکارند . کشاورزی که اسب ندارد می تواند یک یا حداکثر دو دسیاتین زمین را بکارد . او همیشه مجبور به خرید غله اضافی است (البته اگر پولی داشته باشد) . محصول وی هیچگاه کفاف مصرفش را نمیدهد کشاورزانی که هر کدام یک راس اسب دارند ، نیز وضع بهتری از دسته قبل ندارند . تعداد این کشاورزان در سراسر روسیه تقریباً " سه میلیون ونیم است . البته استثنائاتی نیز وجود دارد ، قبلاً " نیز گفته ایم که اینجا و آنجا کشاورزانی با یک راس اسب یافت می شوند که وضعشان بد نیست یا حتی می توان گفت ثروتمند هستند . بهر حال ما از استثنائات و مکان های خاصی صحبت نمی کنیم ، بلکه مورد بحث ما روسیه به طور کلی است . اگر توده کشاورز را که یک راس اسب دارند در نظر بگیریم شکی نمی ماند که در کشور انبوهی از فقر وجود دارد حتی در گوبرنیایهای کشاورزی ، دهقانی که یک اسب دارد فقط سه یا چهار و به ندرت پنج دسیاتین زمین زیر کشت دارد . محصول این دسته نیز برایشان کافی نیست . حتی در سالهای پر حاصل غذای بهتری از دهقانی که اسب ندارد نصیبشان نمی شود و این به آن معنی است که تغذیه کافی نمی شوند و همیشه گرسنه هستند . زمینشان رو به زوال است و رمه شان ضعیف و بی علف و در موقعیتی نیستند که از زمینشان بخوبی مراقبت کنند . به عنوان نمونه در گوبرنیای ورونژ (Voronezh) دهقانی که یک راس اسب دارد نمی تواند بیش از بیست روبل در سال (بدون احتساب خرج علوفه) صرف تمامی زمین خود بکند ! (دهقان ثروتمند ده برابر این

مبلغ خرج می کند) بیست روبل در سال برای اجاره، خرید چارپا تعمیرخیش چوبی و ابزار دیگر، پرداخت حقوق چوپان و همه چیز دیگر! آیا میتوان این را کشاورزی نامید؟ این بدبختی محض است. کار طاقت فرسا است. جان کندن بی پایان است. طبیعی است که تعدادی از کشاورزان با یک راس اسب نیز باید سهم زمین خود را واگذار کنند. برای یک فقیر زمین چه ارزشی میتواند داشته باشد؟ او به اندازه کافی پول ندارد و زمین وی حتی برای خوراکش نیز کافی نیست تا چهره سود به این که درآمدی برایش داشته باشد. ولی پول برای هر کاری لازم است: برای غذا، پوشاک، کشاورزی و پرداخت مالیات. در گوبرنیای ورونژ، دهقانی که یک راس اسب دارد معمولاً "باید مالیاتی در حدود سالی هجده روبل بپردازد. در حالیکه در سال بیش از هفتادوپنج روبل برای تمام هزینه‌هایش در نمی‌آورد. تحت چنین شرایطی صحبت از خرید زمین ابزار پیشرفته و بانک‌های کشاورزی مسخره است: این چیزها برای مردم فقیر اختراع نشده است.

کشاورز از کجا باید این پول را بدست آورد؟ وی مجبور است دنبال "درآمد" باشد. کشاورزی که یک راس اسب دارد درست مانند آنکه اصلاً "اسب ندارد از طریق این "درآمدها" زندگیش را تأمین میکند. راستی "درآمد" یعنی چه؟ یعنی کار برای دیگران. کار مزدوری یعنی کشاورزی که یک راس اسب دارد یک کشاورز نیمه مستقل است و بصورت یک مزدور درآمده، یک پرولتر. به این دلیل است که این دسته کشاورزان را نیمه پرولتر می‌نامند. آنها نیز برادران کارگران شهری هستند. زیرا آنها هم از همه طرف توسط انواع کارفرمایان چپاول شده‌اند. آنها نیز هیچ راه گریزی بجز متحد شدن با سوسیال دمکرات ها برای جنگ با همه ی ثروتمندان و همه مالکان ندارند. چه کسانی در ساختن راه آهن کار میکنند؟ چه کسانی توسط مقاطعه کاران چپاول می‌شوند؟ چه کسانی کار چوب بری و کلک سازی را انجام می‌دهند؟ چه کسانی به عنوان کارگر کشاورزی کار میکنند؟ یا به عنوان کارگر روزمزد؟ چه کسانی در شهرها و بنادر کارهای

غیر تخصصی انجام می دهند؟ همیشه روستائیان فقیر، کشاورزانی که اسب ندارند یا حداکثر صاحب یک اسب هستند، اینها همیشه پرولترهای روستائی و نیمه پرولترها هستند و تعداد آنها در روسیه چه بسیار است! طبق آمار (گذشته از قفقاز و سیبری) هر سال هشت و حتی گاهی نه میلیون گذرنامه برای خروج از روسیه صادر میشود، اینها همه کارگران مهاجراند، آنها را ظاهراً "دهقان مینامند در حالیکه در حقیقت کارگران مزدور هستند، همه آنها باید در یک اتحادیه با کزگران شهری متشکل شوند، راه هر روزنه‌ی نور و دانش که به روستا باز شود این اتحاد را مستحکم تر مینماید.

نکته قابل ذکر دیگری در باره "درآمد" وجود دارد که نباید فراموش شود. همه مقامات دولتی و همه آنها که مانند مقامات دولتی فکر میکنند، اصرار میورزند که کشاورز، موژیک، به دو چیز "نیاز دارد": زمین (اما نه به مقدار زیاد - علاوه وی نمیتواند زمین زیادی به دست آورد زیرا ثروتمندان همه آنرا چپاول کرده اند!) و "درآمد". لذا آنها میگویند برای کمک به مردم لازم است بازرگانی بیشتری برای "فراهم کردن درآمد" بیشتر به مناطق روستای راه یابد. چنین سخنانی فریب محض است، زیرا "درآمد" فقیران یعنی مزدوری "فراهم کردن درآمد" برای کشاورزان بمنزله‌ی بمزدوری گرفتن آنها میباشد، چه کمک خوبی؟! برای دهقانان ثروتمند انواع دیگر "درآمد" وجود دارد که مستلزم سرمایه است مانند ساختن یک آسیاب یا کارگاه دیگر، خرید یک ماشین بوجاری، بازرگانی و غیره، اشتباه گرفتن درآمدهای ثروتمندان با کار مزدوری مردم فقیر بمنزله فریب آنهاست. البته این فریب از امتیازات ثروتمندان است، به سود آنها است که تظاهر کنند راه همه "درآمدها" برای همه دهقانان باز است. ولی آن ها که واقعا "به رفاه مردم فقیر اهمیت می دهند همه حقایق را میگویند و چیزی جز حقیقت نمیگویند.

در اینجا فقط موضوع دهقانان میانه حال می ماند. تا بحال دیدهایم، در تمام خاک روسیه دهقان میانه حال به کسی اطلاق میشود که یک

جفت حیوان بارکش دارد. در روسیه از کل ده میلیون خانوار دهقانی فقط دو میلیون خانوار دهقان میانه حال وجود دارد، دهقان میانه حال شرایطی مابین دهقانان ثروتمند و طبقه پرولتاریا دارد و به این دلیل است که وی را دهقان میانه حال مینامند. سطح زندگی او نیز متوسط است. در یک سال پر برکت درآمدی به اندازه اداره مزرعه‌اش در می‌آورد ولی همیشه فقر در خانه‌اش را می‌کوبد. او یا پسران‌داز بسیار ناچیزی دارد یا اصلاً "پس انداز ندارد"، به این دلیل مزرعه‌ی وی در حالت نا پایداری به سر میبرد. برای او پول در آوردن بسیار مشکل است. بندرت به اندازه احتیاج از مزرعه‌اش پول بدست می‌آورد و اگر هم چنین باشد به زحمت تکافوی خرج او را میکند. خارج شدن از مزرعه برای کسب پول به معنی غفلت از مزرعه‌است و در نتیجه همه چیز وی را به نیستی میکشاند. معه‌ذا بسیاری از دهقانان میانه حال امورشان بر راحتی نمی‌گذرد: آنها نیز مجبورند خود را به استخدام دیگران درآورند. نیاز آنها را مجبور به وابستگی به ارباب میکند و به قرض می‌اندازد و اگر یک دهقان میانه حال به قرض بیفتد هرگز از زیر بار آن رهایی نخواهد داشت. زیرا به رغم دهقان ثروتمند، او درآمد ثابتی ندارد. بنا بر این وقتی زیر بار قرض برود مانند این است که گردن خود را زیر وزنه سنگین قرار داده‌است. او همچنان مقروض میماند تا کاملاً "نا بود شود". اکثر دهقانان میانه حال در قید و بند زمیندار در می‌آیند زیرا زمیندار برای کار مزدوری به دهقانی احتیاج دارد که کاملاً "خانه خراب شده باشد"، به کسی که یک جفت اسب و همه وسائل کشاورزی را داشته باشد. برای دهقان میانه حال آسان نیست که در جستجوی درآمد به جای دیگر برود، لذا در ازای غله، اجازه استفاده از مراتع، اجاره زمینهای غصب^{۱۴} شده و مساعده در زمستان زیر بار قید زمیندار می‌رود. دهقان میانه حال به سختی تحت فشار است، نه تنها توسط زمیندار و کولاک بلکه توسط همسایه ثروتمند که در موقع به دست آوردن زمین یک قدم جلوتر است و هیچوقت موقعیت را برای وارد ساختن فشار به طرق

مختلف از دست نمیدهد . زندگی دهقان میانه حال بدینگونه است ، او نه ماهی است نه صیاد ، او نه میتواند ارباب واقعی باشد نه کارگر . همه دهقانان میانه حال سعی دارند ارباب شوند . آنها می خواهند مالک شوند ولی تعداد خیلی موفقی می شوند . تعداد ناچیزی از آنها که حتی کارگران کشاورزی یا کارگران روزمزد را استخدام می کنند سعی دارند از کار دیگران ثروتی به هم بزنند و از زحمت دیگران سرمایه بیاندوزند . ولی اغلب دهقانان میانه حال برای استخدام کارگر پول ندارند در حقیقت باید خود را استخدام کنند .

هر جا بین ثروتمندان و فقرا ، بین مالکان و کارگران کشمکش در می گیرد دهقان میانه حال در میان این دو می ماند و نمی داند جانب کدام یک را بگیرد . ثروتمندان او را به سوی خود می خوانند و می گویند : تو نیز ارباب هستی ، صاحب ملک هستی ، آنها به او می گویند : تو را با کارگران بی چیز کاری نیست . در حالیکه کارگران میگویند : ثروتمندان تو را فریب میدهند و غارت میکنند و تو را راه گریزی نیست مگر اینکه ما را در مبارزه با ثروتمندان یاری دهی . این کشمکش بر سر دهقان میانه حال همه جا ادامه دارد ، در تمام کشورها ، هر جا کارگران سوسیال دمکرات برای آزادی زحمتکشان میجنگند . در روسیه مبارزه در آغاز راه است . به این دلیل است که ما باید موضوع را به دقت مطالعه کنیم و نیرنگ های ثروتمندان را برای بدست آوردن دهقانان میانه حال بشناسیم . ما باید بیاموزیم که چگونه این نیرنگ ها را بر ملا سازیم و به دهقانان میانه حال کمک کنیم تا دوستان واقعی خود را پیدا کنند . اگر کارگران سوسیال دمکرات روسیه بناگاه راه صحیح را در پیش بگیرند ما زودتر از رفقای دیگر یعنی کارگران آلمان اتحاد مستحکمی را بین کارگران روستائی و کارگران شهری بوجود خواهیم آورد و به سرعت در مقابل همه ی دشمنان زحمتکشان به پیروزی نایل خواهیم شد .

۴- دهقانهای میانه حال چه راهی را باید
برگزینند؟ آیا از مالکان و ثروتمندان
جانبداری کنند و یا با کارگران و طبقه
فقیر متحد شوند؟

تمام مالکان و عموم بورژوازی سعی دارند به انحاء مختلف (با دادن
وعده‌هایی در جهت بهبود مزارع مثل بانکهای کشاورزی ، واگذاری ماشینهای
درو ، احشام ارزان و انواع کود) و شرکت دادن رعایا در انواع شرکتهای
کشاورزی (تعاونیها) دهقانهای میانه حال را اغوا نموده و بفریبند . بدین
نحو بورژوازی سعی مینماید تا از اتحاد دهقانهای میانه حال و حتی رعایای
فقیر و نیمه پرولتاریا ، جلوگیری نموده و در مبارزه با کارگران و زحمتکشان ،
از وجود آنها در کنار خود استفاده برد .

پاسخ کارگران سوسیال دمکرات به این وضعیت چنین است :
کشاورزی پیشرفته چه بسیار عالی است ، خرید و سائل شخم ارزان قیمت بسیار
مطلوب است . امروزه حتی تجاری که کمی با هوش باشند ، میدانند برای جلب
مشتری باید کالاهای خود را ارزانتر بفروشند اما وقتی به یک دهقان فقیر و
یا میانه حال گفته میشود میتواند بدون برخورد با ثروتمندان به کشاورزی
پیشرفته و وسائل شخم ارزان قیمت دسترسی پیدا کرده و از فقر و تنگدستی
خلاص شود و روی پای خود بایستد حتما " فریبی در کار است .

تمام این اصلاحات ، کاهش قیمت ، تعاونیها (شرکتهای خرید و فروش
کالا) بیش از هرکس برای تمدن سود آور است و آنها را نیرومند تر کرده و
بیش از پیش باعث سرکوبی دهقانهای فقیر و میانه حال میشود .

مادامیکه ثروتمندان ، ثروتمند باقی بمانند و تا زمانیکه قسمت اعظم زمینها ، وسائل و افزار در مالکیت آنها بوده و بالنتیجه پول در دست آنان باشد ، نه تنها طبقه فقیر ، حتی دهقانهای میانه حال هرگز نخواهند توانست از شکل زندگی مصرفی رهایی یابند . شاید یکی دو دهقان میانه حال از طریق این انجمنها و تشکیلات به مشاغل و مرتبه ثروتمندان دست یابند ، اما مردم بطور عموم و دهقانهای میانه حال بیش از پیش در اعماق فقر ، غرق خواهند گشت . اگر بخواهیم دهقانهای میانه حال ثروتمند شوند ، باید طبقه مرفه از میان برود و نابودی آنها صرفاً " در گرو اتحاد کارگران و کشاورزان فقیر است بورژوازی به دهقانهای میانه حال و حتی (دهقانهای فقیر) چنین میگویند : ما به شما زمین ارزان و وسائل شخم ارزان خواهیم فروخت و متقابلاً شما دست از ستیزه با طبقه مرفه بکشید .

پاسخ کارگران سوسیال دمکرات چنین است : اگر واقعاً کالا به قیمت ارزان عرضه شود ، چرا از خرید آن در صورت داشتن پول ، خودداری کنیم . اقتصاد سالم یعنی همین ، لیکن هرگز نباید خود را بفروشیم .

دست کشیدن دهقانان و کارگران از نبرد مشترک با تمام سرمایه داری بمفهوم باقی ماندن همیشگی در فقر و زندگی مصرفی است . حتی اگر کالاهای ارزانتر شود ، باز ثروتمندان سود بیشتری بدست میآورند . لیکن آنها نیکه هرگز پولی برای خرج کردن نداشته اند تا زمانیکه ثروت را از چنگ سرمایه داری بیرون نکنند ، از این کالاهای ارزان طرفی نخواهند بست . برای مثال نمونه ای میآوریم :

کلیه طرفداران سرمایه داری ، با همه قدرت از وجود انواع تعاونیها (مجتمع خریداران و فروش پرسود) حمایت میکنند . حتی عده ای هستند که خود را سوسیالیست انقلابی میخوانند . اینان که در واقع سخنگوی سرمایه داری اند ساز و دهل دست میگیرند که دهقانها غیر از تعاونیها به چیز بیشتری احتیاج ندارند : در روسیه تعاونیهای مختلفی تشکیل شده ، لیکن تا

کسب آزادی سیاسی ، وجود آنها بی بهره خواهد بود آلمان را مثال میزنیم ، در این کشور کشاورزان دارای اقسام تعاونیها هستند اما دقت کنید چه کسانی از این تعاونیها بیشتر سود میبرند . در تمام آلمان ۱۴۰۰۰۰ کشاورز عضو شرکتهای تعاونی فروش شیرو فرآوردههای لبنیاتی هستند . این تعداد کشاورز (ما برای سهولت از ارقام صحیح استفاده میکنیم) دارای حدود ۱۰۰۰۰۰۰ راس گاو میباشند . محاسبات نشان میدهد که چهار میلیون کشاورز فقیر در آلمان زندگی میکنند . از این چهار میلیون ، ۴۰۰۰۰۰ نفر عضو تعاونیها هستند . در نتیجه یکصدم این دهقانهای فقیر از مزایای تعاونیها بهره‌مند میشوند . این چهل هزار دهقان در مجموع دارای ۱۰۰۰۰۰۰ راس گاو میباشند . علاوه بر آن از یک میلیون کشاورز و رعیت میانه حال ، ۵۰۰۰۰۰ عضو تعاونیها هستند (یعنی حدود پنج درصد) و ۲۰۰۰۰۰۰ راس گاو در اختیار دارند . و سرانجام کشاورزان مرفه (منظور مالکان و دهقانهای ثروتمند) با تعدادی در حدود ثلث ملیون ، دارای ۵۰۰۰۰۰ عضو تعاونی (هفده درصد) و ۸۰۰۰۰۰۰ راس گاو هستند . چه کسانی بیش از همه از این تعاونیها بهره‌مند میشوند ؟ از اینجا میتوان دریافت مردمیکه با جار و جنجال در صدد نجات دهقانان از طریق این تعاونیها (تعاونیهای خرید ارزان و فروش پر سود) هستند ، هدفی جز فریب ندارند . در واقع سرمایه‌داری در صدد است با بهای بسیار اندکی دهقانها را خریده و آنها را تحت انقیاد خود در آورد .

در کشور ما هم تعاونیهای تولید پنیر و فرآوردههای مختلف لبنیاتی در حال شکل گرفتن است . در اینجا هم مردم بسیاری از آرتل‌ها و میر و **
تعاونیها بعنوان خواستهای رعایا پشتیبانی میکنند . اما ببینید درآمد حاصل از این تعاونیها بجیب چه کسانی سرازیر میشود ، از هر صد رعیت لااقل

بیست نفر اصلاً "گاوند دارند". سی درصد یک راس گاو دارند و شیر آن را اجباراً فروخته و کودکانشان که از گرسنگی و قحطی چون حشرات تلف میشوند، از مصرف آن محروم میمانند. دهقانهای مرفه هر یک سه تا چهار راس گاو داشته و صاحب حدوداً "نیمی از کل تعداد گاوهای دهقانها هستند". بسیار خوب چه کسانی از تعاونیهای لبنیاتی سود میبرد؟ یقیناً "زمینداران و بورژوازی روستا، قطعاً" به نفع زمینداران و سرمایه داران است که دهقانان متوسط و فقیر در آغاز بیداری خود برای رهایی از بند زندگی مصرفی، در آرزوی رسیدن به مناصب طبقه مرفه بوده و نسبت به نبرد مشترک خود و کارگران با سرمایه داری، بی تفاوت باشند. آتش این آرزو بطرق مختلف از سوی قهرمانان بورژوازی که خود را حامی و دوست دهقانهای ضعیف نشان میدهند، دامن زده میشود و در این بین، بسیاری از مردم ساده لوح گرگ را در لباس میش تشخیص نداده و با این خیال واهی که سرمایه داری واقعاً "حامی کشاورزان فقیر و میانه حال است، ندانسته فریبکاری های دشمن را تبلیغ مینمایند.

برای مثال بورژوازی در کتابها و سخنرانی های خود، فریاد بر میآورد کشاورزی در مقیاس کوچک، بهترین و پربودترین نوع خود بوده و در حال شکوفائی روز افزون است. دلیلی که برای آن اقامه میکند تعداد کثیر تولید کنندگان کوچک کشاورزی در اکثر نقاط و وابستگی شدید این عده به زمینهای خود است. (نه به این دلیل که تمام زمینهای مرغوب و همچنین سرمایه ها، به بورژوازی تعلق دارد و در مقابل طبقه فقیر همه عمر در تنگدستی و بطور فشرده در زمینهای کوچک زندگی میکنند.)

این مردم چابک و چابکوس میگویند دهقانهای فقیر به پول زیادی احتیاج نداشته و از کشاورزان بزرگ مقتصدترند و میدانند چگونه زندگی ساده ای داشته باشند. بعوض خرید یونجه، به دام خود گاه میدهند و بجای خرید یک ماشین گران قیمت کشاورزی، صبح زود تر از خواب برخاسته، زحمت کشیده و باندازه یک ماشین کار میکنند. این دهقانان خانه های خود را یک روزه و با

کمی چوب و تخته بر پا میکنند و این برای آنان ، براتب ارزانتر از خانه یک مالک تمام میشود .

دهقانهای فقیر به جای تغذیه یک اسب گرانقیمت و یا گاومیش ، از گاو خود برای شخم زدن استفاده میکنند . در آلمان ، همه کشاورزان فقیر برای شخم مزارع خود از گاو آهن سود میبرند . در کشور ما ، فقر به حدی رسیده که نه تنها از گاو ، حتی از زنان و مردان نیز برای کشیدن خیش استفاده میشود ، چقدر پر سود و ارزان قیمت !

تلاش و کوشش دهقانان چه ستایش انگیز است !! زندگی ی چنین ساده داشتن و آن را بخاطر چیزهای بی ارزش حرام نکردن ، بی تفاوتی به سوسیالیسم ، تنها به مزرعه پرداختن ، بی رغبتی نسبت به کارگرانی که علیه سرمایه داری دست با اعتصاب میزنند ، علاقه وافر داشتن به طبقه غنی و تلاش برای رسیدن به مناصب آبرومندانه آنان !! اگر همه تا این حد ماهر و فعال بودند و چنین مقتصدانه زندگی میکردند ، چیزی نمی نوشیدند ، پول بیشتری جمع کرده و کمتر برای زنان خود خرج میکردند ، کودکان کمتری داشتند ، در آن صورت همه خوشبخت بوده و فقر و احتیاج وجود نداشت . اینها لالائی هائی است که سرمایه داری برای دهقانان سر میدهد و احمق هائی هستند که باین نغمه ها گوش فرا داده و آنها را تکرار میکنند (۱) . در واقع کلیه این کلمات

(۱) . در روسیه ، این ساده لوحان که خواهان بهبودی وضع دهقانان

هستند و هراز گاهی این جملات چرب و نرم را بیان میکنند " نارودنیکها ۱۵ "

یا " طرفداران " کشاورزی در مقیاس کوچک ۱۶ نامیده میشوند " سوسیالیست

های انقلابی " نیز بعلت فقدان بینش قدم در راه آنان میگذارند . در آلمان

نیز عده این چاپلوسان کم نیست . یکی از آنها بنام " ادوارد دیوید " ۱۷

اخیرا " کتاب قطوری نوشته که در آن وی استدلال میکند که مزارع کوچک به

مراتب سودآور تر از مزارع بزرگ است . چرا که دهقانان خرده پا ، پول خود

موزیانه، برای فریب و مسخره کردن دهقانان است. آنچه که این مردم چاپلوس، کشاورزی ارزان و سودآور مینامند چیزی نیست جز احتیاجات وحشتناکی که سبب میگردد دهقان از صبح تا شام به بیگاری پرداخته و از خوردن تکمای نان خشک مضایقه نماید و در خرج هر پنی از درآمد خوداکراه داشته باشد.

البته چه چیز ارزانتر از اینکه کشاورز یک شلوار را سه سال بپا داشته باشد و در تابستان پای برهنه بوده و خیش خود را با تکمای طناب ترمیم کرده و گاو خود را با علفهای پوسیده انباشته بر بام تغذیه کند. اگر یک بورژوا و یا یک دهقان ثروتمند را در چنین مزرعه "ارزان" و "پر سودی" بگذاریم، خیلی زود تمام آن چرب زبانیه را فراموش میکند.

مردمیکه از کشاورزی در مقیاس کوچک تعریف و ستایش میکنند، گاهی اوقات در صدد کمک به دهقانان هستند، لیکن در عمل به ضرر آنان اقدام مینمایند. آنها با کلمات شیرین خود، دهقانها را همانگونه‌ای فریب میدهند که بلیط‌های بخت آزمائی. توضیح این بلیط‌ها را برایتان خواهم گفت.

فرض میکنیم من صاحب یک گاو بارزش ۵۰ روبل هستم. میخواهم از طریق قرعه کشی گاو خود را بفروشم. به هر نفر بلیطی به قیمت یک روبل فروخته میشود. هر فرد از این شانس برخوردار است که با یک روبل صاحب گاو شود. مردم وسوسه شده و سیل روبل‌ها بطرف من سرازیر میگردد. وقتی که یکصد روبل جمع شد، قرعه را میکشم، کسی که قرعه بقال او خورده بایک روبل صاحب گاو میشود و بقیه بازنده میگردند!! آیا ارزش گاو برای مردم "ارزان، بود؟ نه. بر عکس خیلی هم گران. چرا که پول پرداختی آنان دو برابر قیمت واقعی گاو بود. دو نفر متصدی قرعه کشی و شخص برنده، بدون

را بیهوده خرج نمیکنند. به جای اسب، از گاو هم برای شخم زدن و نیز شیر آن استفاده میکنند.

انجام کاری و با ضایع نمودن پول ۹۹ درصد افراد ، در این میان استفاده میکنند . نتیجه میگیریم آنجائیکه معتقدند قرعه کشی برفع مردم است علناً " در صدد اغفال مردم هستند . آنهائیکه مدعی اند میتوانند از طریق تعاونی های مختلف (مجتمع خرید ارزان و فروش پر سود) ، کشاورزی پیشرفته و سیستم های بانکی ، دهقانان را از چنگال فقر و احتیاج نجات دهند ، عیناً " بهمان طریق قبلی دست به فریب میزنند . درست مثل قرعه کشی که یک نفر برنده و بقیه بازنده میشوند . نه دهم دهقانان همه عمر اسیر بوده و هیچگاه از بند احتیاج خلاصی نیافته و حتی بیش از پیش در فقر غوطه ور میشوند . اجازه دهید هر روستائی محیط و همه منطقه اطراف خود را کمی دقیق تر بررسی کند . آیا تعداد دهقانانی که ثروتمند شده و محتاج نباشند ، زیاد است ؟ تعداد آنهائیکه هرگز از بند احتیاج خلاص نمیشوند چقدر است ؟ چه تعدادی بی خانمان شده و روستاهای خود را ترک گفتند ؟ همانطوریکه دیده ایم ، طبق محاسبات در تمام روسیه تعداد روستائیان میانه حال دو میلیون است . فرض بگیریم تعداد تعاونیها ده برابر تعداد موجود بود . نتیجه چه میشد ؟ اگر تعداد یکصد هزار دهقان میانه حال میتوانند خود را به حدود دهقانان ثروتمند برسانند ، رقم قابل ملاحظه ای بدست میآید . این به چه معناست ؟ منظور اینست که از هر صد دهقان نیمه مرفه ، پنج نفر برفاه رسیده اند ؟ اما نود و پنج درصد بقیه چه میشوند ؟ آنها در همان شرایط قبلی حتی در وضعی سخت تر بسر خواهند برد و دهقانان فقیر نیز بیشتر از هر زمان دچار تنگی خواهند گشت .

البته سرمایه داری خواهان اینست که دهقانان هرچه بیشتر در آرزوی ثروتمند شدن باشند و " تصور کنند " بدون نبرد با سرمایه داری میتوانند از بند فقر بگریزند ، و بجای اتحاد با کارگران شهری آرزوهای خود را در تلاش و زندگی مقتصدانه متبلور سازند . سرمایه داری با همه نیرو در تلاش پروراندن این اعتقاد انحرافی در دهقانان بوده و با جملات عوامفریبانه روستائیان

را تحقیق نمایند.

برای برملاء کردن فریبکاری این چارلوسان کافیت سه سؤال از آنها بعمل آید .

سؤال اول — آیا در روسیه زحمتکشان میتوانند از فقر و نیاز رها شوند در حالیکه از دویست و چهل میلیون دسیاتین زمین های قابل کشت ، یکصد میلیون آن متعلق به مالکان و زمینداران خصوصی است و این در حالی است که ۱۶ هزار زمیندار عمده ، شصت و پنج میلیون دسیاتین زمین را در اختیار دارند ؟

سؤال دوم — آیا زحمتکشان میتوانند از فقر و احتیاج رهایی یابند در حالیکه یکونیم میلیون دهقان مرفه (از ده میلیون) (نیمی از زمین های تحت کشت را در اختیار داشته و صاحب نیمی از کل تعداد اسبها و چارپایان و نیمی از مجموع کل ذخائر و کالاها هستند ؟ و این در حالی است که دهقان بورژوا هر روز غنی تر شده و بدهقان فقیر و میانه حال بیشتر فشار میآورد . از نیروی کار کارگران مزارع و کارگران روز مزد صاحب ثروت میشود و در مقابل ، ششونیم میلیون خانوار که همگی از دهقانان فقیر و دائما " نیازمند و گرسنه هستند و برای دریافت تکه های نان بانواع مشاغل پر مشقت متوسل میشوند !

سؤال سوم — وقتیکه پول بصورت قدرت حاکم درآمده و حتی مردان و زنان را میتوان بصورت کارگران روز مزد ، بردگان روز مزد ، خریداری کرد ، وقتیکه نمیتوان بدون پول زندگی کرده و یا مزرعه ای را اداره کرد ، وقتیکه کشاورزان خرده پا ، دهقانان فقیر ، برای دریافت پول ، نبرد خود را علیه مالکان بزرگ ، بمخاطره میافکنند ، وقتیکه چند هزار زمیندار ، تاجر ، کارخانه دار و بانکدار ، صدها میلیون روبل را در دست خود متمرکز کرده اند و کنترل خود را بر کلیه بانکها افزایش داده اند ، در چنین صورتی آیا میتوان زحمتکشان را از بند فقر و احتیاج رهانید ؟

هیچیک از جملات عوامفریبانه ای که در باره کشاورزی در مقیاس کوچک

و یا شرکتهای تعاونی گفته میشود ، نمیتواند انسان را از پاسخگوئی به این سئوالات مبری نماید . پاسخ این سئوالات فقط بدینگونه است :

تنها " تعاونی " واقعی که میتواند زحمتکشان را نجات بخشد ، عبارت است از اتحاد روستائیان فقیر با کارگران سوسیال دمکرات شهری در نبرد مشترک علیه بورژوازی . این اتحاد هرچه زودتر شکل گرفتند و نیرومندتر شود دهقانان میانه حال نیز زودتر به پوچی وعدههای سرمایه‌داری پی برده و سریع تر به سمت حزب کارگران سوسیال دمکرات جذب میگردند . سرمایه‌داری این را نیک میداند ، بهمین دلیل ، غیر از حرفهای عوام‌فریبانه ، به انواع شایعه سازی علیه سوسیال دمکرات‌ها میپردازد . آنها میگویند سوسیال دمکرات‌ها در صدد محروم کردن دهقانان خرده پا و میانه حال از ثروت خود هستند . این یک فریب است . چرا که سوسیال دمکرات‌ها فقط در صدد ضبط ثروت مالکین بزرگی هستند که از کار دیگران زندگی میکنند . سوسیال دمکرات‌ها در پی ضبط دارائی کشاورزان فقیر و میانه حال که دیگران را اجیر نمیکنند نیستند سوسیال دمکرات‌ها از منافع تمام زحمتکشان دفاع و حمایت میکنند و نه تنها از کارگران شهری که آگاه به موضع طبقاتی خود بوده و بیش از دیگران متحد هستند ، بلکه از کارگران کشاورزی و صنعتگران کوچک و دهقانانی که دیگران را اجیر نکرده و اشتیاقی به طبقه ثروتمند نداشته و بسوی سرمایه داری کشیده نمیشوند ، پشتیبانی میکنند .

سوسیال دمکرات‌ها خواهان اصلاحات سریع و همه‌جانبه در زندگی کارگران و کشاورزان بوده و تا زمانی که اراده بورژوازی از میان نرفته باشد ، برای حصول این اصلاحات مبارزه کرده و به زحمتکشان در نبرد خودیاری خواهند داد . یک سوسیال دمکرات دهقان را فریب نمیدهد ، واقعیت را به او نشان داده و خیلی ساده باو میگوید مادامیکه بورژوازی هر مسند قدرت است هیچگونه اصلاحی در جهت رهایی از فقر و احتیاج صورت نخواهد گرفت . سوسیال دمکرات‌ها برای آگاهی عموم از خواستها و ماهیت خود برنامه‌ای را

ارائه کرده اند این برنامه ، بیان مختصر واضح و دقیق تمام چیزهائی است که یک حزب برای آن مبارزه و تلاش میکند .

حزب سوسیال دمکرات تنها حزبی است که برای روشن شدن اذهان و ارزیابی مردم . برنامه روشن و دقیقی از خود (۱) ارائه داده و از اعضای تشکیل میشود که خواهان آزادی زحمتکشان از یوغ بورژوازی هستند . این حزب دقیقا " به ضرورت اتحاد و چگونگی نبرد واقف است . علاوه بر آن معتقد است باید در برنامه‌ی خود صریح ، صادقانه و دقیق ، علل فقر و احتیاج را در بین زحمتکشان بیان کرده و انگیزه‌ی اتحاد گسترده و روز افزون کارگران را روشن کند . وقتی که میگوئیم زندگی سخت است و باید قیام نمود ، کافی نیست ، این از عهدی هر فرد عادی برمیآید . توده‌ی زحمتکش باید دقیقا " بداند چرا در چنین فقری بسر میبرد ، با چه کسانی باید متحد شود تا برای رهائی از بند نیاز مبارزه کنند . ما قبلا " گفتیم که سوسیال دموکرات چه میخواهد . علل نیازمندی و فقر زحمتکشان را شرح داده و بکشاوری فقیر نشان دادیم با چه کسانی متحد شده و با چه کسانی مبارزه نماید . اینک شرح خواهیم داد با قرار گرفتن در کنار زحمتکشان ، به چه اصلاحات سریعی میرسیم . اصلاح " در زندگی کارگران و دهقانان .

(۱) رجوع شود به برنامه " سوسیال دمکرات روسیه ، پیشنهاد شده توسط روزنامه ایسگرا در رابطه با مجله زاریا حزب کارگر . (به بخش آخر کتاب رجوع شود) .

۵- اصلاحاتی که سوسیال دمکراتها برای همه مردم و طبقه کارگر خواهند نمود کدامست؟

سوسیال دمکراتها برای رهایی مردم زحمتکش از چپاول، تجاوز و بی عدالتی مبارزه میکنند. لازمی آزادی طبقه کارگر، اتحاد این طبقه است و اتحاد نیز صرفاً "در امکان داشتن برای شکل و نیز آزادی سیاسی خلاصه میشود ما در پیش گفتیم که حکومت خودکامه یعنی در بند کشیدن مردم توسط پلیس و مقامات دولتی. پس کسب آزادی سیاسی با وجود یک حکومت خودکامه که توده را به بردگی مقامات میکشاند، امکان پذیر نیست. در نتیجه قبل از هر چیز، همه مردم، مگر عده معدودی درباری، سرمایه دار و متنفذ، نیازمند آزادی سیاسی هستند و توده های کارگر و دهقان باید قبل از هر طبقه ای بهرمند شوند چرا که طبقه غنی با خریدن مقامات دولتی و پلیس از استبداد و ظلم، بنفع خود کسب امتیاز و آزادی میکند. ثروتمندان میتوانند شکایات خود را بسمع بلند پایه ترین مقامات برسانند، بدین جهت، دارای آزادیهای بیشتری نیز هستند. دهقانان و کارگران پولی برای اجیر کردن پلیس و مقامات دولتی، ندارند، نمیتوانند بمرجعی شکایت برده و یا شکایت نامه های خود را در دادگاهها تعقیب نمایند. تا زمانی که یک دولت انتخابی و یک مجمع ملی از نمایندگان ملت وجود نداشته باشد، کارگران نمیتوانند از قید فریب استبداد و توهین پلیس و مقامات دولتی در امان باشند. تنها یک چنین مجمعی میتواند ملت را از بردگی مقامات دولتی برهاند. هر دهقان روشنفکری باید از سوسیال دمکراتها که بهترین درخواستها را برای نخستین بار از دولت

تزاری برای تشکیل یک مجمع ملی نمایندگان نمودند ، پشتیبانی کنند .
 نمایندگان مجمع ملی باید توسط همه مردم ، بدون در نظر گرفتن
 موقعیت اجتماعی ، میزان ثروت و یا درجه فقر ، انتخاب گردند . انتخابات
 باید بصورت آزاد و بدون دخالت مقامات تحت نظارت معتمدین مردم و نه
 مقربین دولت و پلیس و ناظرین روستائی انجام گیرد . تحت چنین شرایطی
 است که نمایندگان ملت میتوانند تمام نیازهای مردم را مورد بحث قرار داده
 و شرایط بهتری را برای مملکت ارائه دهند .

سوسیال دمکراتها خواهان آنند که پلیس از حق زندانی نمودن بدون
 محاکمه افراد ، محروم شود . مقامات دولتی بخاطر دستگیری عمدی افراد ،
 بسختی تنبیه گردند ، برای پایان دادن به قدرت مطلقه آنان ، پلیس باید
 منتخب مردم بوده و هر فردی حق شکایت علیه هر مقامی را داشته باشد .
 وقتیکه ناظرین روستائی همیشه از ماموران پلیس و مقامات دولتی از
 ناظران روستائی حمایت میکنند ، شکایت بردن از پلیس به یک ناظر روستائی
 یا بالعکس چه سودی دارد . در این موارد غالبا " فرد شاکی ، به درد سر
 افتاده و در صورتیکه شانس بیاورد به زندان افتاده و یا به سیبری تبعید
 میگردد .

مقامات دولتی فقط در صورتی مورد بازداشت قرار میگیرند (مثل هرکشور
 دیگر) که کلیه افراد از حق شکایت به مجمع ملی و دادگاههای انتخابی
 برخوردار بوده و بتوانند آزادانه از نیازهای خود سخن گفته و آنها را در
 روزنامهها درج نمایند .

مردم روسیه هنوز تحت وابستگیهای فئودالی مقامات هستند بدون
 اجازه از آنها ، نمیتوانند اجتماعی تشکیل داده و یا کتاب و مجله طبع نمایند .
 آیا این وابستگی و انقیاد نیست ؟ اگر تشکیل اجتماع یا چاپ کتاب آزاد نباشد
 چه کسی میتواند ستم مقامات و یا ثروتمندان را منعکس نماید ؟ شکی نیست
 که مقامات ، هر نشریه و هر ندای حقیقت گوئی را که از فقر مردم سخن گوید ،

خفه میسازند. جزوه حاضر نیز، مخفیانه توسط سوسیال دمکراتها چاپ و توزیع گردیده و داشتن آن باعث محاکمه و به زندان افتادن میشود. اما کارگران سوسیال دمکرات از این هراس ندارند. آنها هر روز نشریات بیشتری را چاپ کرده و کتابهای روشنگر بیشتری را در اختیار خواننده قرار میدهند. زندان و تعقیب، هیچیک مبارزه خلق را در کسب آزادی متوقف نمیسازد. سوسیال دمکراتها خواهان نابودی برتری های اجتماعی بوده و هستند، و خواهان حق مساوی برای همه مردم می باشند. امروزه برتری های اجتماعی به پرداخت یا معافیت از مالیات و داشتن بعضی امتیازات یا محرومیت از آن محدود میشود. در این جامعه عده ای خونهاشان رنگین تر از بقیه است. هنوز مجازات مردم عادی با ترکیه پابرجاست، در هیچ کجای دنیا کارگران و دهقانان در چنین شرایط پستی زندگی نمیکنند. تنها در روسیه است که برای افراد دارای موقعیت های مختلف، قوانین گوناگونی وجود دارد. اینک آنزمان فرا رسیده که مردم روسیه خواهان حقوق یکسان برای یک موژیکویک اشراف زاده باشند. آیا این وقاحت نیست که هنوز مجازات با ترکیه مرسوم بوده و چهل سال بعد از الغای نظام برده داری، مالیات بر مبنای موقعیت اجتماعی وجود داشته باشد؟

سوسیال دمکراتها خواهان آنند که مردم آزادی مطلق برای انتخاب شغل و محل سکونت داشته باشند. آزادی محل سکونت یعنی چه؟ یعنی اینکه روستائی بتواند به هر جایی که میخواهد برود. در هر نقطه دلخواهی سکنی گزیند. بدون کسب اجازه از احدی، در هر دهکده یا شهری که تمایل داشت زندگی کند. این بدین معناست که جواز عبور در روسیه هم لغو شود (در کشورهای دیگر سالها پیش لغو شده). پلیس محلی و ناظران روستائی جرئت نکنند از استقرار یا کار روستائی در محل دلخواه خود جلوگیری نمایند. دهقان روسی هنوز آنچنان برده مقامات است که نمیتواند آزادانه به شهری نقل مکان کرده و یا در منطقه جدیدی ساکن شود. وزیر وقت دستوری صادر می-

کند مبنی بر اینکه فرمانداران مانع اقامت های غیر مجاز شوند . فرماندار خیلی بهتر از روستائی میداند که چه محلی برای زارع مناسب است ! دهقان بچه کوچکی است که نباید بدون اجازه مقامات حرکتی کند . آیا این توهین آمیز نیست که به یک اشراف زاده اجازه داده شود که برکشاورزان فهیم حکومت کند ؟

کتابی هست تحت عنوان شکست کشاورزی و قطعی در بین مردم ، نوشته " یرمولف " وزیر کشاورزی وقت ، که در بسیاری از قسمتهای آن چنین نوشته شده : دهقانان نباید تا زمانیکه خدایان آنها " زمینداران " به نیروی دستهایشان احتیاج دارند ، محل زندگی خویش را تغییر دهند . این وزیر بدون کمترین خجالتی این جمله را اظهار داشته و فکر میکند دهقان گفته او را نشنیده و درک نخواهد کرد ، چرا وقتیکه اربابان به نیروی کار ارزان محتاج اند ، کشاورزان تغییر مکان بدهند ؟ هرچه تعداد کشاورزان فعال بر روی یک زمین بیشتر باشد ، مالک سود بیشتری خواهد برد . رعایا هرچه فقیرتر باشند ، راحت تر اجیر شده و تحت انواع ستم قرار میگیرند . سابقا " مباشران حافظ منافع زمینداران بودند و اینک ناظران روستائی و فرمانداران باینکار مشغولند . سابقا " مباشران در مزارع و اصطبل ها به روستائیان فرمان میدادند ، اینک ناظرین روستائی از دفاتر کار خود باین امر مشغولند .

سوسیال دموکراتها خواهان آنند که ارتش ثابت منحل و بجای آن با مسلح شدن همه مردم یک ارتش متشکل از مبارزین تشکیل شود . ارتش ثابت یعنی سیستمی که از مردم فاصله گرفته و صرفا " برای بخاک و خون کشیدن مردم آموزش دیده ، اگر نظامیان را سالها در پادگانها زندانی نمیکردند و باشکال غیر انسانی تعلیم نمیدادند ، آیا آنها هرگز حاضر میشدند برادران خود یعنی دهقانان و کارگران را در خون بغلطانند ؟ آیا آنها هرگز علیه دهاقین گرسنه قد علم میکردند ؟ ارتش دائمی برای حمایت کشور از تجاوز خارجی نیست برای چنین کاری ، ارتش ملی تکافو میکند . اگر همه مسلح باشند

در آنصورت روسیه از هیچ دشمنی نخواهد هراسید و همه از یوغ گروهها و دستجات نظامی خلاص خواهند گشت. هزینه نگهداری چنین ارتشی، در سال سربه میلیونها روبل میزند. و چنین هزینهای تماماً و تنها توسط مردم پرداخت میگردد.

علت سنگین تر شدن مالیات و سخت شدن زندگی نیز همین است. این ارتش فقط باعث بسط نفوذ مقامات دولتی و پلیس در زندگی مردم میشود. این چنین نیروئی برای غارت ملتهای دیگر مورد نیاز است لیکن بر عکس می بینیم که بار مالیات مردم، به علت وجود اینها، هر روز فزونتر میگردد. جایگزینی یک ارتش ملی به جای ارتش ثابت، بطور قابل ملاحظه‌ای بار سختی را از دوش کارگران و دهقانان بر میدارد.

به همین نحو، لغو مالیاتهای غیر مستقیم که سوسیال دمکراتها خواهان آیند باعث راحتی بسیاری خواهد گشت زیرا مالیاتهای غیر مستقیم، هزینهای نیست که افراد بخاطر زمین یا منزل خود پرداخت کنند، بلکه بطور غیر مستقیم و بصورت قیمتهای گرانی که برای خرید اجناس میپردازند اخذ می گردد. دولت بر روی شکر، ودکا، نفت، کبریت و انواع کالاهای مصرفی مالیات وضع میکند این مالیات توسط بازرگانان و تولید کنندگان و البته نه از جیب شخصی، بلکه با پول پرداختی از سوی مصرف کنندگان به خزانه دولت پرداخت میگردد. قیمت ودکا، شکر، نفت و کبریت پیوسته افزایش مییابد و خریدار یک بطری ودکا یا یک پاند شکر، مجبور است علاوه بر پرداخت قیمت کالا مالیات آن را نیز بپردازد. مثلاً "اگر برای خرید یک پاند شکر چهارده کوپک بپردازید، حدوداً "چهار کوپک آن، مالیات خواهد بود.

تولید کننده شکر، این مالیات را بخزانه دولت پرداخت نموده و اینک از تک تک خریداران این مبلغ را مطالبه میکند. بدین ترتیب مالیاتهای غیر مستقیم بر روی کالاهای مصرفی کشیده میشود و مصرف کنندگان با خرید گران کالاها این مالیاتها را پرداخت مینمایند. بعضی اوقات گفته میشود که

سیستم مالیات بندی غیر مستقیم ، عادلانه ترین شکل آن است ، چرا که شما برحسب خرید خود مالیات می دهید. اما این واقعیت ندارد . مالیات های غیر مستقیم غیر عادلانه ترین نوع مالیات بندی است . زیرا طبقه فقیر بسیار سخت تر از طبقه غنی ، از عهده ی پرداخت آن بر می آید . درآمد یک فرد ثروتمند ده و حتی صد برابر بیشتر از یک کارگر و یا دهقان است . ولی آیا مصرف شکر یک فرد ثروتمند ۱۰۰ برابر است ؟ آیا مصرف ودکا یا کبریت شخص ثروتمند ۱۰ برابر است ؟ البته که نه . یک خانواده ثروتمند ۲ برابر خرید میکند و حد اکثر مصرف شکر و نفت و ودکا ی او سه برابر است . این بدان مفهوم است که فرد ثروتمند مقدار بسیار کمتری از درآمد خود را نسبت به یک فرد فقیر ، صرف میکند . فرض کنیم درآمد یک روستائی فقیر دویست روبل در سال باشد و وی حدود ۶۰ روبل از درآمد خود را صرف خرید کالا هائی کند که مالیات بر آن بسته شده و طبعاً " قیمت آن دائماً " گران تر شده (مالیات بر شکر ، کبریت ، نفت ، مالیات بر تولید است . بدین معنا که تولید کننده مالیات کالا را قبل از عرضه آن به بازار پرداخت مینماید . در مورد ودکا که در انحصار دولت است و کالاهائی چون پنبه ، آهن و دیگر کالاهائی که اجازه ورود آن بخاک روسیه جز با پرداخت مالیات سنگین میسر نیست ، قیمت ها براحتی افزایش می یابد) از شصت روبلی که دهقان خرج میکند ، ۲۰ روبل آن مالیات است . لذا یک دهقان فقیر در ازاء هریک روبل از درآمد خود ، ۱۰ کوپک مالیات غیر مستقیم میدهد (باستثنای مالیات های مستقیم ، مالیات (استرداد زمین ، فسخ اجاره ، مالیات زمین ، زمستوا ، ولست ، مالیات میر) ، دهقان ثروتمند درآمدی حدود یک هزار روبل دارند . وی حدود ۱۵۰ روبل کالا خریداری میکند و پنجاه روبل مالیات می پردازد (با احتساب ۱۵۰ روبل) . در مقابل هر روبل از درآمد خود پنج کوپک مالیات غیر مستقیم میدهد لذا هرچه میزان درآمد بیشتر باشد ، مالیات غیر مستقیم پرداختی کمتر میشود . بدین دلیل است که مالیات غیر مستقیم غیر عادلانه ترین نوع

مالیات است ، در واقع مالیاتهای غیر مستقیم تنها از طبقه فقیر گرفته میشود . دهقانان و کارگران نه دهم جمعیت را تشکیل داده و نه دهم یا هشت دهم از مالیاتهای غیر مستقیم را پرداخت مینمایند ، حال آنکه با احتساب کلیه احتمالات درآمد دهقانان و کارگران از حدود چهار دهم کل درآمد ملی تجاوز نمیکند ، به این دلیل است که سوسیال دمکراتها خواهان لغو مالیاتهای غیر مستقیم بوده و ارائهی یک سیستم مالیات بندی تصاعدی را بر روی درآمد وارث خواهانند . این سیستم عبارت خواهد بود از : درآمد بیشتر ، مالیات بیشتر . آنهائیکه سالی هزار روبل درآمد دارند باید یک کوپک در هر روبل مالیات دهند . اگر درآمد ۲ هزار روبل بود باید دو کوپک در هر روبل پرداخت کنند . کمترین درآمدها (فرض درآمدهای زیر چهار صد روبل) نباید اصلاً " مالیاتی بپردازند . ثروتمندترین اشخاص باید بیشترین مالیات را بپردازند . چنین مالیاتی ، مالیات بر درآمد یا دقیق تر بگوئیم ، یک نظام مالیات بندی تصاعدی میتواند بمراتب عادلانه تر از روش مالیات غیر مستقیم باشد . باین دلیل است که سوسیال دمکرات ها جدا " در صدد لغو مالیات بندی غیر مستقیم و ارائهی یک نظام مالیات بر درآمد تصاعدی هستند . البته تمام مالکان و سرمایه داران با این روش مخالفت ورزیده و در مقابل آن ایستادگی میکنند . تنها از طریق اتحاد مستحکم بین روستائیان فقیر و کارگران شهری است که میتوان در این رقابت علیه بورژوازی به پیروزی رسید . یکی دیگر از خواسته های سوسیال دمکراتها تحصیل رایگان برای کودکان است که میتواند برای همه مردم خاصه روستائیان فقیر منشاء اثر باشد . امروزه تعداد مدارس موجود در روستاها بسیار کمتر از شهرها بوده و کلاسهای موجود تنها از آن ثروتمندان و سرمایه دارانی است که میتوانند کودکان خود را از تحصیلات عالی بهرمنند سازند . تنها تحصیلات رایگان و اجباری برای همه کودکان است که میتواند تا حدی توده را از جهالت فعلی خود نجات بخشد . این جهالت بیشتر دامنگیر روستائیان فقیر که بطور مبرم

نیازمند تحصیلات رایگان هستند، میباشد. البته منظور ما از تحصیلات رایگان و آزاد است، نه آن تحصیلاتی که مقامات و روحانیون مایلند بما بدهند. سوسیال دمکراتها خواهان آنند که هر فردی بطور کامل و نا محدود، در انتخاب مذهب خود آزاد باشد. در میان کشورهای اروپائی، تنها ترکیه و روسیه هنوز قوانین شرم آوری را علیه معتقدین غیر ارتدودکس مثل مسلمانان، یهودیان و پیروان مذاهب مختلف اعمال میکنند. این قوانین شرم آور، یا بطور کلی یک مذهب خاص را منع کرده و یا از تبلیغ آن جلوگیری نموده و یا پیروان آن را از بعضی حقوق باز میدارند. کلیه این قوانین غیر عادلانه، بیشمارانه و مستبدانه بوده است. همه افراد نه تنها باید انتخاب مذهب خود، بلکه در گسترش یا تغییر آن، اختیار کامل داشته باشند. این مسئله ای است که با گاهی فرد مربوط میشود و هیچ مقامی را حق مداخله نیست. هیچگونه مذهب یا عبادتگاه رسمی نباید وجود داشته باشد. روحانیون هر مذهب باید از پیروان خود مستمری دریافت نمایند. اما دولت نباید از بودجه خود برای حمایت مذهب خاصی استفاده کند و نباید تعهدی در تامين روحانیون ارتدودکس یا هر مذهب دیگری داشته باشد. این چیزی است که سوسیال دمکراتها برای آن مبارزه میکنند و نا زمانیکه این اقدامات بدون انحصار و اختناق مذهبی انجام نشود، مردم از تعقیب و تفتیش پلیس و مخالفان آن مذهب در امان نخواهند بود. ما دیدیم که سوسیال دمکراتها در آستانهی کسب چه امتیازاتی برای مردم خاصه توده فقیر هستند. اینک به بینیم آنها خواهان چه اصلاحاتی برای کارگران داخل شهر، کارخانجات و کارگران و کشاورزان میباشد. کارگران کارخانهها در شرایط محدودتری از دیگران بسر میبرند. آنها در کارگاههای بزرگ بکار مشغولند و نتیجتاً سوسیال دمکراتهای تحصیل کرده بهتر میتوانند به یاری آنها بروند. بهمین دلیل کارگران شهری مبارزه با کارفرمایان را خیلی زودتر از دیگران آغاز کرده و به موفقیت‌های قابل ملاحظه بیشتری نیز دست یافته‌اند.

سوسیال دمکراتها در صدد گسترش این موفقیتها در بین تمام کارگران از جمله کارگران صنعتکار شهر و روستا، که در خانه‌ی خود برای کارفرما بکار مشغولند، کارگران روز مزد که توسط استادکاران و صنعتگران بکار گرفته میشوند، کارگران ساختمان (نجارها، بناها و غیره) کارگران چوب بری کارگران غیر ماهر و کارگران کشاورز می‌باشند.

در سرتاسر روسیه، این کارگران با الگو قرار دادن کارگران کارخانه‌ها و یاری آنان، در حال تشکل هستند تا بتوانند برای شرایط بهتر زندگی، ساعات کار کمتر و دستمزد بیشتر مبارزه کنند. حزب سوسیال دمکرات وظیفه خود میداند که همه کارگران را در نبرد برای زندگی بهتر هدایت کرده و از بهترین و مصمم‌ترین کارگران برای سازماندهی و تشکل در اتحادیه‌های نیرومند یاری و حمایت نماید. پخش جزوه‌ها و اعلامیه‌ها، گسیل کارگران با تجربه برای کار با افراد جدید نهضت و کلاً "کمک به کارگران در همه زمینه‌ها، جزء برنامه‌ی حزب سوسیال دمکرات است. در صورت حصول آزادی سیاسی، نمایندگان واقعی، در مجمع ملی شرکت خواهند کرد. سوسیال دمکراتها مانند هم‌زمان خود در دیگر کشورها، خواهان وضع قوانینی در جهت منافع کارگران هستند.

ما نمی‌خواهیم در اینجا تمام اصلاحاتی را که حزب سوسیال دمکرات برای بهبودی وضع کارگران خواستار است یک یک بر شمريم. آنها کلیه‌ی این خواسته‌ها را بطور مشروح در جزوه خود بنام مسئله کارگران در روسیه شرح داده‌اند. در اینجا، به ذکر اهم این اصلاحات اکتفا میکنیم: هشت ساعت کار روزانه، هفته‌ای یکروز تعطیل، لغو مطلق اضافه کاری و شب کاری، ممنوعیت کار برای کودکان زیر ۱۶ سال، تحصیل اجباری برای این کودکان و ممنوعیت فعالیت زنان در رشته‌هایی که به سلامتی آنها لطمه میزند.

کارفرما موظف است هرگونه صدمه وارده به کارگر را در حین کار جبران کند. مثلاً "صدمه وارده از ماشینهای خرمن کوب، ماشینهای بوجاری و غیره.

حقوق کارگران روز مزد ، به جای پرداخت دو یا سه ماه یکبار ، بطور هفتگی پرداخت شود کارگر شدیدا "علاقمند است که حقوق خود را هفتگی (نه به صورت کالا ، بلکه نقداً) دریافت نماید . کارفرمایان مصرند که کارگران انواع کالاهای بی ارزش را با قیمتهای گزاف و درازاء دستمزد خود ، دریافت دارند . برای پایان دادن به این روش ننگین ، باید بطور قانونی پرداخت دستمزد ها بصورت کالا ، منع گردد

علاوه بر آن ، کارگران مسن باید از دولت مستمری دریافت کنند . نیروی کار آنها ضامن حفظ طبقه ثروتمند و دولت است و آنها نیز همچون مقامات دولتی ، مستحق دریافت مقرری هستند . باید بازرسانی برای نظارت در کارخانه ها و حتی مزارع بزرگ زمینداران - بطور کلی هر واحد اقتصادی که کارگران بکار گماشته شده اند - انتخاب گردند تا از سوء استفاده کارفرمایان از موقعیت خود و بی توجهی بمقررات موجود برای حمایت از کارگر ، جلوگیری نمایند . این بازرسان نباید از مقامات دولتی ، وزراء و یا فرماندهان بوده و یا در خدمت پلیس باشند . آنها باید توسط کارگران انتخاب شوند . دولت موظف است به این افراد معتمد و منتخب کارگران مقرری پرداخت نماید . این بازرسان باید تحقیق نمایند که شرایط مسکونی کارگران مناسب باشد . بدین معنا که کارفرمایان جرئت نکنند کارگران را اخراج کنند تا آنها اجباراً " درخوكدانی ها و زاغمهای متعفن (غالباً " در مورد کارگران کشاورزی این موضوع مصداق دارد) سکنی گزینند .

بهر حال ، نباید فراموش کرد تا زمانیکه آزادی سیاسی حاصل نشده باشد و پلیس همچنان مقتدر بوده و نسبت بمردم خود احساس مسئولیت نکند ، نمایندگان انتخابی کارگران کاری از پیش نخواهند برد .

همه میدانند که در شرایط حاضر ، هر نماینده کارگری و یا هر کارگری که از خواستهی هم طبقه خود سخن براند ، خواهان لغو قوانین و یا تشکل کارگران شود ، بدون محاکمه به زندان کشیده میشود ، لیکن در صورت آزادی

سیاسی وجود این نمایندگان میتواند بسیار نافع باشد.

کلیه کارفرمایان، (کارخانه‌داران، زمینداران، پیمانکاران، دهاقین ثروتمند) باید بطور مطلق از کسر دلخواه دستمزد کارگران منع شوند. مثلاً " کسر حقوق بعلت بیماری، ضایعات، کسر حقوق بصورت جریمه و غیره منع. گردد کسر دلخواه دستمزد کارگران از سوی کارفرما، غیر قانونی و ظالمانه است. کارفرما نباید به هیچ صورتی دستمزد کارگر را کسر نماید. کارفرما حق قضاوت و اجرای حکم را ندارد (قضاوتی که همیشه منجر به کسر دستمزد کارگر میشود). کارفرما باید به یک دادگاه صالح که متشکل از نمایندگان انتخابی کارگران و کارفرمایان بتعداد برابر است، عرض حال دهد، تنها در چنین دادگاهی است که میتوان به شکایات کارگران و کارفرمایان علیه یکدیگر رسیدگی کرد.

این نمونه اصلاحاتی بود که سوسیال دمکراتها در راه کسب آن برای همه طبقه کارگر هستند. کارگران در هر زمین و مزرعه و یا تحت اختیار هر پیمانکاری که باشند، باید بتوانند با افراد معتمد دیدار و در مورد خواسته های خود بحث و گفتگو نمایند (بدون تردید، خواسته های کارگران، به تناسب محل کار، و با توجه به پیمانکاران مختلف، فرق میکند).

در سراسر روسیه، کمیته های حزب سوسیال دمکرات به کارگران یاری میدهد که خواسته های خود را بشکلی دقیق و روشن تدوین کرده و برای بیان آن و مطلع نمودن کارگران، کارفرمایان و مقامات، آنها را بصورت جزوه چاپ و توزیع نمایند. هنگامیکه کارگران برای انجام خواسته های خود، بعنوان یک تن واحد عمل کنند، کارفرمایان مجبور به تن دادن و تأیید آنها میشوند. در شهرها، کارگران به پیشرفتهائی این چنین دست یافته اند و اینک کارگران صنایع دستی، صنعتگران و کارگران کشاورزی در حال تشکل و مبارزه برای خواسته های خود هستند. مادامیکه آزادی سیاسی حاصل نشده و پلیس توزیع جزوات و تشکيل انجمنهای کارگری را منع مینماید، مبارزه بطور زیر زمینی ادامه خواهد یافت. لیکن در صورت احراز آزادی سیاسی، مبارزه را در سطح

وسیع تر و آشکار، دنبال خواهیم کرد تا اینکه زحمتکشان در سرتاسر روسیه بتوانند متشکل شده و با نیروی بیشتری در مقابل ظلم پایداری کنند. هرچه کارگران عضو حزب سوسیال دمکرات افزایش یابند، نیروی آنها بیشتر شده و راحت تر میتوانند طبقه خود را از قید ستم، کار مزدوری و همهٔ موارنهائی که بنفع طبقه بورژوازی تمام میشود، رها سازند.

* * *

قبلاً "متذکر شدیم که اصلاحات مورد درخواست حزب سوسیال دمکرات نه تنها برای کارگران بل برای تمام روستائیان است اینک ببینیم این حزب چه اصلاحاتی را برای روستائیان مطرح میسازد.

عـ سوسیال دمکرات ها چه اقداماتی در جهت بهبود وضع
روستائیان انجام می دهند ؟

برای حصول کامل آزادی همهٔ زحمتکشان، روستائیان فقیر باید با همکاری کارگران شهری مبارزه‌ای را علیه بورژوازی و همچنین دهقانان ثروتمند شروع کنند. دهقانان ثروتمند سعی دارند به کارگران خود کمترین دستمزد ممکن را بپردازند و به شدیدترین وضعی از آنان کار بکشند، اما کارگران شهر و روستا کوشش میکنند دستمزد خود را افزایش دهند، شرایط کاری را بهبود بخشند و زمان استراحت کافی برای کارگرانی که در خدمت دهقانان ثروتمند هستند، بدست آورند. یعنی که روستائیان فقیر برای خود اتحادیه هائی جدا از دهقانان ثروتمند بوجود آورند. ما قبلاً " این را گفته‌ایم و در آینده نیز همچنان تکرار خواهیم نمود.

در روسیه، همه روستائیان، از فقیر و غنی هنوز در بعضی موارد برده هستند. آنها هنوز به صورت بردگانی پست و خراج گذار هستند، آنها همه برده پلیس و ناظران روستائی میباشند، در بسیاری موارد مجبورند برای

مالکان بزرگ در ازای زمینهای غصبی ، مناطق تحت آبیاری و چراگاهها کار کنند ، درست مانند زمان بردگی . همه آنها از زمین داران که آنها را مجبور به بردگی ، پرداخت اجاره بها برای استفاده از زمین و چراگاههای اعیانی ، آبیاری مراتع ، کار بخاطر جبران زیان وارده از چرای دامها در زمینهای کشاورزان و فرستادن زنهایشان برای درو افتخاری ، زمینهای ارباب می کنند متغیرند همه روستائیان سعی دارند که از این نوع بندگی جدید خلاص شوند ، همه آنها باید به حقوق کامل خود دست یابند ، فشار این نوع استثمار بیشتر بر دوش روستائیان فقیر است تا دهقانان خرده پا . روستائیان ثروتمند گاهی به جای این نوع کار به مالکین پول پرداخت می کنند ، ولی در عین حال آنها هم تحت فشار شدید مالکین هستند . لذا روستائیان فقیر بایستی پا به پای روستائیان ثروتمند در راه احقاق حق ، علیه هر نوع کار برده وار و هر نوع پرداخت اجاره مبارزه کنند . ما قادر خواهیم بود که تمام بندها را بگسلیم و بر فقر غلبه کنیم و این کار وقتی نتیجه قطعی خواهد داشت که بورژوازی بطور کل و کشاورزان ثروتمند نابود گردند . ولی بعضی از بندها هست که قبل از اینکار باید گسسته شود زیرا حتی کشاورزان ثروتمند هم از آنها (بورژواها) در عذابند . در بسیاری از نقاط روسیه روستائیان فقیر هنوز مانند بردگان هستند . به این خاطر است که همه کارگران روسیه و همهی روستائیان فقیر باید با هر دو دست و در دو جبهه بجنگند : با یک دست وبا همکاری همه کارگران علیه بورژوازی مبارزه کنند ، و با دست دیگر در مقابل مقامات اداری که در روستا کار می کنند و همچنین علیه فئودالها . اگر روستائیان فقیر اتحادیه های خود را جدا از روستائیان ثروتمند تشکیل ندهند ، فریب روستائیان ثروتمند را که خود در آینده زمینداران بزرگی خواهند شد میخورند ، در حالیکه فقیران فاقد زمین نه تنها فقیرتر خواهند شد بلکه قادر نخواهند بود هیچگونه آزادی بدست آورند . اگر روستائیان فقیر دوش بدوش روستائیان ثروتمند علیه بندهای فئودالی بجنگند به زنجیر کشیده خواهند شد و هرگز

آزادی لازم را برای متحد شدن با کارگران شهری پیدا خواهند کرد .
 روستائیان فقیر در مرحله اول بایستی علیه مالکان مبارزه کنند و سپس
 پست ترین قیود فئودالی را در روستا نابود کنند ، در این جنگ بسیاری از
 روستائیان ثروتمند و هواخواهان بورژوازی طرف روستائیان فقیر را میگیرند ،
 زیرا همه آنها از خودخواهی مالکین بزرگ رنج میبرند . ولی به محض آنکه
 دست مالکین کوتاه شود ، روستائیان ثروتمند شخصیت واقعی خود را بروز
 خواهند داد و دستهای حریصشان را برای قاپیدن همه چیز دراز خواهند کرد .
 این دستها را ما دستهای غارتگر مینامیم که قبلاً " هم نصیبی از این خوان
 یغما داشتهاند . لذا ما باید جبههگیری خود را از دست ندهیم و اتحاد قوی
 و پابرجای خود را با کارگران شهری حفظ کنیم . کارگران شهری خصیصه های
 کهنه اشرافیت را از سر مالکان بیرون رانده و روستائیان ثروتمند
 را تا حدی رام می کنند . (درست همانطور که کارفرمایان خود را رام
 کرده اند بدون وحدت با کارگران شهری ، روستائیان فقیر هرگز
 نخواهند توانست همه بندهای فقر و احتیاج را پاره کنند . در واقع
 کارگران شهری تنها کسانی هستند که می توانند به آنها کمک کنند . البته
 اصلاحاتی هست که می توان قبلاً " به سرعت انجام داد ، درست در وهله ی
 اول درگیری . در روسیه انواع گوناگون بندگی و اسارت وجود دارد که در
 کشورهای دیگر نیز همیشه وجود داشته است . جامعه روستائی روسیه بزودی
 خواهد توانست بندهای فئودالی را پاره کند .

حالا ببینیم حزب سوسیال دمکرات چه اقداماتی در راه آزاد کردن
 جامعه روستائی روسیه انجام داده است . حداقل چه خدماتی در راه از بین
 بردن قویترین و خبیث ترین آنها و متحد کردن روستائیان روسیه برای از
 بین بردن کلی بورژوازی انجام داده است .

اولین خواسته حزب کارگران سوسیال دمکرات ملغی کردن حق گرو زمین
 ها ، اجاره ها و تمام دیونی است که به جامعه مالیات دهنده روستائی تحمیل

شده است. وقتی که کمیته اشراف و دولت روسیه تزاری، که شامل اشراف بود، روستائیان را به اصطلاح خود از بردگی آزاد کردند، آنها را مجبور نمودند زمینی که در حقیقت مال خودشان بود خریداری کنند. زمینی که نسل بعد از نسل آنها شخم زده بودند! این دزدی است. کمیته‌های اشراف با کمک دولت تزاری هستی روستائیان را چپاول کردند. دولت تزاری ارتش را به تمام نقاط کشور فرستاد تا دهقانان را به زور مجبور به انجام تعهدات خود کند^{۲۰} و مخالفین را سرکوب نماید. کمیته‌های اشراف بدون لشکرکشی و بدون بیرحمی و کشتار هرگز قادر نبودند روستائیان را در زمان آزادی بردگان این گونه وحشیانه غارت کنند. روستائیان باید همیشه به خاطر داشته باشند که چگونه توسط اشراف زمین دار فریب خورده و غارت شده‌اند. هنوز که هنوز است دولت تزاری هر جا می‌خواهد قانونی در مورد روستائیان تصویب کند، کمیته‌های اشراف را ماء مور میکند. تزار اخیراً (۲۶ فوریه، ۱۹۰۳) بیانیه‌ای صادر کرد که طی آن بهبود وضع روستائیان و اصلاح قوانین مربوط به آنها را نوید می‌دهد. چه کسی می‌خواهد حقوق روستائیان را حفظ کند؟ چه کسی این اصلاحات را انجام خواهد داد؟ باز هم اشراف؟ باز هم مقامات دولتی؟ مادام که روستائیان برای بهبود وضع زندگیشان دست به تشکیل کمیته‌های روستائی نزنند، فریب خواهند خورد. اکنون وقت آن رسیده که به کار ملاکین و ناظران روستائی پایان داده شود! وقت آن رسیده که بر وابستگی فئودالی روستائیان به ماء موران پلیس نقطه پایان گذاشته شود. روستائیان باید آزادی داشته باشند که مسائل خود را خودشان حل کنند و در تصویب قوانین مستقیماً "سهم باشند. روستائیان باید یک رای‌گیری آزاد کمیته‌های روستائی و دهقانی بوجود آورند. مادام که موفق به انجام اینکار نشوند توسط اشراف و مقامات دولتی فریب خورده و غارت میشوند. اگر آنها متحد نشوند و امیدشان را منحصر "به دستهای زحمتکش خود ندوزند، نمیتوانند از دست مقامات دولتی زالو صفت خلاص گردند.

سوسیال دموکراتها نه تنها الغای فوری اجاره و باز خرید زمین و هر نوع تحمیل دیگری را خواستارند ، بلکه معتقدند که تمامی پول زمینها باید به مردم برگردد ، از زمان آزادی بردگان صدها میلیون روبل توسط کمیته های اعیان از کشاورزان غارت شده است . دهقانان بایستی همه این پول ها را پس بگیرند . دولت باید مالیاتهای ویژه ای از اشراف زمین دار بگیرد ، و زمینها را از صومعه ها و دربار (خاندان تزار) باز پس گیرد و همچنین مجمع ملی نمایندگان این پولها را در راه منافع روستائیان صرف کند . در هیچ جای دنیا حقوق کشاورزان مانند روسیه پایمال نشده است . در هیچ جای دنیا مانند روسیه میلیون ها کشاورز از گرسنگی با این وضع فلاکت بار از پا در نمی آیند . تعداد دهقانان روسیه در اثر گرسنگی و در نتیجه مرگ زیاده تر شده . دلیل آنهم اینست که از دیر باز توسط کمیته های اشراف غارت شده اند و روز بروز فقیرتر می شوند ، زیرا مجبورند هر سال مبلغی به عنوان خراج به بازماندگان فئودال ها به صورت حق اجاره و باز خرید زمین بپردازند . این غارتگران باید خود را برای جوابگوئی به جنایاتشان آماده کنند ! این پول باید از اشراف صاحب زمین گرفته شود و در راه بهبود وضع قحطی زدگان صرف گردد . کشاورز گرسنه احتیاجی به صدقه ندارد ، او باید پولی را که سالها و سالها به دولت و ملاکین پرداخته پس بگیرد . مجمع ملی نمایندگان و کمیته های دهقانی تنها در این صورت می توانند به گرسنگان کمک کنند .

بعلاوه حزب کارگر سوسیال دمکرات تعهدات جمعی^{۲۱} و همه قوانینی که کشاورزان را در راه استفاده از زمینشان محدود می کند منسوخ می داند . بیانیه تزار در ۲۶ فوریه ، ۱۹۰۳ ، الغای تعهدات جمعی را وعده می دهد . چنین قانونی قبلا " نیز وضع شده است ، ولی این کافی نیست . همه قوانین مربوط به عدم حق استفاده آزادانه روستائیان از زمینهایشان بایستی فوراً " منسوخ گردد ، در غیر اینصورت حتی با از بین بردن تعهدات جمعی ، روستائیان نیمه برده باقی خواهند ماند و کاملاً " آزاد نخواهند شد . روستائی

باید در همه تصمیم گیریها در مورد زمین کاملاً "آزاد گذاشته شود، بایستی به وی اجازه داد زمینش را به هر کس که مایل است آزادانه بفروشد یا اجازه دهد حال آنکه فرمان تزار شامل این موضوع نمی شود. طبق این فرمان، اعیان، تجار و مردم شهری حق تصمیم گیری در مورد زمین هایشان را دارند ولی کشاورزان از این قاعده مستثنی هستند. کشاورزان به منزله بچه های کوچکی اند که ناظر همیشه باید بالای سرشان باشد و از آنها مراقبت کند. آنها هیچگاه حق ندارند نباید سهمشان را بفروشند زیرا پول آنها به باد میدهند! فتوایهای استعمارگر چنین استدلال میکنند، و بعضی ساده دلان که به خیال خود مصلحت کشاورزان را میخواهند این حرف ها را باور می کنند. حتی "نارودنیک" ها (که قبلاً از آنها یاد شد) و مردمی که خود را "سوسیالیست های انقلابی" مینامند در مقابل این طرز فکر تسلیم شدند و قبول کردند که بهتر است به نحوی برده باشند تا اینکه اجازه خرید و فروش زمین را بگیرند.

سوسیال دمکراتها میگویند: این دو روشی محض است، این یک سخن اشرافی است، اینها فقط کلماتی شیرین است برای فریب! وقتی که ما به سوسیالیسم برسیم و وقتی که طبقه کارگر بورژوازی را از بین میبرد، زمین ملی میشود و آن موقع است که هیچکس نمیتواند آنها بفروشد. ولی تا آن زمان چه باید کرد؟ آیا اعیان و اشراف میتوانند زمین خود را بفروشند و دهقان چنین امتیازی نداشته باشند! آیا باید اعیان آزاد باشند و دهقان نیمه برده؟! آیا قرار است تا ابد دهقان از مقامات بلند پایه اجازه بگیرند همه اینها حيله و فریب است، گر چه با کلمات شیرین ادا میشود. همه فریب و حقه است. مادام که اشراف و بازرگانان مجازند زمینهای خود را معامله کنند، رعیت نیز باید در مورد فروش زمین خود و طریقه استفاده از آن از حقوق کامل و آزادی مطلق برخوردار باشد، درست بهمان صورت که اعیان و بازرگانان میتوانند اینکار را بکنند.

وقتی که طبقه‌ی کارگر بر تمامی بورژوازی غلبه کند، زمین را از مالکین بزرگ پس میگیرد و بر روی ملکهای بزرگ، کشاورزی به صورت تعاونی را رواج میدهد، از این طریق کشاورزان خود زمین خود را در نهایت آزادی و بطور مشترک میکارند و نمایندگان برای مدیریت مزارع انتخاب میکنند. آنها از همه ماشینها برای صرفه‌جویی در وقت استفاده خواهند کرد و ساعات کار خود را به هشت ساعت (و حتی شش ساعت) در روز تقلیل خواهند داد. کشاورزان خرد پا که مایل باشند روی زمینشان به طریق سنتی و انفرادی کار کنند، و محصول کارشان را به بازار و یا به دلال بفروشند، آنرا در اختیار تعاونیهای کارگری خواهند گذاشت. آنها به تعاونیهای کارگری غله، گوشت و سبزی خواهند داد و کارگران در مقابل بطور رایگان ماشین، چارپا، کود، لباس و هر چه که نیاز داشته باشند به آنها میدهند. از این رو هیچ درگیری بین کشاورزان خرد و کلان ایجاد نخواهد شد، و هیچ کاری در مقابل استخدام افراد صورت نخواهد گرفت، همه کارگران برای خود کاری کنند و همه پیشرفتهای در روشهای تولیدی و ماشین آلات مستقیماً "به خود کارگران سود خواهد رساند و کمک به آسان کردن کار و بالا بردن سطح زندگی آنان خواهد کرد.

هر آدم منطقی میدانند که سوسیالیسم در یک آن حاصل نمیشود؛ برای رسیدن به سوسیالیسم باید مبارزهای سرسختانه علیه بورژوازی و همه دولتها انجام گیرد، همه کارگران شهری سراسر روسیه باید با روستائیان فقیر با پیوندی ناگسستنی متحد شوند. این هدفی والاست و برای رسیدن به آن می‌توان از همه چیز حتی از جان شیرین دست شست، ولی قبل از رسیدن به سوسیالیسم ملاکین بزرگ همیشه بر سر پول با خرده مالکین نزاع خواهند داشت. آیا قرار است صاحبان عمده زمین در فروختن زمینهای خود آزاد باشند و کشاورزان نه؟ ما باز هم تکرار می‌کنیم: کشاورزان مثل بچه‌های کوچک نیستند و به کسی اجازه نمی‌دهند که به آنها تحکم کند، رعایا باید از تمام حقوق و مواهبی که اشراف و بازرگانان برخوردارند، برخوردار گردند.

همچنین گفته شده است که: زمین کشاورزان جزو مایملک خودشان نیست، بلکه بطور اشتراکی به همه تعلق دارد. هیچکس مجاز نیست زمین اشتراکی را بفروشد. اینهم نیرنگی بیش نیست. آیا اشراف و بازرگانان جوامع خاص خود را ندارند؟ آیا اشراف و بازرگانان شرکتهائی را برای خرید و فروش زمین، کارخانه و دیگر چیزها بوجود نیاورده‌اند؟ پس چرا برای مجامع و شرکتهای آنها هیچ محدودیتی وجود ندارد و چرا پلیس‌های پست و زانو صفت مرتبا " برای کشاورزان محدودیت و ممنوعیت بوجود می‌آورند؟ کشاورزان هیچگاه جزکتک، شکنجه، تهدید و ارباب‌از این جنایتکاران نصیبی نبرده‌اند و هیچگاه نصیبی نخواهند برد، مگر اینکه امور مربوط به خود را خودشان در دست گیرند، تا به تساوی حقوقی و آزادی کامل برسند. اگر تصمیم بگیرند که زمین‌هایشان را اشتراکی اعلام کنند، هیچکس نباید حق دخالت در امور آنها را داشته باشد، آنها داوطلبانه می‌توانند جوامعی با عضویت هرکس که دوست داشته باشند و تحت هر شرایطی که بخواهند، تشکیل دهند، و در آزادی کامل به هر طریقی که مایل هستند پیمانهای اشتراکی را بوجود آورند و به هیچ مقام دولتی اجازه ندهند که به کار آنها دخالت کند و نسبت به کشاورزان اعمال قدرت کند و برایشان ممنوعیت بوجود آورد.

* * * *

بالاخره حزب سوسیال دمکرات سعی دارد بطریقی دیگر در راه بهبود وضع کشاورزان اقدام کند. سوسیال دمکرات‌ها سعی دارند به فوریت وابستگی‌های دهقانان را به اشراف‌از میان بردارند، یعنی همان زنجیر بردگی را. البته مادام که فقر وجود داشته باشد، بندها بطور کامل گسسته نمی‌شود، و مادام که زمین‌ها و کارخانه‌ها در دست بورژواهاست، و مادام که پول در دنیا نقش تعیین‌کننده دارد، و مادام که یک جامعه سوسیالیستی بوجود نیامده، فقر نیز از میان نمی‌رود. هنوز در روستاهای روسیه بندهای بردگی بصورت بسیار پستی وجود دارد، بطوریکه در هیچ کشوری به اینگونه دیده نمی‌شود.

این بندها بر دوش دهقانان سنگینی می‌کند و می‌توان و باید که آنها را از میان برداشت.

در اینجا این نوع بندها که ما آنها را بندهای بزرگی می‌نامیم توضیح داده می‌شود.

هرکس که در روسیه زندگی می‌کند مواردی مانند مورد زیر را می‌داند. زمین مالکی در مجاورت زمین دهقانی قرار دارد. زمین مالکان به زمین دهقانان الحاق خواهد شد. در زمان آزادی بردگان رعایا از زمین که حق مسلم آنها است محروم بودند، چراگاهها، جنگلها و مراتع و محل های آبیاری از آنها گرفته شد. دهقانان بدون زمین نمی‌توانند زندگی کنند. آنها خواه بخواهند و خواه نخواهند، برای رفتن به محل های آبی و چراندن گوسفند نشان باید از مالکان اجازه بگیرند. صاحب زمین هیچگاه خودش زمینی را نمیکارد، و شاید اصلاً "پولی نداشته باشد، او فقط با برده نگاهداشتن رعایا زندگی می‌کند. در ازای زمینهای بسیار کوچک رعایا تقریباً "به رایگان برای او کار میکنند، با اسبهایشان زمین وی را شخم می‌زنند، محصول را درو و علفها را وجین می‌کنند، و در بعضی جاها حتی باید با ارا به کودهایشان را به زمینهای ارباب ببرند، یا برایش پارچه ببافند و تخم مرغ و ماکیان تحفه ببرند. درست مانند نظام رعیتی! در نظام رعیتی، رعایا می‌بایستی در مقابل هیچ برای زمیندارانی که در زمینشان زندگی میکردند، کار کنند، در حالیکه امروزه تقریباً "در ازای هیچ روی زمینهای کار میکنند که کمیته های اشراف و اعیان در زمان آزادی بردگان بزور از آنها گرفتند. این درست به منزله بیگاری است. در بعضی گوبرنیاها، روستائیان این سیستم را (Harshchina) می‌نامند. در زمان آزادی بردگان کمیته های اشراف زمین دار عمداً سعی داشتند ترتیبی دهند که رعایا به سبک قدیم در بند باشند. آنها عمداً "رعایا را به زمینهای غیر حاصلخیز کوچ دادند راه آب را بر آنها بستند و باریکمهایی از زمین خود را در میان زمینهای آنها

قرار دادند بطوریکه آنها نتوانند ماکیان خود را رها کنند . بطور خلاصه کاری کردند که رعیت خود را در تله بیاورد و مانند گذشته ، بآسانی مطیع وی باشد . هنوز تعداد بیشماری دهکده وجود دارد که رعایا و کشاورزان آن سخت تحت نفوذ صاحبان زمینهای مجاور هستند ، درست به همانصورت که در زمان بردهداری متداول بود . در چنین دهکدههایی ، دهقانان ثروتمند و دهقانان فقیر ، هر دو دست و پا بسته در اختیار زمینداران هستند که البته دهقانان فقیر و وضعشان از دهقانان ثروتمند در این موارد بمراتب بدتر است . دهقان ثروتمند که زمین کمی دارد ، گاه بجای اینکه خودش برای زمینداران کار کند ، کارگزارانش را برای اینکار میفرستد ، ولی دهقانان و روستائیان فقیر هیچ راه فراری از این مهلکه ندارند ، و زمین دار هر چه بخواهد به سراو میآورد . تحت این شرایط دهقان حتی یک لحظه مجال نفس کشیدن ندارد ، او نمی تواند برای کار به جای دیگر مراجعه کند زیرا تمام وقتش را در ازای کاری که باید برای اربابش انجام دهد ، صرف میکند . او هرگز این فکر را که باید آزادانه و به کمک همی روستائیان فقیر و کارگران شهری برای خود اتحادیهای تشکیل دهد یا به حزبی بپیوندد ، در سر نمیپروراند .

خوب ، بنا بر این آیا هیچ راهی برای از بین بردن فوری و قطعی این وابستگی وجود دارد ؟ حزب کارگران سوسیال دمکرات برای حصول به این نتیجه دو راه پیشنهاد میکند . ولی ما تکرار میکنیم که فقط سوسیالیسم می تواند کشاورزان را از همه قیدها برهاند ، زیرا مادام که ثروتمندان قدرت را در دست داشته باشند به نحوی فقیران را زیر فشار قرار خواهند داد . امکان ندارد که بتوان همه بندها را ناگهان از هم گسست ، ولی می توان ردیالانه ترین آنها یعنی بند بردگی را باز کرد ، تا زمانیکه این بند هر دوش کشاورزان فقیر ، میانه حال و حتی کشاورزان ثروتمند سنگینی میکند ، امکان ندارد که رهائی آنی نصیب روستائیان شود .

برای رسیدن به این هدف دو راه وجود دارد .

راه اول . ایجاد محکمه‌هایی با نمایندگان کشاورزان و کارگران مزارع ، دهقانان ثروتمند و زمینداران .

راه دوم : ایجاد کمیته‌های روستائی با انتخابات آزاد . این کمیته‌های روستائی باید برای از بین بردن بقایای بردگی قدرت اجرایی داشته باشند و نه اینکه تنها در مورد این مسائل به بحث و بررسی بپردازند . این کمیته ها حق باز گرداندن زمینهای غصب شده روستائیان را به آنها خواهند داشت . *

بیایید این دو راه را از نزدیک بررسی کنیم . محکمه‌های مورد بحث به تمام دعاوی که از حقوق روستائیان و استثمار آنها ناشی می شود رسیدگی میکند ، این محکمه‌ها در صورتی که تشخیص دهند اجاره زمین‌ها گران است و صاحب زمین به روستائیان اجحاف می کند ، اجاره ها را پائین می آورند . در صورتیکه مالکان کارگران را در زمستان برای تابستان بعد با دستمزد کم استخدام کنند ، می توانند میزان دستمزد آنها را افزایش داده و به سطح عادلانه برسانند . مسلماً " مقامات دولتی به چنین محکمه‌هایی راه ندارند ، و فقط کارگران کشاورزی و روستائیان فقیر باید بدون ترس و وا همه نمایندگان خود را به این دادگاه بفرستند . البته تعداد آنها هیچگاه نباید کمتر از نمایندگان دهقانان ثروتمند و مالکان باشد . چنین دادگاه‌هایی همچنین به اختلاف بین استخدام شوندگان و استخدام کنندگان رسیدگی میکند ، و با وجود چنین دادگاه‌هایی کارگران و تمامی روستائیان فقیر بهتر میتوانند از حقوق خود دفاع کنند و بهتر میتوانند تشخیص دهند که مدافع واقعی حقوق

* در چاپ ۱۹۵۵ بعد از عبارت " خواهند داشت " قسمت زیر آمده :

" کمیته‌های روستائی باید قدرت داشته باشند تمام زمینهای مالکان و مالکان خصوصی را بطور کلی در اختیار بگیرند و با ایجاد مجمع خلق در مورد این زمینها که تمامی افراد تعلق خواهد داشت ، تصمیم گیری کنند . . . ه . ت

آنها چه کسانی هستند .

راه دیگر از این نیز مهمتر است : تاء سیس کمیته‌های آزاد روستائی که شامل نمایندگان منتخب کارگران کشاورز ، روستائیان فقیر ، میانه حال و ثروتمند در هر اوبزد (یا اگر روستائیان مناسب بدانند در هر اویزد چند کمیته ایجاد می کنند ، شاید حتی ترجیح دهند که کمیته‌های روستائی را در هر ولوست و در هر ده بزرگ ایجاد کنند) خواهد بود . هیچ کس بهتر از خود کشاورز و روستائیان نمی داند که چه بندهائی آنها را گرفتار کرده و چگونه تحت فشار قرار گرفته اند . کمیته‌های روستائیان تحقیق می کنند که چه زمینها ، علف زارها و چراگاههای از کشاورزان غصب شده ، و همچنین تصمیم میگیرند که آیا این زمینها بدون پرداخت خسارت باید به صاحبانشان برگردانده شود و یا باید از غاصبین خسارت نیز دریافت شود . کمیته‌های روستائی حداقل کاری که میکنند اینست که روستائیان را از دامهایی که کمیته‌های متعدد زمینداران برای آنها گسترده بودند ، برهاند . کمیته‌های روستائی ، روستائیان را از شر دخالت‌های مقامات دولتی خلاص میکنند ، این کمیته‌ها ثابت میکنند که روستائیان میخواهند و میتوانند که امور مربوط به خود را خود اداره کنند ، و به کشاورزان و روستائیان کمک میکنند تا در مورد احتیاجاتشان در میان خود به توافق برسند . آنها همچنین کسانی را که واقعا "قادرند به فقیران روستائی کمک کنند و برای اتحاد با کارگران شهری اقدامی نمایند ، شناسائی میکنند . کمیته‌های روستائی اولین قدمی خواهد بود که به روستائیان حتی در دهکده‌های دور افتاده کمک میکنند که روی پای خود بایستند و سرنوشت خود را خود در دست گیرند .

به این دلایل است که کارگران سوسیال دمکرات به روستائیان هشدار می دهند :

به هیچ کمیته متشکل از اعیان یا مقامات دولتی اعتمادی نداشته باشید .
در راه بوجود آوردن مجمع ملی نمایندگان بکوشید .

در راه تشکیل کمیته‌های روستائی بگوشید .

از آزادی چاپ هرگونه جزوه ، روزنامه و جریدهای دفاع کنید .

وقتی که همه کس آزادانه و بدون وحشت این حق را داشته باشد که عقاید و خواسته‌هایش را در مجمع ملی نمایندگان ، در کمیته‌های روستائی و در روزنامه بیان کند ، به زودی مشخص می‌شود که چه کسانی طرفدار طبقه کارگر هستند و چه کسانی از بورژوازی حمایت می‌کنند . امروزه اکثریت زیادی از مردم اصلاً " به این مطلب توجهی ندارند ، بعضی عقاید واقعی خود را پنهان می‌کنند و جمعی نیز هنوز فکر خود را نشانخته‌اند و عده‌ای هم عمداً " دروغ می‌گویند . ولی اگر این حق بدست آید ، همه کس به این مسائل فکر می‌کند ، و برای پنهان کردن هیچ چیز دلیلی نمی‌ماند و مسائل بزودی بر همه روشن می‌شود . قبلاً " گفتیم که بورژوازی دهقانان ثروتمند را به طرف خود می‌کشد . ما هرچه زودتر موفق به از بین بردن قیود بندگی شویم ، روستائیان زودتر و بهتر به آزادی دست پیدا می‌کنند و هرچه زودتر روستائیان فقیر در میان خود به اتحاد برسند ، دهقانان ثروتمند زودتر با بورژوازی متحد می‌شوند . بگذارید متحد شوند . ما از این نمی‌ترسیم ، گرچه میدانیم این اتحاد باعث قوی‌تر شدن دهقانان ثروتمند می‌گردد . ولی ما نیز ، متحد می‌شویم ، و اتحاد ما ، اتحاد بین روستائیان فقیر و کارگران شهری خلق بیشتری را در بر می‌گیرد . اتحاد ما ، اتحاد دهها میلیون در برابر صدها هزار است . ما همچنین می‌دانیم که بورژوازی سعی خواهد کرد توجه روستائیان میان حال و حتی کشاورزان کوچک را به خود جلب کند ، بورژوازی سعی خواهد کرد که آنها را بفریبد ، تخم نفاق بین آنها بپراکند و به هر کدام آنها قول بدهد که آنها را تا درجه اعیان و ثروتمندان بالا ببرد . ما قبلاً " هم ابزار فریب و حقه بورژواها را دیده‌ایم . لذا باید قبل از هر چیز چشم و گوش روستائیان فقیر را باز کنیم و به اتحادهای جداگانه آنها کمک کنیم که با کارگران شهری علیه تمامی بورژوازی شورش کنند .

بگذاریم هر روستائی با دقت اطرافش را بنگرد . هر چند گاه يك بار می شنویم كه دهقانان ثروتمند علیه اشراف و علیه زمینداران صحبت می کنند ! آنها چگونه از رنجی كه خلق ها میبرند شكایت می کنند ! یا از زمین خواری زمین داران ! با چه اشتیاقی از صاحب زمین شدن روستائیان صحبت می کنند !

آیا میتوان آنچه دهقانان ثروتمند میگویند باور كرد ؟ خیر ، آنها زمین را برای خلق نمیخواهند ، آنها دوست دارند كه خود مالك زمین باشند . آنها تاكنون از راه غصب ، خرید و یا اجاره ، صاحب زمین های زیادی شده اند ، ولی هنوز به حق خود قانع نیستند . بنابراین ، روستائیان فقیر دیگر نباید برای سرنوشتی زمین داران و زمین خواران با دهقانان ثروتمند متحد باشند . فقط در برداشتن گام اول بایستی با آنها همکاری كرد ، ولی پس از آن راه ما از آنها جداست .

به این دلیل است كه ما باید بین قدم اول و قدم های بعدی تفاوت قائل شویم . اولین قدم در روستا ، آزادی كامل كشاورزان و تشكيل کمیته های روستائی بمنظور برگرداندن زمین های غصب شده است . ولی گام نهائی ما در شهر و روستا یکی خواهد بود . ما باید تمام زمین ها و كارخانجات را از سرمایه داران و بورژواها بگیریم و مقدمات يك جامعه سوسیالیستی را فراهم كنیم* . در فاصله بین گام نهائی درگیری شدیدی خواهیم داشت ، و هر كس كه گام اول را با گام نهائی اشتباه كند بطور غیر مستقیم ما را ضعیف خواهد كرد و به آنها در راه اغفال روستائیان فقیر كمك كرده است .

* در چاپ سال ۱۹۵۵ ، قسمتی كه با عبارت " ما باید " شروع شده و با كلمه " فراهم كنیم " ، ختم می شود ، تغییر یافته و بجای آن این جمله آمده است . " تقسیم املاك و كارخانجات خصوصی و برپائی يك جامعه سوسیالیست " ه . ت .

روستائیان فقیر گام اول را با همکاری همه روستائیان بر خواهند داشت . بعضی ها ممکن است در این ضمن جا بزنند . شاید یک درصد از روستائیان مایل باشند به دلایلی از بندها آزاد نشوند . ولی اکثریت توده های روستائی در یک عقیده مشترک اند . همه روستائیان حقوق مساوی می خواهند . وابستگی به زمین داران دست و پای همه را می بندد . قدم نهائی وسیله همه کشاورزان انجام نمی گیرد : در این موقع دهقانان ثروتمند علیه کارگران مزارع فعالیت می کنند . بنابراین ما به اتحادیه ای متشکل از روستائیان فقیر و کارگران سوسیال دمکرات شهری نیاز داریم . کسانی که میگویند کشاورزان می توانند قدم اول و گام نهائی را یکجا بردارند ، در صدد فریب آنهایند . آنها از درگیری بین کشاورزان و از درگیری روستائیان فقیر و دهقانان ثروتمند غافل اند .

به این دلیل است که سوسیال دمکرات ها در یک آن و فوری قول پیشرفت نمی دهند . به این دلیل است که سوسیال دمکرات ها در وهله اول خواستار آزادی مطلق برای درگیری و مبارزه وسیع ، همه طبقات کارگری در سطح کشور علیه بورژوازی هستند . از این روست که سوسیال دمکرات ها قدم اول را که گامی کوتاه ولی مطمئن و مؤثر است پیشنهاد می کنند .

بعضی مردم تصور میکنند که تمایل ما به تشکیل کمیته های روستائی به منظور رهانیدن روستائیان و برگرداندن زمینهای غصبی از بندها مثل حصار یا سیم خازداری است که ما میخواهیم ایجاد کنیم . آنها خیال میکنند ما می گوئیم : ایست ، جلوتر نروید ! این مردم خواست سوسیال دمکرات ها را خوب درک نکرده اند . ایجاد کمیته های روستائی به منظور رهانیدن روستائیان از بندها و برگرداندن زمینهای غصب شده حصار نیست ، بلکه بمنزله یک دروازه است . دروازه ای که برای پیشرفتهای بعدی باید از آن عبور کرد ، و در طول جاده وسیع و باز به سوی هدف نهائی که همانا آزاد ساختن تمام خلق های زحمتکس روسیه است ، پیش رفت . مادام که روستائیان از این

دروازه عبور نکنند ، در جهل و گمراهی مطلق بسر خواهند برد و به حقوق و آزادی کامل دست نخواهند یافت ، آنها حتی در میان خود نمیتوانند دوست را از دشمن تشخیص دهند . به این دلیل است که سوسیال دمکراتها به این دروازه اشاره میکنند و معتقدند که همه خلق ها بایستی این دروازه را باز کنند ، و از آن عبور کنند . گروهی از مردم که خود را "ناردنیک" و سوسیالیست های انقلابی مینامند ، میخواهند که روستائیان فریاد بزنند ، سروصداراه نیندازند و مشت هایشان را در هوا حرکت دهند در واقع آنها قصد کمک به روستائیان را دارند ولی به " دروازه " مذکور دست نیافته اند ! این عده آنقدر نابینا هستند که میگویند : ضرورتی ندارد که به روستائی حق فروش آزادانه زمین داده شود ! آنها خیرکشاورزان را میخواهند ولی گاهی اوقات درست مانند فئودالهای زمینخوار فکر میکنند ! این چنین دوستانی نمیتوانند به ما کمک کنند . وقتیکه شخص نمیداند چگونه وارد جادهی مبارزه آزادانه مردم شود ، مبارزه ای که نه تنها در شهرها ، بلکه در روستاها ، نه تنها علیه صاحبان زمین بلکه همچنین علیه دهقانان ثروتمند در کمونهای روستائی جریان دارد ، فایده طرفداری از سوسیالیسم چیست ؟

به این دلیل است که سوسیال دمکراتها به این دروازه که اولین و نزدیکترین راه است ، اشاره می کنند . در این مرحله مسئله مشکل بیان خواسته های مطلوب و ایدئالهای شعارگونه نیست ، بلکه اشاره به راه درست و تفهیم این موضوع است که اولین قدم را چگونه باید برداشت . همه دوستان و طرفداران روستائیان در چهل سال اخیر در مورد روستائیان روسیه و چگونگی استثمار آنها مطالب زیادی نوشته و سخنرانی های فراوانی ترتیب داده اند . سالها قبل از بوجود آمدن سوسیال دمکراتها در روسیه ، دوستان روستائیان کتابهای زیادی نوشته اند و در آنها توضیح داده اند که چگونه از طریق زمین های غصبی زمینداران با بیشرمی روستائیان را غارت کرده اند و آنها را به بردگی کشیده اند . همه توده های راستین حالا میدانند که فوراً باید به

کشاورزان کمک رساند . خیلی فوری باید به آنها کمک کرد که حداقل از زیر یوغ این نوع بردگی بیرون بیایند ، حتی مقامات دولتی حکومت پلیسی ما این روزها در این مورد صحبت میکند . مسئله این است که چگونه میتوان به این کار مبادرت کرد و چگونه می توان گام اول را برداشت و کدام دروازه را اول باید گشود ؟

به این سؤال افراد گوناگون (آنها که مصلحت واقعی روستائیان را طالبند) دو جواب مختلف میدهند . پرولتاریا روستائی بایستی سعی داشته باشد که این دو جواب را بوضوح کامل درک کند و عقیده راسخ و پایداری در مورد آنها داشته باشد . جواب ناردنیک ها و سوسیالیست های انقلابی چنین است . آنها میگویند ، اولین اقدام ، توسعه انواع جوامع (تعاونیها) در میان روستائیان است . اتحاد میر باید مستحکم شود و هر دهقانی نباید حق فروش آزادانه زمینش را داشته باشد . بگذاریم حقوق کمون ، " میر " توسعه یابد و بگذاریم همه زمینهای روسیه به تدریج به زمینهای اشتراکی تبدیل شود . *

باید روستائیان هر نوع کمکی برای اینکه بتوانند زمینها را بخرند ، داده شود تا زمینها از سرمایه تبدیل به کار شود .

جواب دیگر را سوسیال دمکرات ها داده اند . این جواب به این صورت است که روستائیان در وهله ی اول باید همه حقوق خود را که توسط اشراف و بازرگانان غصب شده بدون استثناء و بدون قید و شرط پس بگیرند . روستائیان باید کاملاً " حق داشته باشند که به آزادی همانطور که خود می خواهند ، زمین های خود را بفروشند . برای از بین بردن بندهای رذیلا نه ، کمیته های روستائی

* در چاپ سال ۱۹۵۵ عبارت زیر پس از " زمین اشتراکی تبدیل شود " آورده شده است : " همه زمینها باید از زمین داران پس گرفته شود و بطور مساوی میان اشخاصی که روی آنها کار میکنند ، تقسیم شود . " ه.ت .

باید برای اعاده^۱ زمینهای غصب شده ایجاد گردد. * ما به اتحاد میر احتیاج نداریم، بلکه خواستار وحدت روستائیان فقیر در تمام کمونهای دهات در سراسر روسیه و اتحاد پرولتارهای روستائی با پرولتارهای شهری هستیم. همه انواع جوامع (تعاونیها) و خریداشتراکی زمین اغلب به نفع دهقانان ثروتمند است و همیشه سعی به غارت و چپاول روستائیان میانه حال دارند.

دولت روسیه خوب می داند که بایستی تا اندازه‌ای آسایش روستائیان را فراهم کند، ولی آنرا به مسخره گرفته و سعی دارد که این کار را توسط مقامات دولتی انجام دهد. روستائیان باید هوشیار باشند، زیرا کمیسیون مقامات دولتی آنها را همانند کمیته‌های اشراف فریب خواهد داد. دهقانان باید کمیته‌های آزاد روستائی داشته باشند. مسئله مهم اینست که نباید از مقامات دولتی انتظار بهبود وضع را داشت، بلکه روستائیان باید خودزمام کار خود را در دست بگیرند. بیائید که در مرحله اول فقط یک قدم برداریم، در مرحله اول پست‌ترین نوع بردگی را از میان برداریم — تا در نتیجه روستائیان از قدرت خود آگاه شوند، تا همه آزادانه به توافق مشترک برسند و متحد شوند! هیچ انسان راستینی نمی‌تواند این حقیقت را انکار کند که ضبط زمین توسط زمینداران از شریرانه‌ترین انواع بردگی است. هیچ انسان راستینی نمیتواند انکار کند که خواسته ما یک خواسته اولیه است و یک

* در چاپ سال ۱۹۵۵ عبارت زیر پس از "زمینهای غصب شده ایجاد گردد" آورده شده است. "کمیته‌های روستائی بایستی حق پس گرفتن تمام زمینها از زمین‌داران را داشته باشند نمایندگان مردم تصمیم خواهند گرفت که باز زمینهای مردم چه بکنند. ولی، باید برای برقراری کامل یک جامعه سوسیالیستی تلاش کنیم و بخاطر داشته باشیم که مادام که ثروتمندان و سرمایه حکومت میکنند، هیچگونه تقسیم مساوی زمین مردم را از فقر رهایی نخواهد بخشید". ه.ت.

خواسته عادلانه . بگذاریم تا روستائیان به آزادی کمیته‌های خود را انتخاب کنند ، این کار را بدون دخالت مقامات دولتی و با هدف نابودی یوغ بردگی انجام دهند .

در کمیته‌های آزاد روستائیان (درست مانند مجمع آزاد نمایندگان سراسر روسیه) سوسیال دمکرات ها حداکثر سعی خود را خواهند کرد تا اتحادیه‌ای از پرولتاریای روستائی با همکاری پرولتاریای شهری ایجاد کنند . سوسیال دمکراتها از کلیه امکانات خود کمک خواهند گرفت تا به نفع پرولتاریای روستائی اقدام کنند و به آنها هرچه سریعتر و هر چه متحد تر درگام نخست کمک نمایند ، و سپس گام دوم و سوم تا هدف نهائی که پیروزی پرولتاریا است . ولی آیا امروز می توانیم بگوئیم در آینده گام مناسب بعدی چیست ؟ خیر ، زیرا نمی دانیم که فردا دهقانان ثروتمند و همه قشرهای تحصیل کرده که با انواع تعاونی ها و تبدیل سرمایه به کار در رابطه هستند چه جبهه‌ای خواهند گرفت .

شاید فردا آنها با زمینداران به تفاهم نرسند ، شاید آنها هم مایل باشند که به حکومت زمینداران نقطه پایان بگذارند . بسیار خوب ! منتهای آرزوی سوسیال دمکراتها است که چنین اتفاقی بیفتد ، آنها به پرولتاریای شهری و روستائی توصیه میکنند که تمام زمینها را از زمینداران بگیرند و در اختیار دولت آزاد خلقی قرار دهند . سوسیال دمکراتها با هوشیاری کامل می بینند که از این طریق طبقه پرولتاریا فریب نخواهد خورد و هر چه بیشتر نیروهای خود را برای مبارزه نهائی و رهائی کامل صفوف خود را فشرده تر کند .

در حقیقت ، بیشتر امکان دارد که همه چیز درست عکس این باشد . درست در همان روزی که بدترین نوع بردگی از میان میرود ، دهقانان ثروتمند و بسیاری از افراد تحصیل کرده احتمالا " با صاحبان زمین متحد خواهند شد و در نتیجه همه بورژوازی روستائی علیه پرولتاریای روستائی بپا خواهد

خواست. در این موقعیت تنها مبارزه با زمینداران مسخره خواهد بود. در اینصورت است که ما بایستی با تمامی بورژوازی مبارزه کنیم و به رفاه بیشتری برای کارگران دست یابیم تا بتوانیم بهتر به مبارزه خود ادامه دهیم.

در هر دو صورت، اولین وظیفه غیر قابل اجتناب ما استحکام بخشیدن به وحدت پرولتارها و نیمه پرولتارهای روسیه با پرولتارهای شهری است. برای رسیدن به این هدف ما نیاز به آزادی فوری سیاسی برای خلق های ستمدیده هستیم، آزادی کامل حقوق برای روستائیان و از بین بردن بندهای بردگی. زمانیکه این اتحاد تحقق یافت و استحکام پیدا کرد، ما میتوانیم براحتی تمام فریب های بورژوازی را برملا سازیم و توجه دهقانان میانه حال را به خود جلب کنیم، و به آسانی و راحتی گام های دوم و سوم و آخر را علیه تمامی بورژوازی، و علیه تمامی نیروهای دولتی برداریم و بدون انحراف بسوی آزادی پیش برویم، ورهائی همه زحمتکشان را بدست بیاوریم.

۷- مبارزه طبقاتی در روستاها

مبارزه طبقاتی چیست؟ مبارزه طبقاتی جنگ قسمتی از خلق است علیه قسمتی دیگر. جنگی است که بوسیله‌ی توده‌های بدون حق، تحت فشار و زحمت، علیه صاحب امتیازان و ظالمان برپا میشود، جنگ کارگران روز مزد یا پرولتاریاست علیه مالکان یا بورژوازی. این جنگ بزرگ همیشه بوده و اکنون در روستاهای روسیه ادامه دارد، اگر چه که همه به اهمیت آن پی نبرده‌اند. در دوره بردگی تمامی توده‌های رعیت علیه اربابان خود جنگیدند، اربابان و مالکانی که بوسیله‌ی دولت تزاری حمایت و پشتیبانی میشدند. در آن زمان رعایا قادر به اتحاد نبودند و بخاطر جهالتشان فنا شدند؛ در میان کارگران شهری هیچ کسی نبود که بآنها کمک کند، معذالک آنها با منتهای قدرت جنگیدند، آنها از اعمال ظالمانه دولت، از کیفرهای سخت و از گلوله نترسیدند، آنها به روحانیونی که با تمامی قدرت سعی در اثبات این مسئله داشتند که نظام رعیتی مورد قبول کتاب مقدس است و رعایا مورد لطف خداوند هستند، اعتنائی نکردند، رعایا در همه جا سر به شورش برداشتند و بالاخره دولت از ترس شورش عمومی کشاورزان تسلیم شد.

نظام رعیتی از میان برداشته شد، ولی نه تمامی جوانب آن، کشاورزان هنوز حقی نداشتند، هنوز هم تحقیر میشدند، مالیات میپرداختند و در محدوده‌ی بردگی باقیمانده بودند. شورش‌ها هنوز ادامه دارد؛ آنها در جستجوی آزادی کامل و واقعی هستند. در این حال، بعد از از بین رفتن بردگی، جنگ طبقاتی جدیدی بوجود آمد، جنگ پرولتاریا علیه بورژوازی. ثروت افزایش یافت، راه آهن و کارخانجات بزرگ تاسیس شد، شهرها

بزرگتر و پرجمعیت تر و دارای رفاه بیشتری شدند . ولی تمامی این امکانات متعلق به گروه بسیار محدودی بود . توده‌ها فقیرتر شدند ، گرسنگی آنها را مجبور کرد که خانه‌های خود را ترک کنند و بخدمت سرمایه‌داران در آیند ، کارگران شهری جنگ جدیدی را برپا کردند ، جنگ تمامی فقرا علیه ثروتمندان ، کارگران شهری در حزب سوسیال دمکرات متمرکز شدند و مبارزه خود را مستحکم تر و یکپارچه تر قدم به قدم دنبال کردند ، و خواستار آزادی سیاسی برای تمامی توده‌ها شدند .

آخرالامر کشاورزان نیز کاسه‌ی صبرشان لبریز شد . در بهار سال ۱۹۰۲ کشاورزان پولتاوا (Poltava) خارکف (Kharkov) ، و گوبرنیا‌های دیگر علیه صاحبان زمین قد علم کردند . انبارها را باز کردند و هرچه در آنجا بود میان خود تقسیم نمودند . غلات را بین دهقانان گرسنه‌ای که خود آنها را کاشته و درو کرده بودند ولی اربابان آنها را تصاحب کرده بودند ، تقسیم نموده و خواستار تقسیم زمین شدند . کشاورزان دیگر تحمل ظلم و ستم بی پایان را نداشتند و جو‌یای سرنوشت بهتری بودند . کشاورزان ترجیح دادند که در جنگ با ظالمان بمیرند تا از گرسنگی و بدون کوششی برای رهایی ، و حقا که تصمیمی بجا گرفته بودند . ولی امتیازات زیادی کسب نکردند . دولت تزاری آنها را دزد و شورشی نامید (چرا که به انبارهای غله‌ای حمله کرده بودند که خود آنها را کاشته و درو نموده بودند !) . دولت تزاری ارتش را علیه آنها بسیج کرد ، همانطور که علیه هر دشمنی بسیج می کرد . کشاورزان شکست خوردند . بسیاری کشته و زخمی شدند ، عده زیادی تا سر حد مرگ شلاق خوردند و به سختی شکنجه شدند . تزار مامورانی برای شکنجه و اعدام به نقاط مختلف فرستاد . سربازان به زنان و دختران روستائی تجاوز کردند ، با همه‌ی اینها کشاورزان تحت محاکمه قرار گرفتند و مجبور به پرداخت ۸۰۰ هزار روبل به مالکان شدند . به هنگام محاکمه ، این محاکمه‌های مخفی ، محاکمه در اتاقهای شکنجه ، شورا‌های دفاعی حتی اجازه نداشتند که به کسی

بگویند فرستادگان تزار، فرماندار اوپلنسکی و عمال دیگر تزار با کشاورزان با چه شقاوت و بیرحمی رفتار کردند.

مبارزه‌ی کشاورزان بر حقانیت استوار بود. کارگران روسیه همیشه خاطره‌ی شهدائی را که به وسیله‌ی عمال تزاری کشته شده‌اند یا زیر شکنجه از بین رفته‌اند گرامی میدارد. آن شهدا بخاطر آزادی و سعادت تمامی زحمتکشان جنگیدند. کشاورزان شکست خوردند، ولی باز بر خواهند خواست و بخاطر این شکست شجاعت خود را از دست نخواهند داد. کارگرانی که آگاهی طبقاتی دارند با تمام قدرت سعی در آگاه ساختن تعداد هرچه بیشتر کارگران در شهرها و سراسر کشور خواهند داشت، آنها خواهند گفت که کشاورزان چهرنجی را تحمل می‌کنند و با آنها کمک خواهند کرد تا برای مبارزه‌ای موفقیت آمیز آماده شوند. کارگران آگاه تمامی کوشش خود را در راه روشن کردن علل شکست اولین قیام دهقانی (۱۹۰۲) بکار خواهند برد، و راه پیروزی کارگران و کشاورزان (و نه خدمتگزاران تزار) را پیدا خواهند نمود.

قیام کشاورزان به شکست انجامید، زیرا مجریان آن، توده‌های بیسواد و از نظر سیاسی ناآگاه بودند. این قیامی بود که هیچ خواسته‌ی روشن سیاسی یعنی درخواست تغییری در نظام سیاسی در بر نداشت. این قیام شکست خورد، چراکه مقدماتی برای آن تهیه نشده بود، قیام روستائیان به شکست انجامید، چون پرولتاریای شهری با پرولتاریای روستائی هم پیمان و متحد نشده بود. اینها دلائل اولین شکست کشاورزان بود. برای موفقیت آمیز بودن یک قیام باید اهداف سیاسی آگاهانه را در نظر داشت، از قبل باید برای آن آمادگی داشت. این اهداف باید در سراسر روسیه گسترش یابد و در اتحاد با کارگران شهری باشد. هر قدمی در مبارزه‌ی کارگران شهری، هر جزوه‌ی حزب سوسیال دمکرات یا هر روزنامه یا سخنرانی که بوسیله کارگران آگاه برای پرولتاریای روستائی تهیه و ارائه شود، زمان قیام و آمادگی برای پیروزی نهائی را به جلو می‌اندازد.

کشاورزان بدون هدف سیاسی قیام کردند، چرا که دیگر تحمل رنج و مشقت را نداشتند، و نمی‌خواستند بدون هیچ مقاومتی مانند حیوانات وحشی بمیرند. کشاورزان از دزدی‌ها، غارت‌ها و ستم‌ها به تنگ آمده بودند، و دیگر حتی برای یک لحظه نمیتوانستند به ترحم تزار امیدوار باشند. آنها به حقانیت خود ایمان داشتند، چرا که فکر میکردند محصول انبار شده سهم کشاورزان گرسنه و قحطی زده‌ای است که آنها را کاشته و ببار آورده‌اند و نه سهم "اعیان و اشرافی" که از فرط سیری در حال ترکیدن بودند.

ظاهراً "کشاورزان فراموش کرده بودند که تمام زمینهای مرغوب و تمام کارخانجات تحت اختیار ثروتمندان، مالکان و بورژوازی است، تا بدینوسیله دقیقاً "بتوانند توده‌ی قحطی زده را مجبور به کار برای آنها بکنند. کشاورزان فراموش کرده بودند که نه تنها روحانیون با سخنرانی‌های خود در دفاع از طبقه‌ی ثروتمند، بلکه تمامی کارمندان و سربازان و تمامی دولت تزار به طرفداری از مالکان برخوانند خواست. دولت تزاری این مسائل را به کشاورزان نشان داد که قدرت دولت تا چه حد است، در خدمت چه کسی و حامی چه افرادی است. ما فقط باید این درسها را به کشاورزان یادآور شویم و آنها به راحتی لزوم تغییر نظام سیاسی و آزادی سیاسی را درک خواهند کرد. قیام‌های روستائی زمانی دارای هدف سیاسی آگاهانه خواهد بود و تعداد زیادی آنها درک میکنند که هر روستائی که سواد خواندن و نوشتن دارد و برای خودش فکر میکند، با سه خواسته‌ی اساسی که در وحله‌ی اول باید برای آنها جنگید آشنا شود. اولین خواسته ایجاد مجمع ملی نمایندگان بمنظور ایجاد یک دولت منتخب و مردمی بجای دولت خودگامه‌ی کنونی. دومین خواسته آزادی قلم و بیان برای همه و سومین خواسته، شناسائی برابری کامل حقوق کشاورزان با دیگر طبقات اجتماعی و ایجاد کمیته‌ی انتخابی دهقانی بمنظور از بین بردن بندهای بردگی. اینها خواسته‌های اصلی و اساسی سوسیال دموکراتهاست و اکنون برای کشاورزان درک اینکه در مبارزه بخاطر

آزادی خلق با چه چیز باید شروع کرد ، بسیار آسان خواهد بود . زمانی که کشاورزان این خواسته‌ها را بشناسند ، آنها همچنین لزوم آمادگی دائم و جدی قبل از شروع کشمکش رادرك خواهند کرد و خواهند آموخت که اینکار به تنهایی قابل انجام نیست و همراه با کارگران شهرها- سوسیال دمکرات ها- باید اینکار مهم را بانجام برسانند .

بگذاریم که هر کارگر و کشاورز آگاه رفقای شجاع ، قابل اعتماد و با هوش را به گرد خود جمع کند . بگذاریم که آنها توضیح دهند که سوسیال دمکرات‌ها چه می‌خواهند ، تا هر یک از آنها لزوم مبارزه و اجرای خواسته‌ها را دریابند . بگذاریم که سوسیال دمکرات‌های آگاه بتدریج ، مداوم و در عین حال با استواری کامل ، اصول سوسیال دمکراسی را به روستائیان بیاموزند ، جزوهای حزب سوسیالی دمکرات را با آنها بدهید و این نوشته‌ها را درگروه های کوچک قابل اعتماد تشریح کنید .

ولی دکتربن سوسیال دمکراسی نباید فقط از کتاب‌ها اخذ شود . هر حادثه و هر قضیه‌ای در مورد ظلم و نا برابری و بیعدالتی که در اطراف خود می‌بینیم ، باید برای این منظور مورد استفاده قرار گیرد . دکتربن سوسیال دمکراسی جنگی است علیه ظلم ها ، غارت‌ها و بیعدالتی‌ها . تنها فردی که علل ظلم را می‌داند و سراسر زندگی خود را در مبارزه با این عللها می‌گذارد ، یک سوسیال دمکرات واقعی است . چگونه می‌توان به این مقصود رسید ؟ زمانی که آنها در شهرها و روستاهای خود گرد هم آمدند ، سوسیال دمکرات‌های آگاه خودشان در مورد چگونگی رسیدن به این مقصود و با در نظر گرفتن بهترین امتیازات برای تمامی طبقه‌ی کارگر ، تصمیم خواهند گرفت . یکی دو مثال برای روشن شدن چگونگی انجام این کار ذکر می‌کنم . فرض کنید یک کارگر سوسیال دمکرات به دهکده‌ی خود یا هر دهکده‌ای دیگر می‌رود . دهکده‌ای که تمامی آن در اختیار مالکی است که در همسایگی آن زندگی می‌کند . مانند مگسی که در تار عنکبوت اسیر شده باشد ، این ده همیشه در این بندها اسیر

بوده و نمیتواند از آن رهایی یابد. کارگر باید فوراً "روستائیان مناسب"،
 باهوش، و قابل اعتماد را دور خود جمع کند- آنهایی که در جستجوی عدالت
 بوده و از حمله‌ی پلیس وحشتی نداشته باشند- و علل بدبختی‌ها و محدودیت
 ها را برای آنها توضیح دهد، به آنها بفهماند که چگونه مالکان کشاورزان
 را با کمک کمیته‌ی اشراف فریب داده‌اند، غارت کرده‌اند، و قدرت ثروتمندان
 را بر آنها بشناساند، و چگونگی پشتیبانی دولت از آنها را نشان دهد و
 همچنین در مورد خواسته‌های کارگران سوسیال دموکرات توضیحاتی بدهد.
 وقتی که کشاورزان این مسائل را درک کردند باید گرد هم آیند و تصمیم
 بگیرند که آیا میتوانند با یکدیگر متحد شوند و علیه مالکان قد علم کنند،
 و آیا امکان دارد که اولین خواسته‌های اصولی خود را بانجام برسانند (بهمان
 ترتیب که کارگران شهری خواسته‌های خود را به مالکان کارخانه‌ها ارائه
 میدهند). اگر مالک دارای یک یا چند روستا باشد، بهترین راه، بدست
 آوردن جزواتی از نزدیکترین کمیته‌ی حزب سوسیال دمکرات میباشد. کمیته‌ی
 حزب سوسیال دمکرات، در جزوات خود، دقیقاً "و بدرستی محدودیت‌ها
 و بندهائی که کشاورزان از آنها رنج می‌برند تشریح کرده و ضروری‌ترین
 خواسته‌های آنها را مشخص نموده (تقلیل اجاره بهای زمین، سود عادلانه،
 پرداخت مزد کامل برای استخدام زمستانی)^{۲۲} جریمه کمتر برای خسارت
 وارده به گله در هنگام چرا و خواسته‌های دیگر). روستائینی که توانائی
 خواندن و نوشتن دارند، از طریق این جزوات به خواسته‌ها پی خواهند برد
 و برای آنهایی که خواندن نمی‌دانند تشریح خواهند کرد. کشاورزان از این
 طریق درمی‌یابند که حزب سوسیال دمکرات پشتیبان آنهاست و هرگونه غارت
 و دزدی را محکوم میکند. سپس روستائیان راه چاره‌ای را که برای همه مناسب
 است، پیدا خواهند کرد و به یکباره، در صورتی که همه باهم قیام کنند، به
 نتیجه خواهند رسید و با همیاری کارگران سوسیال دمکرات بهبودی عظیمی
 در سراسر کشور حاصل خواهد شد. کشاورزان بیشتر و بیشتر برای مبارزه بزرگ

آماده خواهند شد، آنها خواهند آموخت که چگونه افراد قابل اعتماد را پیدا کنند و چگونه بخاطر رسیدن به خواسته های خود متحد شوند، شاید که بعضی مواقع در سازماندهی اعتصاب، همچون کارگران شهری موفق شوند. البته اعتصاب در روستاها مشکل تر است. در بعضی از کشورها اعتصاب های موفقیت آمیزی صورت گرفته، مثلاً "در فصل برداشت محصول که مالکان و کشاورزان ثروتمند، احتیاج مبرمی به رعایا دارند. اگر کشاورزان فقیر آمادهی اعتصاب باشند، اگر در مورد خواسته ها به موافقت کامل رسیده باشند، اگر آن خواسته ها در جزوات تشریح شده باشد و یا در جلسات در مورد آنها گفتگو شده باشد، تمامی اینها همراه با یکدیگر، مالک را وادار به تسلیم میکند، یا حداقل باعث میشود امتیازاتی به کشاورزان بدهد. اگر اعتصاب در فصل برداشت با اتحاد آغاز شود، مالک و حتی عمال دولتی و سربازانشان نمیتوانند هیچ کاری انجام دهند، چرا که زمان میگذرد و محصول از بین میرود و در این زمان مالک آسیب پذیرتر خواهد بود. البته اعتصاب پدیده های جدید است و پدیده های جدید در وحله ی اول کاملاً "موفق نیستند. کارگران شهری هم در شروع نمی دانستند که چگونه متحد شوند، نمی دانستند که چه خواسته هایی را ارائه دهند، آنها فقط ماشین آلات و کارخانجات را تخریب می کردند. ولی اکنون آنها آموخته اند که باید دست به مبارزه ای متشکل بزنند. کارگران آموخته اند که فقط با اتحاد می توانند به راه چاره ای سریع برسند. مردم به مقاومت گروهی عادت کرده اند و بیشتر از پیش برای جنگی بزرگ و قطعی آماده می شوند. به همین ترتیب کشاورزان برای از بین بردن غارتگران قیام خواهند کرد، برای رسیدن به خواسته های خود متحد خواهند شد، و بتدریج با تمامی فشار و در همه جا برای مبارزه ی آزادی بخش آماده می گردند. تعداد کارگران و کشاورزان آگاه رو به افزایش می نهد و اتحادیه های سوسیال دمکرات روستائی قوی تر و قوی تر خواهد شد. هر محدودیتی که مالکان بوجود می آورند، هر انحرافی که کشیش ها ایجاد

می‌کنند ، خشونت پلیس و هر ظلم دولتی بطور روز افزون باعث باز شدن چشم‌های مردم خواهد شد و به آنها خواهد فهماند که باید بطور متحد مقاومت کنند و معتقد خواهند شد که فقط از راه زور می‌توان نظام سیاسی را در هم ریخت .

در شروع این جزوه گفتیم که در حال حاضر کارگران به خیابانها و میادین می‌ریزند و با فریاد آزادی طلب می‌کنند و بر روی بیرق‌های خود شعار مرگ بر دیکتاتوری ! را حمل می‌کنند . بزودی روزی فرا خواهد رسید که کارگران شهری نه تنها در خیابانها فریاد خواهند زد ، بلکه برای نبرد عظیم و نهائی آماده خواهند شد ، زمانیکه بعنوان تن واحد فریاد خواهند زد " یا مرگ یا پیروزی ! " . زمانی خواهد رسید که هزاران جنگجوی تازه نفس و مقاوم جای صد ها شهید را خواهند گرفت . کشاورزان همچنین در سراسر روسیه قیام خواهند کرد ، و به کمک کارگران شهری خواهند شتافت و تا آخرین نفس بخاطر آزادی کارگران و کشاورزان خواهند جنگید . مزدوران وحشی تزار ، به رغم کشتارهای وحشیانه ، تاب مقاومت در مقابل این حمله را نخواهند داشت . پیروزی از آن طبقه‌ی کارگر خواهد بود ، و طبقه‌ی کارگر در راه استقلال و رهایی تمامی زحمتکشان از قید ظلم و بیدادگری گام بر خواهند داشت . طبقه‌ی کارگر از آزادی خود برای رسیدن به سوسیالیسم استفاده خواهد کرد !

برنامه‌ی حزب کارگری سوسیال دمکرات
روسیه پیشنهاد شده بوسیله‌ی روزنامه
ایسکرا (۱)، در رابطه بامجله ی‌زاریا (۲)

قبلاً " توضیح دادیم که برنامه چیست و چرا مورد لزوم است و چرا حزب سوسیال دمکرات تنها حزبی است که دارای برنامه‌ای مشخص و روشن می باشد ، یک برنامه فقط می تواند از طریق کنگره‌ی حزب ما که مجمع نمایندگان تمامی احزاب کارگران است اتخاذ شود . کمیته‌ی برگزاری ۲۳ در حال تهیه‌ی مقدمات برای این کنگره می باشد . ولی بسیاری از کمیته‌های حزب ما موافقت خود را با روزنامه‌ی /ایسکرا/ اعلام داشته و این روزنامه را بعنوان پیش‌تاز می - شناسند . بنابراین قبل از برگزاری کنگره ، برنامه‌ی پیشنهادی ما نشانگر واقعی خواسته‌های احزاب سوسیال دمکرات بوده و لازم می دانیم که پیشنهاد خود را بعنوان پیوست جزوه‌ی خود منتشر کنیم .

البته بدون توضیح همه‌ی کارگران مسائل ذکر شده در برنامه را درک نخواهند کرد . بسیاری از سوسیالیست‌های بزرگ برای خلق دکتترین سوسیال دمکراسی کار کرده‌اند و بالاخره این تئوری بوسیله‌ی مارکس و انگلس کامل شده است . کارگران تمامی کشورها تجارب زیادی در این راه بدست آورده‌اند

1- ISKRA

2- ZARYA

و این تجارب مبنای برنامه‌ی ما خواهد شد. بنابراین کارگران باید آموزش‌های مربوط به سوسیال دموکراسی را بیاموزند تا برنامه را بطور کامل درک کنند، برنامه‌ی آنها علم مبارزه‌ی آنها خواهد بود. کارگران برنامه‌ی حزب سوسیال دموکرات را می‌آموزند و به آسانی درک می‌کنند، چون این برنامه از دیدها و تجارب کارگران متفکر سخن می‌گوید. نگذارید فردی بخاطر مشکل بودن درک برنامه دچار ترس و تردید گردد. هرچه کارگران بیشتر بخوانند و فکر کنند، تجارب بیشتری برای مبارزه بدست می‌آورند. ولی بگذارید همه در مورد تمامی برنامه‌ی حزب سوسیال دموکرات تصمیم بگیرند و بحث کنند، همه باید تمامی خواسته‌های حزب سوسیال دموکرات و افکار مربوط به رهائی کامل زحمتکشان را همیشه بیاد داشته باشند. حزب سوسیال دموکرات می‌خواهد که همه بوضوح و دقیقاً "از حقایق مطلع باشند.

ما در اینجا نمیتوانیم تمامی برنامه را جزء جزء ذکر کنیم. جزوهای دیگر برای اینکار مورد احتیاج است. ما فقط بطور خلاصه برنامه را مرور می‌کنیم و از خواننده می‌خواهیم برای اطلاعات بیشتر به دو جزوهای دیگر رجوع کنند. یکی از آنها بوسیله سوسیال دموکرات آلمانی بنام کارل کاتوتسکی نوشته شده و نام آن برنامه‌ی ارفورت می‌باشد. این جزوه به روسی ترجمه شده و جزوهای دیگر را ال مارتوف نوشته و نام آن مسائل کارگران در روسیه می‌باشد. این جزوات به درک کامل برنامه‌ی ما کمک می‌کند. اکنون هریک از قسمتهای برنامه را مشخص می‌کنیم، و مسائل مورد بحث را در هر قسمت متذکر می‌شویم.

۱- پرولتاریای سراسر جهان برای آزادی کامل می‌جنگد و پرولتاریای روسیه فقط قسمتی از ارتش طبقه‌ی کارگر در تمامی کشورها میباشد.

۲- این برنامه سپس به تشریح نظام بورژوازی در سراسر جهان می‌پردازد و نشان میدهد که چگونه اکثریت جمعیت برای مالکان و سرمایه‌داران کار میکنند و در فقر و نیاز روزگار می‌گذرانند. نشان می‌دهد که چگونه صنعتگران

و کشاورزان روز بروز فقیرتر میشوند و کارخانجات بزرگتر و بزرگتر میشود ، چگونه سرمایه کارگران و خانواده‌های آنها را از بین میبرد ، چگونه شرایط زندگی طبقه کارگر روز بروز بدتر میشود و بیکاری و احتیاج رو به فزونی است .

۳- این برنامه سپس در مورد اتحادیه‌های کارگران ، مبارزه‌ی آنها ، و هدف بزرگ این مبارزه که آزاد کردن تمامی ستمدیدگان و از بین بردن کامل استثمار فقرا توسط ثروتمندان است ، صحبت میکند . این قسمت همچنین دلائل قوی شدن طبقه کارگر ، و اطمینان از شکست تمام دشمنان ، تمام آنهایی که از بورژوازی دفاع میکنند را ذکر میکند .

۴- سپس دلائل گسترده شدن احزاب سوسیال دمکرات را در سراسر جهان ، و چگونگی کمک آنها به طبقه کارگر را برای شروع مبارزه شرح میدهد ، آنها را متحد کرده و راهنمایی میکند ، آنها را آگاه کرده و برای مبارزه آماده می کند .

۵- بعلاوه توضیح میدهد که چرا شرایط زندگی خلق روسیه بسیار بدتر از دیگر کشورها است دیکتاتوری تزاری بلای بزرگی است ، و چرا باید اول از همه آن دیکتاتوری را از بین ببریم و دولتی خلقی و منتخب در روسیه بوجود آوریم .

۶- دولت انتخابی چه اصلاحاتی را باید انجام دهد ؟ این موضوع در جزوه و برنامه‌ی ما ذکر شده .

۷- سپس برنامه اصلاحاتی را که باید به فوریت برای طبقه کارگر انجام شود تا زندگی آسانتری برای آنها ایجاد گشته و آنها را قادر سازد که با آزادی بیشتری برای سوسیالیسم بجنگند ، متذکر شده .

۸- این برنامه اشارات ویزهای را در مورد اصلاحاتی که باید سریعاً " برای تمام کشاورزان انجام شود تا آنها را قادر سازد که به آسانی و آزادانه با بورژوازی روستائی و بورژوازی سراسر روسیه بجنگ بپردازند ، دربردارد .

۹- در آخر ، حزب سوسیال دمکرات به مردم هشدار میدهد به هیچ

یک از قولها و وعده‌های شیرین پلیس ویا دولت اعتماد نکنند ، و فقط بخاطر
تشکیل سریع و آزادانه‌ی مجمع ملی نمایندگان مبارزه کنند .

نوشته شده در نیمه‌ی اول ماه مارس ۱۹۰۳

ترجمه بفارسی در خرداد ماه ۱۳۵۸

توضیحات

۱- در نامهای که لنین در ماه مارس ۱۹۰۳ به پلخانوف نوشت متذکر شد که در حال نوشتن جزوهای ساده برای روستائیان در مورد برنامه‌ی کشاورزی است. او در این جزوه عقیده‌ی مارکس را در مورد مبارزه‌ی طبقاتی در روستا و بر مبنای اطلاعات صحیح از چهار طبقه جمعیت روستا (صاحب زمین، روستائی بورژوا، روستائی میانه حال و نیمه پرولتاریا همراه با پرولتاریا) تشریح میکند.

پیش نویس برنامه‌ی حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه با مقدمه‌ای از لنین در جزوهای چاپ و بطور گسترده‌ای توزیع شد. این جزوه بطور غیر قانونی وارد روسیه شد و در شهرهای مختلف و دهات پخش گردید. این جزوه مخفیانه در گردهم آئی های کارگران و حزب سوسیال دمکرات خوانده شد، افراد ارتش و نیروی دریائی هم آنرا خواندند و دانش آموزان و دانش جویان نیز از آن استفاده کردند.

در سال ۱۹۰۴ این جزوه بوسیله‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه در خارج چاپ شد و این جزوه بیش از یک بار در روسیه تجدید چاپ گردید.

در سال ۱۹۰۵ لنین این جزوه را برای انتشار قانونی آماده کرد. این زمان اوج اولین انقلاب روسیه بود. لنین این نوشته را کامل کرد. این جزوه از روی چاپ ۱۹۰۳ تهیه شده. مهمترین تغییرات در مقایسه با چاپ ۱۹۰۳ بصورت پا نویس ذکر شده.

۲- منظور مسکو و سنت پترزبورگ است.

۳- دوما- یک مجمع نمایندگان که دولت تزاری در نتیجه‌ی انقلاب

۱۹۰۵ مجبور به قبول آن شد، در اول، دوما یک مجمع قانونگذاری ولی بدون قدرت بود. انتخابات این مجمع غیر مستقیم و نابرابر بوده و در سطح کشور گسترده نبود. آزادی زحمتکشانی که دارای ملیت روسی نبودند بشدت کم شد و قسمت قابل توجهی از روستائیان و کارگران حق انتخاب نداشتند. بر طبق قانون انتخابات که در یازده (۲۴) دسامبر سال ۱۹۰۵ بتصویب رسید، رای یک صاحب زمین برابر با سه رای بورژواهای روستائی پانزده رای روستائی و ۴۵ رای کارگران بود.

۴- ولست - پائین ترین واحد اداری منطقه‌ای اویزد در روسیه قبل از انقلاب.

۵- الکساندر سوم (رومانف) (۱۸۹۴-۱۸۴۵) امپراطور روسیه (۱۸۸۱-۹۴-۱۸۸۱).

۶- نماینده‌ی اشراف - نماینده‌ی اشراف یک گوبرنیا یا اویزد که توسط مجمع اشراف، بخاطر انجام امورشان انتخاب میشد. وی دارای نفوذ اداری زیادی بود و در جلسات زمستو و صاحب کرسی بود.

۷- نیکولای دوم (رومانوف) (۱۹۱۸-۱۸۶۸) آخرین امپراطور روسیه که در سال ۱۸۹۴ بتخت نشست و در فوریه ۱۹۱۷ در انقلاب بورژوا دمکراتیک کناره گرفت.

۸- منظور جنگ روس و ژاپن در سالهای ۱۹۰۴-۱۹۰۵ میباشد.

۹- ناظر روستائی (Zemsky Nachalnik) یک پست اداری است که بوسیله‌ی دولت تزاری در سال ۱۸۸۹ بخاطر تقویت قدرت مالکان بوجود آمد. این ناظران از میان اشراف محلی انتخاب میشدند و نه تنها دارای قدرت اداری بودند بلکه از قدرت قضائی که شامل دستگیری روستائیان و تنبیه بدنی آنها بود نیز برخوردار بودند.

۱۰- نقل قول از مانیفست حزب کمونیست که شاهکار مارکس و انگلس است و در سال ۱۸۴۸ نوشته شده است و برنامه‌ی کمونیسم علمی را مطرح

میکنند .

۱۱- گولاک ها - روستائیان ثروتمندی که از کار دیگران استفاده و آنها را برای انجام کار اجیر میکنند و به آنها پول نزول میدهند و یا کارهایی از این قبیل (لنین ، مجموعه آثار ، جلد ۳۵ صفحه ۵۰۱) .

۱۲- اشاره به در اختیار گذاشتن قسمتی زمین به روستائیان بعد از الغای بردگی در سال ۱۸۶۱ . روستائیان حق فروش این زمین ها را نداشتند . در قسمت بزرگی از روسیه ، این زمینها بوسیلهی کمون دهکده اداره میشد و بطور دورهای بین روستائیان تقسیم می شد .

۱۳- زستوو نامی که به هیئت های دولتی محلی تحت اختیار اشراف اطلاق می شود ، و در گوبرنیای مرکزی روسیهی تزاری در سال ۱۸۶۴ بوجود آمده . اختیارات زمستووها فقط محدود به مشکلات اقتصادی محلی بود . (ساختن بیمارستان ، فروشگاه ، جاده و غیره) فعالیت آنها بوسیلهی فرمانداری های استان و به وسیلهی وزیر کشور که می توانست هرگونه تصمیمی را ، در صورتیکه به تصویب دولت نمی رسید ، رد کند ، کنترل میشد .

۱۴- زمین های غصبی (Otrezki) قطعه زمینی که در سال ۱۸۶۱ بعد از الغای نظام رعیتی در روسیه از سهم روستائیان جدا شده و به نفع مالکان ضبط میشد . اینها اغلب از بهترین زمینها ، مراتع ، چراگاهها ، جنگل ها ، علفزارها و محلهای آبیاری ، هستند که کشاورزان آنها را با کشاورزی مستقل خود نمی توانستند اداره کنند .

۱۵- ناردنیکها - یک روستا خرده بورژوازی در جنبش انقلابی روسیه که در دهه ۱۸۷۰ بوجود آمد . ناردنیکها خواهان از بین رفتن خودکامگی و انتقال زمین به کشاورزان بودند . در عین حال آنها منکر پیشرفت اجتناب ناپذیر روابط سرمایه داری در روسیه بودند و بنابراین آنها کشاورزی را به عنوان نیروی اصلی انقلاب در نظر می گرفتند و نه پرولتاریا را . آنها کمون دهکده را به منزلهی سرچشمهی سوسیالیزم در نظر می گرفتند . آنها با هدف

برانگیختن کشاورزان در مبارزه علیه خودکامگی به میان مردم و به دهکده‌ها رفتند، ولی هیچکس از آنها پشتیبانی نکرد.

در دهه‌ی ۱۸۸۰ و ۹۰ ناردنیک‌ها خط‌مشی مصالحه‌جویانه‌ای را با طرفداران تزار در پیش گرفتند، و بیانگر منافع طبقه‌ی کولاک شدند و مبارزه‌ای سخت علیه مارکسیسم را بنا نهادند.

۱۶- سوسیالیستهای انقلابی (اس-ارها) یک حزب خرده بورژوازی در روسیه که در اواخر سال ۱۹۰۱ و در آغاز سال ۱۹۰۲ در نتیجه‌ی ادغام گروه‌ها و کانونهای نارودنیک بوجود آمد. سوسیالیست‌های انقلابی، تفاوت طبقاتی میان پرولتاریا و دهقانان را در نظر نمی‌گرفتند و اختلافات و تناقضات طبقاتی در جامعه‌ی دهقانی را نادیده گرفته و نقش رهبری پرولتاریا در انقلاب را انکار می‌کردند.

۱۷- (دوارد دیوید (۱۸۶۳-۱۹۳۰) اقتصاد دان و رهبر جناح راست حزب سوسیال دمکرات آلمان. در سال ۱۸۹۴ او عضو کمیسیون تهیه‌پیش نویس برنامه‌ی کشاورزی بود. دیوید سعی در قبولاندن ثبات مزارع کوچک کشاورزی در نظام سرمایه‌داری داشت. در سال ۱۹۰۳ او کتابی بنام سوسیالیسم و کشاورزی بچاپ رساند که لنین آنرا کار اصلی رویزیونیسم در مورد مسئله‌ی کشاورزی نامید (لنین، مجموعه‌ی آثار، جلد ۱۳، صفحه ۱۷۱).

۱۸- (ایسکرا- اولین روزنامه‌ی غیرقانونی مارکسیستی روسیه که بوسیله‌ی لنین در دسامبر سال ۱۹۰۰ در خارجه تاسیس شد و از آنجا محرمانه به روسیه ارسال میشد. ایسکرا بصورت مرکز تجمع نیروهای حزب و آموزش کارگران حزبی درآمد.

۱۹- (زاریا (سحر) نشریه علمی و سیاسی مارکسیستی که در سال ۱۹۰۲

۱۹۰۱ بوسیله‌ی هیئت تحریریه ایسکرا در اشتوتگارت تهیه شد.

۲۰- این تعهدات تعیین‌کننده‌ی روابط بین کشاورزان و صاحبان زمین در رابطه با الغای نظام رعیتی در سال ۱۸۶۱ بود. این تعهدات مقدار زمین

مورد استفاده کشاورزان قبل از اصلاحات و همچنین مقدار زمینی که بعد از اصلاحات در اختیار آنها بود، تعیین می کرد. این تعهدات همچنین خدمتی را که کشاورز برای صاحب زمین باید انجام می داد مشخص کرده و به عنوان مبتئی برای تعیین اجاره بهای زمین مورد استفاده قرار می گرفت.

۲۱- تعهدات جمعی - یک فرمان اجباری که کشاورزان هر کمون دهکده را مجبور به کار سسه جمعی برای پرداخت به موقع و کامل دیون و انجام تمام خدمات برای دولت و صاحب زمین می کرد (پرداخت مالیات، اقساط اجاره بها و انجام خدمات سربازی و غیره). این نوع قید و بند حتی بعد از الغای نظام رعیتی باقی ماند و تا سال ۱۹۰۶ اعمال می شد.

۲۲- استخدام زمینی - استخدام کشاورزان به وسیله صاحبان زمین و کولاکها در زمستان برای کار در فصل تابستان. کشاورزان در فصل زمستان در شرایط سختی به سر می بریدند و با هر گونه قرارداد ظالمانه ای موافقت می کردند.

۲۳- اشاره است به دومین کنگره حزب کارگری سومبیل نمکرات روسیه که از ۱۷ (۳۰) ژوئیه تا ۱۰ (۲۳) اوت ۱۹۰۳ برگزار شد. برنامه حزب که در این کنگره اتخاذ شد شامل دو قسمت بود. برنامه حداکثر و برنامه حداقل. هدف برنامه حداکثر پیروزی انقلاب سومبالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا برای ایجاد جامعه سومبالیستی بود. برنامه حداقل شامل خواسته های فوری حزب بود: سقوط خودکامگی، برقراری جمهوری دموکراتیک، هشت ساعت کار روزانه و اضمحلال تمام بقایای نظام رعیتی در روسیا.